

# ویژه نامه

# هفته بسیج

موضوع : بسیج ؛ تولید قدرت و امنیت نرم

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۴
بسیج نماد توانمندی انقلاب.....	۶
بسیج، و قدرت نرم.....	۱۰
بسیج و تسخیر قتل اقتدار.....	۲۱
بسیج، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.....	۲۴
بسیج و تولید قدرت و امنیت نرم.....	۳۰
بسیج در انقلا اسلامی.....	۳۴
بسیج و ماموریت مقابله با تهدیدات نرم.....	۴۵
بسیج و کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی.....	۵۰
بسیج و چشم انداز پیش رو.....	۸۸
جایگاه بسیج در دهه چهارم انقلاب اسلامی .....	۹۴
بسیج از دیدگاه امام خامنه ای.....	۱۰۲
بسیج و کار ویژه آن در پرتو برنامه چهارم توسعه؛ کاستی ها و راهکارها.....	۱۱۲
نقش بسیج در اقتصاد مقاومتی؛ موانع و راهکارها .....	۱۵۰
نقش بسیج در ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۶۶
ظرفیت بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی.....	۱۷۱
نقش بسیج در اقتصاد مقاومتی موانع و راهکارها .....	۱۸۶

یکی از دستاوردهای برجسته و مهم انقلاب اسلامی ایران، تشکیل ارتش گسترده اسلامی و مردمی یعنی بسیج مستضعفان می باشد. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و قطع دست استکبار جهانی و منافع آنها در ایران، توطئه‌ها و فتنه‌های شیاطین علیه ایران روز به روز گسترش یافت. در چنین شرایطی امام خمینی در پنجم آذر ۱۳۵۸، فرمان تشکیل بسیج را صادر کردند و فرمودند: "مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، باید بیست میلیون ارتش داشته باشد". هنوز یک سال از صدور فرمان امام نگذشته بود که رژیم بعث عراق با هدف براندازی نظام نوپای اسلامی و با حمایت استکبار جهانی، علیه ایران دست به حمله همه جانبه زد. در چنین شرایطی بود که جوانان سلحشور، به اشاره امام به صورت خودجوش و تحت تشکل‌های بسیجی به جبهه‌ها شتافتند و در طول هشت سال دفاع مقدس، با تقدیم خون خود، نهال نوپای انقلاب اسلامی را آبیاری کردند و حماسه‌ها و رشادت‌های بی‌سابقه‌ای آفریدند. این گونه بود که بسیج در تاریخ انقلاب اسلامی نه به عنوان یک نهاد نظامی صرف، بلکه به عنوان یک مکتب فرهنگی و ارزشی و کلمه طیه‌ای که در بین همه اقشار ملت ایران ریشه دوانیده است، مطرح می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری: "بسیج یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت آور مخصوص این انقلاب است". ایشان در بیان دیگری با یاد کردن از بسیج به عنوان یکی از افتخارات انقلاب و حضرت امام (ره) می‌فرمایند: "یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و بخصوص از افتخارات بزرگ امام راحل عظیم‌الشان، تشکیل ارتش بیست میلیونی بود".

از مهمترین ویژگی‌های بسیج، اسلامی و مردمی بودن آن است. تدین و دینداری خمیرمایه اصلی عناصر و اعضای بسیج بوده و به عنوان یکی از ارکان مهم تشکیل دهنده ساختار آن می باشد. بسیج نهایت تجلی و بروز یک ارتش مردمی و عالی‌ترین مرتبه تعامل نیروهای مسلح یک کشور با توده مردم خود می باشد. نیروهای بسیج که با میل و رغبت و به صورت اختیاری و داوطلبانه به عضویت این نهاد مقدس درمی‌آیند، از

توده مردم سراسر کشور می باشند، مردمی که نظام حکومتی خویش را خود انتخاب نموده و به آن عشق و علاقه دارند و بین حکومت و خود فاصله ای نمی بینند. مقام معظم رهبری می فرماید: "بسیج یک سازمان مشخص رزمی مثل دیگر سازمانها نیست. بسیج یعنی متن ملت و همه آحاد مومن و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه".

یکی دیگر از ویژگی های مهم اعضای بسیج، اخلاص، ایثار، صفای روحی و باطنی آنها می باشد. تدین و تعهد اسلامی آنان و نیز عضویت اختیاری و همراه با میل و رغبت در بسیج، آن هم بدون چشمداشت مالی و حقوقی، از جمله عواملی است که به تقویت اخلاص و صفای باطنی بسیجیان کمک شایانی می کند. امام راحل (ره) در این خصوص می فرماید: "بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد... من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام".

مقام معظم رهبری در مورد بسیج و ویژگی های آن فرموده اند: "... اگر بخواهیم بسیج را در یک تعریف کوتاه معرفی کنیم باید بگوییم: بسیج عبارت است از مجموعه ای که در آن پاکترین انسان ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده اند ... بسیج عبارت است از تشکیلاتی که در آن افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم، به یک مجموعه آگاه، متعهد، بصیر و بینا به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می شوند. مجموعه ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطر جمع می کند؛ در حقیقت همه انسان های مؤمن، آگاه، بصیر، عاشق، متعهد و علاقه مند و آگاه به کار، در هر میدانی از میدانها هستند که برای ملت مفید است، جزء بسیج اند؛ لذا بسیج یک نام مقدس است".

## بسیج نماد توانمندی انقلاب

تشکیل بسیج مستضعفین، ارتش بیست میلیونی به فرمان امام خمینی (ره) هوشیاری و درایت بی‌نظیر حضرت امام خمینی (ره) از جمله اساسی‌ترین عوامل در خنثی‌سازی توطئه‌ها به حساب می‌آید که به برکت این دوراندیشی و هدایت انقلاب در مسیر اصلی خود، زمینه انقلاب دوم فراهم آمد و با سقوط لانه جاسوسی آمریکا در تهران و برملا شدن ماهیت سلطه‌جو و تجاوزکارانه آمریکا، شیطان بزرگ با ضربه‌ای سخت و جبران‌ناپذیر روبرو شد. اسناد به‌دست آمده از لانه جاسوسی و اظهارات صریح حکام آمریکایی، مردم و رهبران کشور و به‌ویژه حضرت امام را با این حقیقت آشکار مواجه کرد که احتمال مداخله نظامی آمریکا و هجوم علیه جمهوری اسلامی، امری بعید و غیرممکن نبوده و با توجه به سابقه این کشور، لزوم آمادگی مردم به منظور مقابله و رویارویی را در کوتاهترین زمان ممکن آشکار می‌کرد. براین اساس امام امت در پنجم آذرماه سال ۵۸، یعنی در مدتی کمتر از یک ماه بعد از انقلاب دوم، فرمان تاریخی تشکیل بسیج را صادر فرمودند. ضمن تبریک و گرامیداشت این روز تاریخی، در این زمینه چند نکته لازم به یادآوری است.

### مفهوم بسیج و بسیجی

اگر بخواهیم مفهوم بسیج و بسیجی را در ادبیات انقلاب اسلامی جستجو کنیم، چاره‌ای جز بیان مراد حضرت امام (ره) از بسیج و بسیجی نداریم. در اندیشه امام (ره) بسیج نهادی است اجتماعی با ابعاد متعدد. در این نگرش، بسیج دیگر صرفاً سازمانی نظامی نیست که فقط در زمان جنگ و برای دفاع در مقابل دشمن شکل گرفته باشد، بلکه نهادی وسیع و پاسخگوی نیازهای اساسی و حیاتی جامعه است و با اجزای دیگر نظام چنان هماهنگی و پیوند دارد که انفصال آن جز با انحلال جامعه اسلامی متصور نیست. بسیج در صورتی می‌تواند نهادی جامع و شامل جهات

متعدد و پایدار شناخته شود که نیازهای دائمی و باورها و ارزش‌های فرهنگی پدیدآورنده آن به روشنی تعریف شوند. این نیازها ممکن است اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی باشند. به فرموده امام (ره) «بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشانی در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند.» (صحیفه نور، جلد ۲۱ ص ۱۹۵).

بسیج ایدئولوژی اصیل در جهان بشریت

بسیج امروز فقط یک سازمان یا یک نهاد یا یک شخصیت حقوقی و حقیقی نیست. بسیج به برکت خون شهدایش شناخته می‌شود. بسیج یک فرهنگ، گفتمان و ایدئولوژی اصیل در جهان بشریت است و حد و مرز نمی‌شناسد. بسیجی ثبت‌نام ندارد. بسیجی بودن به ویژگی‌های والای اخلاص و تقوا بستگی دارد و در یک کلام بسیجی یعنی پیرو ولایت و مزین به نور رهبر. بسیج از بطن مردم است و جنبشی خودجوش و مردمی است که تفاوتی اساسی با دیگر جنبش‌ها دارد و آن عدول‌نکردن از ارزش‌های اولیه و اتکا به نیروی مردمی است. بسیج امروز در همه عرصه‌ها حضوری جهادگونه دارد.

هر کجا نیاز احساس شود، بسیج اولین ارگان است. همیشه بسیج پیشرو بوده است و خار چشم دشمنان. بسیج در مسائل سیاسی و جناح‌بندی‌ها و صف‌بندی‌ها وارد نمی‌شود، ولی در عین حال آگاه است و بصیرت در آن یک اصل به شمار می‌رود. دوست را از دشمن می‌شناسد و اسیر خواسته‌های گروهی نمی‌شود. بسیج پشتیبان ولایت فقیه و پیرو رهبر است و لاغیر. بسیج فهم درست اتحاد، اراده و اخلاص مسلمانان است که با ظهور اسلام تولد یافته و در ملت‌های مسلمان رشد کرده است. هوشمندی حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه و عدالت‌خواهی میلیون‌ها انسان باایمان، تنها، تبلور دوباره بسیج در عصر حاضر بود.

### بسیج، حاصل فهم همگانی مردم

خودمحوری‌ها، کج‌روی‌ها و ترجیح خواسته‌های شخصی یا گروهی بر نیاز جامعه، آسیب جبران‌ناپذیری بر بدنه اجتماع وارد می‌آورد. نظام اسلامی با برخورد قاطع، از فردگرایی جلوگیری

می‌کند تا مبدا سلیقه‌های فردی و حزبی بر صلاح ملت ترجیح داده شود. در پرتو این تفکر، بسیج خود را حزبی سیاسی، گروهی نظامی یا اقتصادی نمی‌داند. بسیج، حاصل فهم همگانی مردم از نیکی‌هاست که یکایک آنها نقش حساسی در اجرای آن برعهده دارند. هر کس با توانایی‌های خود، نیرویی از بسیج است که برای رساندن مملکت به جایگاه حقیقی و آرمانی‌اش تلاش می‌کند.

### حفظ امنیت کشور

نخستین گام برای گسترش مبانی دینی در کشور، ایجاد بستر مناسب و امنیت است. آرامش روانی و آسایش خاطر، عرصه را برای حاکمیت خدا و قانون او فراهم می‌آورد. یکی از حیاتی‌ترین وظایف بسیج، حفظ امنیت کشور است. شرکت پرشور در جنگ تحمیلی، نمونه برجسته‌ای از حضور موفق بسیج در صحنه امنیت ملی بوده است. اکنون هم نیروهای بسیجی با گذراندن دوره‌های گوناگون نظامی، خود را در برابر تهاجم دشمنان خارجی و توطئه‌های داخلی آماده می‌سازند.

### مأموریت‌های بسیج

مهم‌ترین مأموریت‌های بسیج به شرح زیر است: ۱- مقابله با استکبار. ۲- قیام در مقابل انحرافات. ۳- تحمل و بردباری در برابر شدائد و سختی‌ها. ۴- مبارزه با نفس. ۵- رسیدن به قله‌های رفیع علمی و تلاش مجاهدانه در این زمینه. ۶- زنده‌نگه داشتن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌ها. ۷- آگاهی پیدا کردن نسبت به حقایق و معارف والای دینی. ۸- مسلح شدن به سلاح بصیرت. ۹- حضور آگاهانه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و اجتماعی. ۱۰- احیا و زنده‌نگه داشتن فریضه امر به معروف و نهی از منکر. ۱۱- آموزش و تربیت نیروی انسانی باتجربه و کارآموده. ۱۲- خدمت خیرخواهانه و داوطلبانه و تمام عیار به مردم در همه عرصه‌های زندگی، در جهت کاهش مشکلات و حلّ معضلات فردی اجتماعی آنان.

### اصلی‌ترین رویکرد بسیج



بسیج نماد توانمندی انقلاب اسلامی بوده و نقش آن در شکست توطئه‌ها و ترفندهای جنگ نرم انکارناپذیر است. نهاد بسیج با توانایی‌های بسیار در تمام زمینه‌ها منشاء خدمات گسترده در عرصه‌های مختلف در طول تاریخ این انقلاب بوده است. اصلی‌ترین و فراگیرترین رویکرد بسیج در شرایط کنونی، رویکرد فرهنگی و مقابله با جنگ نرم دشمنان است.

دشمن در جنگ نرم قصد دارد پایه‌های ایمان و اعتقاد مردم را تضعیف کند که باید با برگزاری برنامه‌های کیفی مانع از تحقق اهداف دشمن شد.

وظیفه بسیجیان این است که با بصیرت، شناخت و موقعیت جایگاه امام (ره)، توطئه‌های استکبار جهانی را خنثی کنند.

## بسیج و قدرت نرم

قدرت کلیدی ترین مؤلفه تعیین کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه بین المللی و نهادها در عرصه داخلی می باشد. واقعیت های جهان مبین آن است که اغلب کشورها درصددند قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون، قدرت را به اقتدار و حمله را به نفوذ تبدیل نمایند. بنابراین مشخص است که حرکت به سوی بعد نرم افزاری قدرت در دستور کار بیشتر کشورها قرار دارد.

قدرت نرم، قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق بودن است. قدرت نرم یعنی توانایی یک کشور در صحنه بین المللی یا یک سازمان و نهاد در صحنه داخلی برای جذب به سوی خود، با ایده ها، ارزشها و ایدئولوژی خود یا توانایی در جهت واداشتن سایرین به این که آنها نیز مانند او بیاندهند. (۱)

این قدرت ارتباط تنگاتنگی با قدرتهای بی شکل (form less power) نظیر فرهنگ، ایدئولوژی، ارزشها و... دارد.

جهان شمولی فرهنگی یک کشور و توانائی اش برای تعیین هنجارها، قواعد و رژیمهای حقوقی و بین المللی از منابع کلیدی قدرت آن کشور به شمار می آید.

قدرت نرم، ظاهری آرام و مخملی و باطنی استوار و آهنی دارد. به بیان دیگر هر چند قدرت نرم بنا به برخی تقسیم بندی ها در زمره قدرتهای نامحسوس جای می گیرد ولی از آن جا

که هدف اصلی آن جذب قلوب و اذهان است، بنابراین دارای آثار و تاثیرگذاری بسیار عمیق تر از قدرت سخت می باشد. چرا که قدرت نرم با باور، ایمان، نوع نگاه، ارزشها، فهم دیگران، تعریف خود و درون مایه انسان و... طرف مقابل (مردم خودی یا ملت. دولت دیگر) سروکار دارد.

در این راستا بدون تردید عمق استراتژیک و راهبردی هر نظام با ثبات واقعی، مردم هستند. چرا که عنصر اصلی در وضعیت های آفندی و پدافندی، مردم هستند. به عبارتی دفاع. تهاجم بدون حمایت مردم قرین موفقیت نخواهد شد.

به عنوان مثال شکست آمریکا در ویتنام به عنوان یک مورد آفندی و شکست رژیم صدام به عنوان یک مورد پدافندی، مثالهایی بارز مبنی بر تأیید ادعای فوق می باشد. بنابراین به منظور کسب حمایت مردم از سیاستهای دولت و نظام، استفاده از قدرت نرم ضروری است.

بر این اساس، استفاده از قدرت نرم نیاز به تبیین مؤلفه های قدرت نرم دارد که یکی از ضروری ترین و اساسی ترین آنها، مشارکت می باشد. (۲)

(اگر چه مؤلفه های دیگر همچون مشروعیت- موفقیت و... در این قدرت موثر هستند) مشارکت عمومی و حداکثری مردم در هدایت اهداف و راهبردهای دولتها در جهت اعمال قدرت نرم بسیار موثر است که یکی از اصول راهبردی مشارکت عمومی، وحدت ملی است به گونه ای که می توان گفت که شاکله فرهنگ، سیاست، اقتصاد و دفاع در هر کشوری بر همبستگی و وحدت ملی استوار است. بنابراین اساس اندیشه همبستگی و وحدت ملی در قدرت نرم و اعمال آن نمی تواند مورد تردید واقع شود. اگرچه مبانی، منابع، عوامل و عناصر سازنده انسجام ملی، پیامدها و تبعات گوناگون سیاسی- اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی آن می تواند در دو حوزه داخلی و کنش های بین المللی از منظرهای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اندیشه وحدت ملی در هر یک از نظامهای فکری و سیاسی به گونه ای خاص جلوه می کند. به نحوی که نظام های لیبرال- دموکراسی، همبستگی و وحدت ملی را محصول قرار داد

اجتماعی و اعمال گونه ای تساهل و بدباری نظری و رفتاری در عرصه اجتماعی و سیاسی می دانند. (۳)

بدین ترتیب اینان بر اندیشه یکتاننگاری محض خط بطلان می کشند و این در حالی است که سیستم های سیاسی- فکری تمرکزگرا در اساس چندگانه اندیشی تردید کرده و بر ضرورت یکسان سازی و اختلاف زدایی و وحدت گرایی در عرصه اندیشه و عمل در جهت بالا بردن شاخص و نمودار قدرت نرم تاکید می نمایند.

با توجه به مباحث مطرح شده لزوم افزایش ضریب وحدت ملی در کشورمان که یکی از عناصر راهبردی افزایش قدرت نرم هم می باشد با توجه به مسایل ذیل دارای اهمیت دو چندان خواهد شد:

۱- وحدت بن مایه یک اندیشه جمعی پویا برای رسیدن به مرزهای ترقی و تعالی می باشد.

اگر در جهان عزمی به هدف اجابت رسیده است بر اثر دو مؤلفه بوده است که اولی در پشتکار و سعی خلاصه شده و دومی در همدلی و وحدت متجلی شده است.

سیر تطور فلسفه سیاسی و نظرات اندیشمندان این علم در گذر زمان همگی حول وحدت ملی و یکپارچگی هویت، دولت- ملت سیر می کرده است. تاریخ بسیار به یاد دارد افول تمدنهایی را که در اثر گسستگی و چنددستگی به ضعف و سستی افتاده اند و چه ملت- دولتهایی که در اثر وحدت ملی توانسته اند با افزایش قدرت نرم خود از قله های صعب العبور گذر کنند.

سخن آن حکیم نکته دان که وحدت را استراتژی هر ملت کهن و ریشه داری می داند امری صحیح و معقول می باشد و اگر همه توجه دولت مردان صرف این شود که انسجام ملی پررنگتر شود دولت به بیراهه نرفته است. پس در اینکه انسجام ملی امری استراتژیک و حیاتی در افزایش قدرت نرم است شکی وجود ندارد. (۴)

۲- ماهیت ایران و ایرانی و مولفه هایی چون دین اسلام، انقلاب اسلامی، گذشته ای پرافتخار و خدمات متقابل ایران و ایرانی به اسلام و جهان اسلام حقیقت دیگری را خلق می کند و آن اینکه ایرانی نه تنها در برابر خود و ملت خویش مسئول است بلکه به واسطه دین اسلام وظیفه ای مضاعف در برابر دیگر ملتها نیز دارد.

براساس تعالیم مکتب اسلام هر مسلمانی نسبت به برادران و خواهران ایمانی اش مسئول است بنابراین در عرصه بین المللی دایره وحدت ملی فراتر از مرزهای جغرافیایی، نژادی، زبانی، فرهنگی و... دیده می شود و به واقعیتی به نام وحدت ملی، اسلامی می رسد که همانا هویت و ماهیت ملت ایران را شکل می دهد. در ابعاد داخلی هم این اصول و شاخصه ها وقتی در کل جامعه بطور یکسان تبیین و اجرا شود در سایه بالارفتن ضریب انسجام ملی توانایی و قدرت نرم نظام هم در مقابل توطئه دشمنان بالا خواهدرفت.

۳- سال ۱۳۸۵ از حیث توطئه های دشمنان در اختلاف افکنی بین شیعه و سنی و کلا بین مذاهب مختلف موجود در کشورمان رکورد دار بود. بعد از پیروزی های غرور آفرین حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با اسرائیل، مستاصل شدن آمریکا در عراق و روی کار آمدن دولتی در عراق برخلاف خواست آمریکا، دشمنان اسلام و ایران به نیرنگ کهنه ولی کارا، یعنی اختلاف مذهبی به ویژه بین شیعه و سنی دست زدند، این سیاست را هم در ابعاد بین المللی و هم در بعد داخلی پیش گرفتند، اقدامات انفعالی در مقابل هم قراردادن شیعه و سنی در استانهای مختلف همراه با ترورها و شبه افکنی ها و... از جمله این اقدامات در جهت از بین بردن انسجام ملی در کشور بود.

۴- کشور ما از تنوع قومی، گویشها، فرهنگ، آداب و رسوم و نژادها و... برخوردار است، بررسی درست و شناخت اصولی و برخورد منطقی با این نکته ضریب وحدت ملی را در جهت افزایش قدرت کشور بالا خواهدبرد.

با این اوصاف و با توجه به مباحث ذکر شده، و با توجه به این نکته مهم که در بعد داخلی تلاش دشمنان بعد از ناکامی آنها در مواجهه نظامی و اقتصادی، در جهت به شکست کشاندن

انقلاب اسلامی، اکنون به راهبرد استفاده از قدرت نرم در جهت خدشه واردنمودن به وحدت ملی و ایجاد نفرت‌های قومی - مذهبی - سیاسی و حتی فرهنگی در جهت ایجاد زمینه‌های انقلابات مخملی نظیر آنچه که در گرجستان و یا اوکراین اتفاق افتاد و یا حداقل کم کردن میزان قدرت نرم و سخت کشور در مواجهه با تهاجمات آنها روی آورده است.

براین اساس نقش نهادهایی که در ایجاد، حفظ و تحکیم وحدت ملی و مقابله به توطئه نرم دشمنان در حرکت هستند، پررنگتر دیده می‌شود. بسیج به عنوان نهادی که نمونه کلی از اصل نظام اسلامی ایران که توانسته است تقریباً تمامی اقشار ملت ایران را با تمامی تفاوت‌های فرهنگی - نژادی - قومی - مذهبی - زبانی - اقتصادی و حتی سیاسی در یک تشکل منسجم گردهم آورد، نقش اساسی و راهبردی در حفظ و تقویت وحدت ملی دارد. براین اساس لزوم شناخت شاخصه‌های قدرت نرم بسیج در وحدت ملی در جهت تقویت آنها و همچنین جلوگیری از آسیب آنها بسیار مهم جلوه می‌کند.

#### شاخصه‌های قدرت نرم بسیج

تاکید بسیج بر عناصر عام و شاخصه‌هایی که عموم مردم بر آنها معتقد هستند یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد بسیج است که در کمتر نهادی چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی و در کشورهای دیگر می‌توان نظیری برای آنها پیدا نمود. این شاخصه‌ها عبارتند از:

#### ۱- اسلامیت

جمعیت عظیم اسلامی کشورمان که در حدود ۹۸٪ آنها مسلمان هستند، در صورتی که امت واحده باشد می‌تواند رشته ابرقدرتها و استکبار جهانی را پنبه کند و مانع نفوذ آنها در بین قشرهای مختلف مردم شوند.

لذا بهترین راه نفوذ در بین این امت واحده، ایجاد اختلاف مذهبی است. متأسفانه در سالهای اخیر و بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، زمینه این امر در کشورمان از سوی کشورهای متخاصم بگونه‌ای در حال فراهم شدن بود که زمینه را برای درگیری اقوام و شیعه و سنی و ایجاد اختلاف

مذهبی در کشورمان در جهت تضعیف انسجام ملی بوجود آید که با هوشیاری مردم به شکست کشیده شد.

بسیج با هوشیاری به شاخصه قدرت نرم اسلامیت تاکید نموده است که این عامل در چند بعد باعث تقویت انسجام ملی در کشور در بعد مذهبی شده است:

جمع شدن افراد با مذاهب مختلف در زیر ساختار بسیج باعث افزایش وحدت و انسجام ملی و اخوت اسلامی بین شیعه و سنی و حتی بین مذاهب دیگر با یکدیگر شده است، وقتی که در فعالیتهای بسیج چه فعالیتهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و... برادران شیعه و سنی و دیگر مذاهب دوشادوش هم فعالیت می کنند، وحدت و همبستگی و انسجام در دیدگاهها و هم فکری و همراهی بین آنها بیشتر شده و در سایه این وحدت، قدرت نرم بسیج در مقابل تفرقه افکنی مذهبی دشمنان سد خواهد شد.

تبلور عینی این همراهی مذهبی را ما در ۸ سال دفاع مقدس بخوبی لمس کردیم، جایی که برادران شیعه و سنی در کنار هم در مقابل تهاجمات دشمن متخاصم ایستادگی نمودند و خونشان در هم امتزاج یافت و در هم آمیخت تا درخت بزرگ انقلاب اسلامی پابرجا بماند.

امروزه هم که راهبرد دشمن از جنگ سخت به سوی جنگ نرم تغییر یافته است لزوم این وحدت و همدلی بیش از پیش احساس می شود.

## ۲- ایرانیت

وجود جامعه متنوع با حضور قومیت های مختلف با گرایش های فرهنگی و زبانی متفاوت، همواره مورد تحریک دشمنان برای ایجاد اختلاف در میان این اقوام بوده است. در این میان باید تأکید کرد که در جامعه فرهنگی متنوع ایرانی- اسلامی خرده فرهنگ های موجود هویت خویش را تعریف کرده و درعین حال با فرهنگ بزرگ حاکم بر جامعه نیز همزیستی مسالمت آمیز داشته اند. فارس، لر، بلوچ، عرب، ترک، لک، گیلک، ترکمن و... همه ایرانی هستند. بی

گمان توازن میان خرده فرهنگها و فرهنگ ملی، محصول بزرگی به نام انسجام ملی را به همراه داشته است.

این امر همواره مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است، در طول تاریخ تأسیس کشورمان، تئوری تفرقه بیانداز و حکومت کن از سوی استکبار مورد استفاده قرار گرفته است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این امر روند دیگری را در پیش گرفت، ایجاد گروه های خود ساخته فرقه ای و قومی و یا ایجاد درگیریهای قومی با میدان داری افراد خود فروخته که مورد حمایت استکبار قرار می گرفت از یک سو، و از دیگر سو کوبیدن بر طبل تضاد فرهنگی و قومی در جهت ایجاد افتراق قومی از سیاستهای آنها است که در سالهای اخیر رونق بیشتری پیدا کرده است. ایجاد گروههای پان ترکیسم، استقلال خواهی اکراد، جدائی خواهی اعراب، ایجاد توهم تحقیر بلوچها، استهزاء قوم لر و رواج فرهنگ تحقیر اقوام توسط هم و... که به روشهای مختلف از سوی استکبار در کشور ما زمینه سازی شده است.

بسیج در این زمینه اوج قدرت نرم خود را نشان داده است. به گونه ای که با اصل قراردادان ایرانی و فرهنگ ایرانی، همراه با انعطاف پذیری خود و پذیرش خرده فرهنگهای قومی، زمینه حضور تمامی اقوام را در بسیج فراهم نموده است.

اکنون در گردانهای رزمی بسیج و یا گروه های فرهنگی بسیج و یا رده های ساختاری بسیج اقوام مختلف با فرهنگ های متفاوت در کنار هم حضور دارند و در کنار هم فعالیت می کنند. از سوی دیگر تأکید بسیج بر اصول فرهنگی عام از جمله تأکید بر آداب و رسوم عام همچون عید نوروز و یا اعیاد مذهبی مشترک با دیگر مذاهب و یا احترام همه جانبه به اسطوره های علمی و دینی دیگر اقوام مثل رستم و کاوه یا حافظ و سعدی و شهریار و... و کلا کسانی که از سوی اقوام مختلف مورد احترام هستند و یا احترام به مراسمات مخصوص اقوام که با دیدگاه فرهنگی و دینی فرهنگ کلی جامعه در تضاد نیست و زمینه لازم را برای همدلی و انسجام بیشتر قومی در کشور که یکی از پایه های اساسی قدرت نرم بسیج است را فراهم نماید. از سوی دیگر این امر



باعث شده است که توطئه های دشمنان در ایجاد درگیری های قومی با شکست روبرو شود، به گونه ای که انسجام اقوام مختلف و زندگی مسالمت آمیز آنها در طول تاریخ کشورمان و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعجب کارشناسان سیاسی و جامعه شناسان را برانگیخته است.

### ۳- همگانیت

در فرمایشات مقام معظم رهبری که در حضور دانشجویان بسیجی در بهار ۱۳۸۶ در دیدار با آنها فرمودند که هر کس که به این نظام معتقد باشد بسیجی است، تبلور همگانیت بسیج است.

همگانیت بسیج باعث شده است که طیف عظیمی از مردم در زیر چتر بسیج گرد هم بیایند، که این امر باعث افزایش قدرت نرم بسیج در مقابله با سیاستهای تفرقه افکنانه دشمنان از یک سو و از سوی دیگر ضریب وحدت ملی در کشور شود. اصل همگانیت بسیج باعث شده است که هر فردی که معتقد به اصول اساسی انقلاب و اسلام است، جذب بسیج شود. افراد با سنین متفاوت، مشاغل مختلف، تحصیلات متفاوت وضع اقتصادی مختلف، دیدگاههای متفاوت سیاسی و... براساس اصل همگانیت بسیج جذب آن شوند، و در فعالیتهای مختلف بسیج در کنار هم فعالیت کنند.

این امر باعث همدلی و همفکری و تبادل افکار و تبادل تجربیات و افزایش تحولات و انعطافات دیدگاه و سلايق مختلف در کنار هم شده است که نتیجه آن افزایش توان و قدرت نرم بسیج شده است جامعه ای که از این امر برخوردار است سد محکمی است در مقابل تهاجمات نرم دشمنان و امیدی است به حاکمان در اتخاذ سیاستهای مستقل و محکم در سطح داخلی و بین المللی.

### ۴- منافع ملی

تأکید بسیج به برآوردن و تلاش در جهت تأمین منافع عمومی و ملی و دفع سیاستهای شخصی باعث شده است که بسیج بتواند زمینه مشروعیت خود را افزایش دهد، این افزایش مشروعیت عمومی انگیزه افراد را برای جذب در بسیج افزایش داده است.

منافع ملی را اگر ما هدفهایی که مردم و دولت در صدد تحصیل و حفظ آنها در ابعاد داخلی و بین المللی را دارند که از جمله آنها تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، حاکمیت کشور، منافع همگانی و مشترک، اصول اسلامی بدانیم (۵) در آن صورت بسیج با اتخاذ سیاستهایی که منافع ملی را در بردارد، ضریب مشروعیت خود و به تبع قدرت نرم خود را در مقابله با سیاستهای دشمنان را که سعی در تقابل منافع افراد و گروهها با یکدیگر را دارند، افزایش می دهد.

#### ۵- اشاعه فرهنگ و تفکر بسیجی

اساس روند حرکتی بسیج در بین اقشار مختلف و ایجاد انگیزه بین اقشار بسیج در جهت تبیین انسجام ملی، اشاعه فرهنگ و تفکر بسیجی است. به عقیده اکثر کارشناسان سیاسی و جامعه شناسان تقابل کشورها در عرصه قدرت نرم و درگیری نرم ایجاد و پایه گذار و انتشار و نشر ارزشها و هنجارهایی است که ارزشها و هنجارهای کشور هدف را مورد تهاجم قرار داده و یک نوع مسخ و سستی ارزشی و هنجاری را در کشور هدف پایه گذاری می کند.

براین اساس اشاعه فرهنگ و تفکری که آمیخته با ایثار- گذشت- محبت به هم نوع- شهادت طلبی- دین مداری- ولایت پذیری و ولایت مداری- دین مداری- داوطلبانه بودن- و... صدها صفت پسندیده دیگر که ناشی از فرهنگ بسیجی است سد بسیار محکمی است در مقابل تهاجمات فرهنگی و ارزشی دشمنان که تنها در وجود بسیج تبلور یافته است.

اشاعه و نشر این ارزشها در سطح جامعه، باعث رشد و بالندگی فکری و ارزشی نسل جدید و حتی نسلهای آینده خواهد شد که جامعه را در مقابل تهاجمات فرهنگی بیمه خواهد کرد.

#### نتیجه گیری

بسیج به عنوان نهادی که سنبل اتحاد ملی است در این عرصه با فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا دارای وظایف و نقش مهمی است. افزایش قدرت نرم بسیج در مقابله با تهاجمات نرم دشمنان، در سایه افزایش کارایی شاخصه های قدرت نرم بسیج که در پیش به بررسی آنها پرداختیم باعث

خواهد شد که کشور و آحاد افراد جامعه و در کل، همه نهادها و رده های مشغول در سطح جامعه از گزند تهاجمات نرم دشمن در امان بمانند.

البته نباید فراموش کرد که دشمنان در همه حال در حال طراحی و نقشه ریزی جدید هستند و باید به این نکته توجه کرد که ابزار خصم، اشکال مختلف و بعضاً فریبنده دارد، شناخت و دفع آنها نیاز به کار آمدی و انعطاف پذیری و بروز شدن این شاخصه های قدرت نرم بسیج در جهت وحدت بخشی ملی دارد. بگونه ای که ما شاهد بودیم که کارگردانان کاخ سفید تنها ظرف یکسال گذشته آرایش و موضع گیری خود را چند بار عوض نموده اند.

امروز ملت ایران با دو دشمن درونی و بیرونی روبروست. سستی و کم کاری و عدم اطلاع رسانی درست در تلاش برای رسیدن به اهداف بالا و والای انقلاب اسلامی و شناساندن به موقع و درست توطئه های دشمنان، بی تقوایی، زیاده خواهی گروهی، قوم گرایی و مطالبات قومی صرف، منفعت پرستی شخصی و گروهی و جناحی، عدم اشاعه درست ارزشها، فکر و تفکر بسیجی در سطح کلان جامعه و انحصارگرایی امکانات مادی و معنوی و... آفتهایی هستند که قدرت نرم بسیج و وحدت ملی و اتحاد جامعه را نشانه رفته اند، دشمنان این نظام هم از این طرق برای ضربه زدن به کشور استفاده خواهند کرد.

براین اساس لزوم توجه، تقویت و تحکیم شاخصه های قدرت نرم بسیج در سطوح ایجاد، تحکیمی، و نشر و حفظ آنها برای بالا بردن میزان وحدت ملی یکی از راهبردهای نظام و رده های مرتبط با ساختار و سازمان بسیج خواهد بود. این امر منوط به این است که بسیج پویائی و انعطاف پذیری، همراه با آینده نگری و شناخت راهبردهای دشمن و اتخاذ سیاستهای مقابله ای و حتی اتخاذ استراتژی آفندی و خروج از حالت انفعالی به خود، همراه با اتخاذ سیاست عامیت با پایبندی بر اصول اسلامی و انقلابی را بیش از پیش افزایش دهد و اهداف و ساختار اداری و برنامه ریزی و چارچوبه کاری خود را در جهت روز آمدی و کارآمدی با حداکثر کارایی در جهت دوری از سکون و نخوت و غوطه ور شدن در گذشته نگری صرف و حال زدگی، اصلاح

و تقویت نماید. در این صورت است که می توان بسیج و قدرت نرم آن را سدی محکم و بنیان  
مرصوص در مقابل تهاجمات دشمن دانست.

#### فهرست منابع:

1- Josep nye the decline of american power foreign affairs vol ۸۳ no ۳ my ۲۰۰۴

2- robert cooper hard power soft power and the goals of diplomacy indavid held

mathias Koenig-arch ibugi eds American power in the ۲۱ century ۲۰۰۴

3- حسین بشیریه- دولت عقل- تهران مؤسسه نشر زمین، ۴۷۳۱.

4- روزنامه جوان ۴۱.۱.۶۸

5- هرمیداس باوند- منافع ملی چیست- ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال ۷ شماره ۰۴

## بسیج و تسخیر قتل اقتدار

«ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای عزیز در مقاطع مختلف ویژگی‌های بسیج و مصادیق شایسته آن را مورد اشاره قرار داده و چنین توصیف می‌کنند.» «بسیج یکی از برجسته‌ترین مسائلی است که حکمت امام بزرگوار در آن، آشکار شد و بی تردید بسیج مانند هر حرکت خردمندانه ملت ایران که بر اسلام و مبانی منطقی استوار باشد، برای ملت‌های دیگر یک الگو و سرمشق خواهد بود و تبلیغات خصمانه استکبار نمی‌تواند مانع از الگوپذیری ملت‌ها از انقلاب اسلامی شود.»

ایشان در دو دهه اخیر همواره مهم‌ترین بخش از رهنمودها، تدابیر و دغدغه‌های خویش را با بسیجیان در میان گذاشته و گفتمان‌سازی خویش را در جمع آنان مطرح کرده است. بحث خواص و عوام و یادآوری لغزش‌های خواص و غفلت‌های عوام یکی از این امور مهم است. ریزش‌ها و رویش‌های تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی مورد تاکید ولی امر مسلمین بوده و پرداختن به آن‌ها، پیشگیری و جلوگیری از ریزش‌ها و تقویت رویش‌ها از آرمان‌های ولی امر مسلمین است، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، مطالبه ولی امر مسلمین بوده و انتظار معظم له از بسیجیان در این عرصه آشکار است. تولید علم، نهضت نرم‌افزاری و فتح قله‌های علمی و جهاد علمی از مصالح نظام و تاکیدات امام خامنه‌ای عزیز است و بسیجیان از ارکان این راهبرد حیاتی و حکیمانه به حساب می‌آیند. مقابله با تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی دشمنان و عناصر وابسته به آنها از عرصه‌های مورد نیاز کشور است و بسیجیان در این میدان حضوری جدی و تعیین‌کننده دارند و رهبر معظم انقلاب در اجتماع جوانان در مصلاهی تهران بر این ماموریت اساسی صحه گذاردند. تلاش برای فرهنگ‌سازی ولایت مطلقه فقیه، آرمان‌های امام

راحل، حمایت از گفتمان عدالت‌خواهی و خدمت‌بی‌منت و مقابله با اسراف و تبذیر و روحیه تجمل‌گرایی و رانت‌خواری لازمه حراست از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن است و بسیجیان در این عرصه‌ها پیشتانزند.

امام خامنه‌ای عزیز پس از تاکید بر تحقق ارتش میلیونی به عنوان یادگار ماندگار و حکیمانه امام خمینی (ره) بر بسیج ده‌ها میلیونی تکیه و تحقق آن را ضرورت و نیاز و مطالبه جامعه اسلامی و جبهه‌ای منسجم و گفتمانی پرفراز در افق حیات جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده و بیان داشتند. با توجه به جایگاه بسیار حساس بسیج در نشان دادن چهره نظام جمهوری اسلامی و ایجاد جاذبه در درون جامعه برای مشارکت و جذب هرچه بیشتر جوانان و نوجوانان، بسیج و بسیجی مسؤولیتی سنگین را به عهده دارند.

من به طور جد و اکید می‌گویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بحث از بزرگ‌ترین سنگرهای دفاع از ارزش‌های الهی نظام ما بوده و خواهد بود، به وجود یکایک شما نیازمند است چه صلح باشد و چه جنگ... و می‌دانم که اگر مسؤولان نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. از این رو در این مقوله تلاش می‌شود عرصه‌های مهم و جدی حضور بسیج را در شرایط حاضر بیان نمایم تا همراه با دیگر حوزه‌های حضور فعال بسیج، دقت و برنامه ریزی در این محورها باعث تقویت جایگاه و گفتمان غالب بسیج در کشور شود.

#### بسیج و عرصه‌های حضور جهانی

پس از پایان جنگ، حضرت امام خمینی (ره) با ارسال پیامی فرزندان بسیجی خود را وارد مرحله‌ای جدید از فعالیت‌ها کرد که نگرش جهانی به بسیج مستضعفین از این جمله بود. امام امت در یادداشتی مهم و مورد توجه، می‌فرماید: «هیئات اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است، ادامه خواهد داد و به یاری بسیجیان جهان اسلام، این پا برهنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان سرسپردگانی که

به ظلم و ستم خویش اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد.» راستی اگر بسیج جهانی مستضعفین تشکیل شده بود، چه کسی جرات این همه جسارت به فرزندان معنوی رسول‌الله (ص) را داشت. با تأمل و بررسی جملات بالا متوجه می‌شویم که نگاه امام خمینی (ره) به بسیج فراتر از آن چیزی است که امروز با آن آشنا هستیم و دیده‌ایم و آن بسیج جهانی مستضعفین است. بسیج جهانی مستضعفین اندیشه‌ای است نشأت گرفته از آراء و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره). ایشان ابعاد جهانی این تفکر و کارکردهای فراوان آن را برای شکوفایی و قدرت گرفتن اندیشه اسلام ناب دیده و درک کرده بودند. حضرت امام خامنه‌ای عزیز هم تأکید دارند: روحیه بسیجی باید روز به روز در همه ارکان و بخش‌های مختلف کشور گسترش و تعمیق یابد و ملت ایران به لطف خداوند با همین روحیه بسیجی قله‌های اقتدار جهانی را فتح خواهند کرد.

### بسیج و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بسیج مکتب شکوفایی تمامی آن چیزی است که می‌تواند سعادت یک ملت را برآورده سازد. بسیج منادی عدالت، پیشرفت، سازندگی و جهاد اقتصادی و ازهادیان جامعه به سمت فلاح است. بسیج مجموعه‌ای از نیروهای ارزشمند برای تمام ادوار و صحنه‌ها و در شرایط مختلف است.

بسیجیان، پویندگان طریق ولایت و سربازان جان بر کف انقلابند که اذن حضور در تمامی صحنه‌ها را استوار و راستین از رهبر فرزانه خود دریافت کرده و با صبغه ارزشمند اسلامی و تکاپوی پولادین قتل پیشرفت، تعالی و پیروزی را می‌پیمایند. بسیج یعنی فرهنگ شهامت و شهادت. بیم و هراس در فرهنگ بسیج نامفهوم و هر آنچه معنای بودن، ماندن و جاودانه شدن است، در آن جلوه می‌نماید.

این گفتمان بسیجی است که می‌تواند تمامی برنامه‌ها و محورهای توسعه و پیشرفت ایران اسلامی را تضمین کند. ترسیم گفتمان بسیج تعامل با الگوی پیشرفت و عدالت، رهیافتی برای برپایی تحولی است که از کارآمدترین و مؤثرترین روش‌های ترویج ارزش‌های بسیج در سند راهبردی نظام است. زیربنای موفقیت الگوها و مدل‌های انگیزشی در این گفتمان بیش از هر چیز بر پایه انگیزه‌های الهی و غیرمادی استوار است.

### الگوی پیشرفت و عدالت



ترسیم این گفتمان به معنای ارائه نمونه عینی و ملموس و معاصر از آن با تلاش همه جانبه، وظیفه و مسئولیت همگانی امت و امام است تا الگو و نمونه برتر به جهانیان عرضه شود. در کارکرد دیگر گفتمان بسیج، تبیین سبک زندگی برگزیده جوامع بشری پرهیز از رویکردهای تذبذب و اسراف در روندهای مادی پیشرفت است. از این رو تلاش و مجاهدت مورد نظر این گفتمان به عنوان یک امر اجتماعی و انسانی گرامی داشته و بر آن تأکید شده است.

امام خامنه‌ای عزیز، در تلاش خود در مقام امامت امت، الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی را در ام‌القرای جمهوری اسلامی ایران تحقق می‌بخشد و به جهانیان معرفی می‌کند. از این رو گام به گام برای رسیدن به این هدف، حرکت در قالب سیاست‌ها، خط مشی‌ها و رویکردهای مناسب با تبیین و تحقق قطعات پازل تمدن اسلامی و جامعه ایمانی برتر است که به عنوان سبک عدالت محور جهانی و برتر انسانی به جهانیان ارائه دهد تا ذهن و قلب آنان را مسحور این تمدن و الگوی ناب کند.

از نظر ایشان پیشرفت اسلامی یک قطعه از قطعات پازلی است که هدف عمومی اسلام در آن نهفته است؛ زیرا فلسفه همه برنامه‌ها و جهادها، ارائه سبک برتر زندگی و امت متوسط و شاهد برای جهانیان در عصر حاضر است. بنابراین لازم است تا در یک گفتمان مشترک از عدالت و پیشرفت و تلاش از جمله تولید و پایدارسازی اقتصادی، استعلا‌ی فکری و فرهنگی جامعه اسلامی شناخته شود و تحقق یابد. از نظر ایشان تعمیق جنبش نرم افزاری و فن آوری‌های سخت و نرم و جدید و قدیم و علمی و تجربی با بهره‌گیری از تمامی امکانات از جمله تولید علم با هدف تولید ثروت و امکانات، فقط به قصد ارائه بهترین و برترین الگوی پیشرفت و برتری جامعه ایمانی و تمدن اسلامی است.

### **ضرورت مسلط سازی گفتمان بسیجی**

این گفتمان بسیجی است که می‌تواند تمامی برنامه‌ها و محورهای توسعه و پیشرفت ایران اسلامی را تضمین کند.

«مسلط‌سازی گفتمان بسیجی» می‌تواند جامع دغدغه‌های اجتماعی پیش روی جامعه را پوشش دهد و برطرف سازد. با الهام از سخنان حکیمانه رهبر انقلاب، می‌توان از بسیج و فرهنگ بسیجی به مثابه یک گفتمان مسلط نام برد. رهبر انقلاب منطق رفتاری و منظومه فکری بسیج را به یک گفتمان تحت عنوان «گفتمان بسیجی» و اخلاص را حرکت برخاسته از ایمان، عشق، اعتماد به نفس و توأم با ابتکار و مفهوم محوری و مرکزی مسلط‌سازی گفتمان بسیجی می‌دانند. امام خامنه‌ای عزیز، از «اخلاص» به عنوان مفهوم محوری و مرکزی ضرورت مسلط‌سازی گفتمان بسیجی یاد می‌کنند. ایشان این مفهوم را ستون اصلی و مرکزی گفتمان بسیجی و جهت دهنده به سایر رفتارهای افراد بسیجی قلمداد می‌کنند. مورد بنیان‌های دیگر این گفتمان را این گونه تبیین می‌فرمایند: پایه اصلی کار بسیجی، «گمنامی» است.

### **بسیج و راهبرد بهره‌وری اجتماعی**

حضرت امام رضا(علیه السلام) در کلامی عمیق و آگاهی بخش درباره نقش بهره‌وری توسط حاکمان و زمامداران و ضرورت جلوگیری از هرگونه غفلت و کوتاهی در استفاده از این عامل مهم چنین می‌فرماید: «التفریط مصیبه ذوی القدره» زمامداران و دولتمردان با مدیریت صحیح و کارآمد می‌توانند بر مشکلات و موانع غالب آیند ابزار و اهرم‌های قدرت و حکومت به نحو مطلوب برای تحقق اهداف و مقاصد بهره‌برند.

بسیج می‌تواند با گسترش حوزه‌های گفتمانی خود زمینه‌های لازم را برای تحرک اجتماعی جوانان و نوجوانان فراهم سازد و حیات سیاسی و آرمانی جامعه را به اهداف اجتماعی پیوند زند تا زمینه‌های لازم برای بهره‌وری اجتماعی هدفمند و سازمان یافته به وجود آید.

### **فعال‌سازی توان و قابلیت‌های اجتماعی**

گفتمان بسیج بر اساس کارویژه‌های درونی خود می‌تواند زمینه‌های لازم را برای دفاع نرم اجتماعی از اهداف و دستاوردهای انقلاب اسلامی و توسعه کارکردهای جامعه محور در افزایش سطح جذابیت‌های نرم قدرت و امنیت فراهم سازد. یکی دیگر از روش‌های جامعه‌پذیری

ارزشی، تأمین، پشتیبانی و برتری سازی گفتمان بسیج در توانمند سازی این گفتمان و جذاب سازی فرهنگ اجتماعی اسلام در جمهوری اسلامی ایران است.

با توجه به رویکرد اجتماعی گفتمان بسیجی با ظرفیت‌های درونی خود می‌تواند توسعه هنجارها و تحرک اجتماعی ارزش پایه لازم را برای نظام سیاسی کشور ایجاد کرده و زمینه‌های لازم را برای امنیت اجتماعی شده فراهم و حتی نشانه‌های نرم امنیت را در جمهوری اسلامی ایران تولید و ایجاد کند. از سوی دیگر، کارآمدی گفتمان بسیج در شرایطی توسعه و مقبولیت می‌یابد که اجزاء و عناصر این گفتمان بتواند با تهدیدات حجیم، هوشمند، متنوع و حتی تجربه شده از طریق به صحنه آمدن گروه‌های اجتماعی و اجزاء میلیونی جامعه اسلامی مقابله نماید. بسیج می‌تواند با اتکای بر این کارکرد اجتماعی، هر سال افزونتر و دقیق‌تر از سال‌های گذشته و با ایده تحقق بسیج ده‌ها میلیونی قابلیت ترویج، توسعه و مشروعیت ماندگار را در نهاد این گفتمان قرار دهد و همچنان که در ورای انقلاب اسلامی اندیشه مکتب اسلام ناب محمدی (ص) نهفته است، تاثیر خود را در جهان اسلام و تمامی مسلمانان جهان به صورت کیفی و کمی تداوم بخشد. گفتمان امنیت اجتماعی بسیج می‌تواند از مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران فراتر رفته و مقاومت در برابر قدرت‌های زورگو و استعمارگر را در ملل عدالت جو و حق طلب تسری دهد و به گفته امام خمینی (ره) این گفتمان را جهانی کرده و تمامی مستضعفین عالم را در برگیرد؛ به گونه‌ای که: «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. چرا که بسیج فقط منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (امام خمینی ۱۳۶۱، ج ۲۱: ۵۲-۵۳)

بنابراین اگر بسیج بتواند یک گفتمان غالب اجتماعی را پدیدار کرده و با تلفیق رسانه‌ای آن، زمینه‌های اقناع و پذیرش اجتماعی را دوسد چندان کند، گذشته از تاثیر فراملی و برون مرزی آن، دیگر هیچ دسیسه‌ای نمی‌تواند آن را در چارچوب یک کارکرد محدود سازمانی یا تشکل خاص محصور کند؛ بلکه بسیج به عنوان یک نهاد انسانی و اجتماعی نرم، توسعه و ترویج

شده و با جذب و پیروی افکار عمومی، راه را برای پیوستن ملت‌ها به این کارکردها هموار می‌سازد.

حضور بسیج و نقش آوری آن در توسعه روحیه برادری در بین آحاد مردم همراه با روح لطیف دینی، برگرفته از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی، در ترسیم حقیقی و عینی الگوهای مرجع و فعال اجتماعی بخوبی روشن است. در کنار این اصل، بسیج توانسته است بخشی از راهبردهای اثر بخش اجتماعی خود را هم دنبال کند که مهمترین آن را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۱. آشنایی آحاد جامعه با فرهنگ کار و تلاش جمعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی

۲. هدایت برنامه‌ها و فعالیت‌ها منطبق با وجدان کاری، تعهد، انضباط اجتماعی و اخلاق عمومی

۳. ترغیب جامعه‌پذیری دینی و اثبات هویت اجتماعی و دینی مستقل جوانان و کسب شخصیت و عزت نفس در بین آحاد جامعه.

### **بسیج و هوشمندی راهبردی**

بسیج با تجهیز و تمسک به هوشیاری راهبردی و شناخت نیازمندی‌ها و تهدیدها، قابلیت واکنش به هنگام داشته و رفتارهای او بنا به قضاوت دوست و دشمن، در خور تحسین و تمجید است. در مقطع دفاع مقدس هم وظیفه‌شناسی این نیروی مردمی با پیروی از ولایت فقیه، با حضور در جبهه‌های جنگ و خلق حماسه‌ای ماندگار نمود یافت. این مجموعه عظیم برآمده از انسان‌های مخلص و ایثارگر، در هر زمان و مکانی که احساس تکلیف کرده وارد صحنه شده و با انجام وظیفه توانسته است رسالت خود را عملی کند. امروزه شناخت شرایط محیطی جامعه و داشتن بینش صحیح، امری اجتناب‌ناپذیر است که آن را به بصیرت تعبیر می‌کنیم.

امروزه هوشیاری راهبردی نسبت به تحولات پیرامونی اهمیت به سزایی دارد. در سال‌های اخیر، حمایت‌های مردمی و بسیجی ملت ایران از سیاست‌های دست اندرکاران اجرایی برای احقاق حقوق هسته‌ای بر کسی پوشیده نیست. موفقیت‌های به دست آمده در پشت میزهای

دیپلماسی، همگی مرهون پشتیبانی گسترده و حضور در صحنه مردمی بوده که با قاطعیت خواستار صیانت مسئولان از حق خود بوده‌اند. دستاوردهای انرژی هسته‌ای بدون همسویی بسیج با سیاست‌های دولت امکان پذیر نبود. جمهوری اسلامی افزون بر مؤلفه‌های طبیعی؛ ژئوپلتیک، رهبری و نظامی، از نیروی گسترده و هدفمند بسیجی به نحوی برخوردار است که تاکنون توانسته با وجود تهدیدهای گسترده، از مرزهای ایدئولوژیک و ژئوپلتیک خود صیانت کند. اکنون مؤلفه دشمن شناسی اعضای این مجموعه عظیم سبب شده است ترفندهای بیگانگان راه به جایی نبرد. پر واضح است سلاح آگاهی و اقدام بهنگام بسیجیان در صحنه‌های متعدد حمایت از نظام، سبب شده است تا راهبردهای تهاجم نرم دشمن هم مانند عرصه سخت به نتیجه نرسد که این مهم مدیون هوشیاری راهبردی نیروهای مردمی بسیج است که مقام معظم رهبری راهبرد مقابله با صحنه جدید را این گونه تبیین کردند: «هر جای کشور که هستید، این هوشیاری را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد... هوشیار باشید در شناسایی دشمن. هوشیار باشید در شناسایی ترفندهای دشمن.» این سخنان برگرفته از این فرمایش علی(ع) است مبنی بر این که «هر کس به زمان سیاسی و اجتماعی خود آگاه باشد، تند بادهای حوادث به او یورش نمی‌آورد.»

## بسیج و تولید قدرت و امنیت نرم

بسیج به عنوان یک نهاد اجتماعی - فرهنگی در جامعه ایران و متصف به این ویژگی و خصوصیات است که موجب می شود این نهاد در رأس هرم نرم قدرت در نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. گرچه این نهاد از نظر تاریخی همزاد انقلاب و حوادث پس از انقلاب از جمله جنگ تحمیلی محسوب می شود، اما قدمت ریشه های عمیق آن در فرهنگ و ارزش های فرهنگی جامعه اسلامی ایران درونی و ذاتی شده است.

عدالت خواهی، دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم، پایداری و مقاومت، اتکای به خود و بیگانه ستیزی، ایثار و گذشت و فداکاری و اطاعت از رهبری دینی از جمله شاخصه های بسیج محسوب می شوند. بی شک وجود چنین فرهنگی در هر نظامی امتیازی بزرگ و منشأ پویایی و قدرت محسوب می شود، چرا که ظرفیتی فراخ و سرمایه ای نرم از قدرت را در مواجهه با بحران های مختلف فراهم می کند.

### گفتمان نرم قدرت

به قول امام خمینی (ره) ملتی که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همه اش بسیجی باشد. یعنی افکار و تولد بسیجی از علل محدثه انقلاب اسلامی است و طبیعی است از علل مبقیه آن هم خواهد بود.

الگوی شائمه اطهار(ع) و مرجع افکار و ارزش‌هایش کتاب و سنت است و با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی و بی‌عدالتی مبارزه می‌کند و به رتبه‌ای از انسانیت و معنویت می‌رسد که رهبر کبیر انقلاب اسلامی به بسیجی بودن افتخار می‌کنند و اظهار می‌دارند: «من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.» البته عمده این شاخص‌های نرم را می‌توان در فرمایش‌های امام خامنه‌ای عزیز یافت و بر این رویکرد اعتبارافزایی کرد.

شاخص‌های حکیمانه و نورانی که عبارتند از: واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی، اطاعت محض از خدا و رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) و ولایت فقیه، مجهز بودن به بالاترین ابزارهای مادی و معنوی، داشتن روحیه شهادت‌طلبی، صبر و استقامت، شجاعت و از غیر خدا نترسیدن، انضباط و هماهنگی در کارها و داشتن برنامه‌ریزی دقیق زندگی، عدم سازش با کفار، دوستی با مومنین و دوستان اهل بیت(ع) و مخالفت با دشمنان (تولی و تبری)، زهد، ایثار و از خودگذشتگی و مبارزه با رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی و رهبانیت، التزام عملی به احکام اسلامی و قانون و مقررات حکومتی، صداقت و درستی در افکار، گفتار و رفتار، انس با قرآن، بصیرت و دانایی، مدارا با مردم، قاطعیت و صلابت در افکار و گفتار و رفتار، انعطاف‌پذیری متناسب با مقتضیات زمان و شرایط محیطی.

### گفتمان بسیج در توسعه

در عصر حاضر تأثیرگذاری و توسعه توأمان و کارکردی قدرت و امنیت نرم به مراتب بیش از نوع سخت آن است و البته پیروزی در عرصه‌های گوناگون مستلزم به کار بردن هر دو نوع قدرت سخت و نرم در کنار یکدیگر است. حضرت امام خامنه‌ای هم مبنای نرم گفتمان بسیجی را ترکیبی توأمان از عشق و اخلاص، ایمان، فداکاری و شجاعت دانسته و می‌فرماید: «تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر ... این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار می‌دانست.» (۱۳۷۷/۷/۱۴)

با توجه به این که یکی از اهداف پروژه براندازی نرم آمریکا، تمرکز بر محیط‌های متعهد به انقلاب است، بسیج می‌تواند با تمسک بر ابزار قدرت نرم همچون تولید علم و فناوری‌های مرزשکن و گسترش معرفت و بیداری دینی و توسعه بسیج علمی فرهنگی به ورای مرزهای ملی به مقابله با آمریکا پردازد.

البته از آنجا که تهدید دشمنان انقلاب اسلامی انعطاف‌پذیر و براساس بنیان‌های تهدید نرم نامتقارن و دائماً در حال تغییر است، گفتمان بسیج باید مرتباً و به صورت ادواری، اولویت‌ها و اهداف خود را متناسب با ضربه‌پذیری نرم دشمن باز تعریف کرده تا بتواند توان و جایگاه نرم خود را در تمامی قشرهای جامعه تسری دهد و تقویت و موفقیت‌های خود را دائماً رصد کند و کارهای انجام شده را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

#### **بسیج و دهه چهارم انقلاب**

واژه بسیج با تمام برداشت‌های معنوی، نظامی، ظاهری و تشکیلاتی که از آن می‌شود برخاسته از یک تفکر و گفتمان تا یک تشکل و سازمان است. از این رو هر چند بسیاری بر این باورند که بسیج فراورده و برون‌داد انقلاب اسلامی و یا در تعبیری جنگ تحمیلی است و بخشی از این تعبیر اگرچه می‌تواند درست باشد، ولی در عمل کلیت این مفهوم را مورد تحدید قرار داده و تحریف می‌کند. به واقع بسیج یکی از پارامترهای احیا شده در معنا و جایگاه واقعی آن است که همزمان با انقلاب اسلامی و بعد هم جنگ تحمیلی چه در بعد عملی و چه در عرصه نظری بازتعریف شد.

با این همه، پیشینه بسیج با گذشته اسلام و مسلمین پیوند دارد؛ آنجایی که بسیج مولود مطهر اسلام در بلاد مسلمین در ابعاد و اطراف شگرفی جلوه گر نموده است. چنانکه امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید که قضیه بسیج همان مسأله ای است که در صدر اسلام بوده است، این مسأله جدید نیست، در اسلام سابقه داشته است و چون مقصد ما اسلام است باید هر جوانی یک



نیرو باشد برای دفاع از اسلام و همه مردم و هر کسی در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و هجوم بیگانگان.

این محدود و محصور نبودن بسیج در حصار زمان و مکان سبب شده تا بسیج و تفکر بسیجی، روحی در کالبد حکومتها و ملتها در طول تاریخ باشد. این مسئله به نوبه خود این نتیجه را می دهد که چنین تفکری انگاره احتکار در قید و بند هیچ حزب و گروه و دسته سیاسی یا نظامی یا اقتصادی را بر نمی تابد، چرا که روح و تفکر بسیجی، گفتار و پندار و رفتار نیک عموم مردم از بایسته ها و شایسته های علمی و عملی زیست در همه ابعاد آن است و طبیعتاً چنین سلاله و گواره اطهری با استفاده ابزاری و غیرانسانی و اخلاقی سرسازگاری ندارد.

## بسیج در انقلاب اسلامی

امام خمینی(ره) ۵ آذر ماه ۱۳۵۸ و کمتر از یک ماه بعد از انقلاب دوم، فرمان تاریخی تشکیل بسیج را صادر فرمودند. ایشان در این پیام تصریح نمودند که یک مملکت بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، باید بیست میلیون تنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست.

صدور فرمان رهبر انقلاب اسلامی در هنگامه ای بود که پیش از این تاریخ، بسیج فعالیت خود را عملاً شروع نموده بود؛ حضور در کمیته های انقلاب اسلامی و تشکل های خودساخته مردمی برای یاری رساندن به سپاه و بسیج در مواجهه و رویارویی با گروهکها و ضدانقلاب و کمک به مردم در تامین مایحتاج در قالب محلات و مساجد از عمده عرصه های نقش آفرینی بسیج بود. بعد از این مرحله، تصرف سفارتخانه امریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ گام دیگر قوام بخشی بسیج بود؛ مرحله ای که سال بعد و با شروع جنگ تحمیلی وسعت بیشتری یافت، چرا که با تهاجم همه جانبه رژیم بعث عراق در شهریور ۱۳۵۹ بسیج که کمتر از ۶ ماه از تشکیل آن می گذشت وارد یک نبرد تمام عیار شد. ورود بسیج با نیروهای مردمی بدون هیچ سازماندهی و پشتیبانی عملیاتی اگرچه ابهامات چندی را بوجود آورد، ولی در عمل تبدیل به برگ برنده ایران در نبرد نابرابر با عراق شد. به مرور زمان، اما این نیرو ساخت و ساختارهای خود را بازساخت و با سازماندهی و ساماندهی، ماشین عملیاتی عراق را به گل نشاند. انجام عملیاتی چون طریق

القدس، حصر آبادان، فتح المبین، ثامن الائمه و الفجر ۸، کربلای ۵ و... با دستاوردهای چشمگیر بخشی از کارنامه بسیج در جنگ تحمیلی ۸ ساله بود.

با پایان جنگ، بسیج بار دیگر با تغییر عرصه نبرد از نظامی به اقتصادی روی به سازندگی و بازسازی کشور آورد؛ عرصه ای که پس از دوران سازندگی بر محوریت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی استوار بوده است. به واقع در طول این سالها با همکاری و همیاری و اجرایی ساختن بسیاری از پروژه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی تلاش داشته تا در همان جبهه نبرد با استکبار بعنوان مدافع نظام در خط مقدم نبرد پیکار نماید.

از این منظر بسیج یک گفتمان سازمان یافته عملیاتی و نه صرفاً نظری در حوزه های اجرایی جامعه است که همواره خود را آماده مقابله و مواجهه در عرصه های نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می بیند؛ بسیج نهادی اجتماعی با کارکردهای نه صرفاً اجتماعی است که با هدف پاسداری از ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی بوجود آمده و دوام و قوام آن به نظام اسلامی پیوند دارد. از این دیدگاه است که رهبر انقلاب اسلامی تاکید دارند که بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا و فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است و بار دیگر تصریح نمودند که انکار بسیج، انکار بزرگ ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است.

### **وظایف و تکالیف بسیج**

سازمان بسیج مستضعفین یا نیروی مقاومت بسیج در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ماه ۱۳۵۹ قانوناً رسمیت پیدا کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت. این نیرو اکنون در آغازین سال سومین دهه عمر خود دارد؛ دهه ای که با چهارمین دهه انقلاب اسلامی - که با نام دهه عدالت و پیشرفت نامگذاری شده - همزمانی یافته است. این همزمانی سبب شده تا کارکردهای بسیج در چهارمین دهه از عمر انقلاب اسلامی اهمیتی خاص یابد؛ اهمیتی که بیشتر منبعث از یک نیروی پیشران

برای پیشبرد امورات کشور و تحقق اهداف و آرمانها مندرج در اسناد بالادستی نظیر برنامه پنجم توسعه و سند توسعه ۱۴۰۴ است. ضمن اینکه تحولات گریزپای منطقه ای و فرامنطقه ای ضرورت همپایی با رشد و توسعه شتاب بخش کشور را مضاعف ساخته است.

۱- مقابله با استکبار و استعمار: مقابله با استکبار و استعمار جهانی به سردمداری امریکا مهمترین مأموریت بسیج است. ماهیت و هویت این موج مهاجم اگر چه در تاکتیک ها دچار دگرگونی شده و از بعد نظامی و اقتصادی به اجتماعی و فرهنگی تغییر رویکرد داده، اما راهبردها همان ساقط نمودن جمهوری اسلامی است. ابزارهای ساقط سازی هم در طیفی از اقدامات نرم، نیمه سخت و سخت فراگیر است. بر این مبنا تفکر زاینده ای که زاینده حراست و حفاظت از نظام و انقلاب است هنوز هم در همان جبهه ولی با سلاح های متفاوت در نبرد است. از این منظر است که امام خمینی(ره) در پیام ۲ آذر ۱۳۶۷ به مناسبت هفته بسیج و چند ماه پس از پایان جنگ تحمیلی تاکید نمودند که من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولان عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگ ترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند، لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می زند.

صدور پیام امام در هنگامه ای بود که پس از پایان جنگ عده ای سخن از پایان مأموریت بسیج و خاتمه سازمانی آن به میان آوردند. امام اما تصریح فرمودند که بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.

رهبری انقلاب نیز همکلام با امام و با اشاره به آرمان های بلند نظام اسلامی و ایستادگی این نظام در مقابل نظام سلطه و استکبار تاکید دارند که چنین نظامی قطعاً همواره با چالش های مختلفی مواجه خواهد بود و بر همین اساس امام خمینی(ره) بسیج را به عنوان یکی از ارکان آمادگی دفاعی دائمی کشور پایه گذاری کردند و در آن زمان فرمودند اگر کشوری بیست

میلیون انسان آماده دفاع داشته باشد، هیچ قدرتی توانایی طمع ورزی به آن را نخواهد داشت و آن کشور شکست ناپذیر خواهد بود.

۲- مقابله با فتنه ها و هجمه ها: این رویکرد به نوعی مکمل رویکرد قبلی است. مقابله با فتنه ها و هجمه ها برعکس مقابله با استکبار و استعمار که بیشتر ناظر به تهدیدهای خارجی است، بیشتر ناظر به تهدیدات داخلی است. به واقع این رویکرد نیز به نوعی تقدم و تأخر و یا اقتران زمانی با رویکرد قبلی دارد، اما عموماً بر بسترهایی از نبرد نرم و نیمه سخت استوار است. البته از دیدگاه امام ریشه همه فتنه های درونی، نفس سرکش انسانی و خوی های ناپسند اخلاقی است و سرآمد همه فتنه گران برونی، استکبار جهانی به رهبری آمریکا و صهیونیسم است.

۳- مبارزه علمی و عملی: از مهمترین عرصه های تقابل جبهه اسلام با استبداد در برهه کنونی عرصه نرم افزاری و فناوری است. سرآمدی در توسعه و تولید علم و پیشرفت در حوزه های حساس علمی چون نانو، هسته ای، فضا و... - که اساس آن بر تفکر بسیج علمی و خودکفایی استوار است - نشان از نگاهی جهادی و بسیجی به تلفیق علم با عمل دارد. امام خمینی (ره) به این مسئله اشاره دارند و می گویند که مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جست و جو و کشف واقعیت ها و حقیقت هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد شهادت شکل گرفته است.

حضرت آیت الله خامنه ای نیز با اشاره به پیام امام خمینی (ره) در سال ۶۷ مبنی بر تشکیل بسیج دانشجو و طلبه آن را نشان دهنده نیاز کشور به روحیه بسیجی در حوزه های علمیه و دانشگاه ها دانسته و خاطر نشان می کنند که عشق و ایمان و اعتماد به نفس همراه با ابتکار مهمترین ویژگی های روحیه بسیجی در عرصه های مختلف است که هم در بعد دفاعی و هم در بعد سیاسی و مدیریتی کارایی برجسته ای خواهد داشت.

۴- جانشین پروری و نخبه گرایی: یکی از آسیب هایی که گمانه آن در دهه چهارم انقلاب مطرح می شود به قدرت رسیدن مدیرانی است که در جریان و متن انقلاب نبوده و وفاوداری عملی

کمتری به بنیان های انقلاب دارند. اینان بعنوان مدیران نسل چهارم انقلاب شاید به خاطر عدم درک و فهم اصولی انقلاب و از سویی سرمایه گذاری فزاینده نظام سلطه لغزش بیشتری را تجربه می کنند. از این رو یکی از عمده دستور کارهای بسیج رخ می نماید؛ جایی که بسیج می بایست با نخبه گرایی و جانشین پروری انقلاب را از حیث وجود و داشتن مدیران انقلابی - که لزوماً انقلاب را تجربه نکرده اند - بیمه نماید. افزایش وابستگی و دلبستگی به نیروهای کارآمد اجرایی راهبردی است که باعث توان بخشی نظام می شود. از این رو نخبه گرایی و جانشین پروری مسئله ای است که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. این مهم ایجاب می کند یکی از رویکردهای اصلی بسیج به جهاد علمی و پژوهشی باشد. گرچه در راستای جنبش نرم افزاری عزم و اراده ای در این راه شکل گرفته و نامگذاری چهارمین روز از هفته بسیج به نخبگان بسیجی و تجلی خودباوری گامی دیگری در این راستاست؛ اما دقت و سرعت عمل برای دستیابی به جایگاه علمی مطلوب و مورد نظر در چشم انداز بیست ساله نیازمند عزمی جزم است. سردار سرتیپ محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به رویکردهای این سازمان در دهه چهارم انقلاب، جهاد علمی، سازندگی و خدمت به مردم را از مهم ترین رویکردهای این سازمان در این دهه عنوان کرده و می گوید که با تثبیت نظام و امنیت ملی در مقابل تهدیدات استکبار، ما حرکت برای سازندگی، جهاد علمی و از سوی دیگر تهذیب، خودسازی و خدمت به مردم را در دستور کار داریم.

۵- هم افزایی رویکردهای فکری و فرهنگی: هم افزایی رویکردها و راهکارهای بسیج تداوم و تکمیل اقدامات محوری در چارچوب تحول و تعالی است. در این راه همیاری تعاملی در اجرای ماموریت مقابله با تهدید نرم و عمق بخشی در هر سطح، موضوع، قشر و بخش اقدامات محوری را می طلبد که نیازمند تدوین و اجرای دکترین های عصر جدید است؛ عصری که فکر و فرهنگ در قابل فضای سایبری و هیبریدی به مبارزه برخاسته اند. بر این مبنا غایت چنین راهبردی به لحاظ ماهیت از جنس عمق بخشی فرهنگی داخلی و بسترسازی برای تحقق بسیج ده ها میلیونی و مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی است. البته رئیس بسیج سازمان مستضعفین بر این

باور است که بسیج ۱۰۰ میلیونی جهان اسلام را برای تحقق بخشیدن به وعده امام راحل (ره) برای آزادی قدس شریف تشکیل می دهیم. سردار محمدرضا نقدی خطاب به امام گفته که اگر بخواهم به محضران گزارش عملکرد بسیجیان را عرض کنم؛ باید بگویم بعد از شما بسیجیان به هر چه تکلیف شان بود عمل کردند. در برابر تهاجم فرهنگی دشمن ایستادند، توطئه های ضد امنیتی دشمن را خنثی کردند و آشوبگری فریب خوردگانی را که می کوشیدند میدان را برای بازگشت استعمارگران فراهم کنند به شکست کشاندند.

۶- حمایت از گفتمان های عدالت طلبانه و صدور انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران که با بازتعریف مجموعه ای از ارزشها و آموزه های دینی و اسلامی موجی از دین خواهی و اسلام گرایی را در منطقه بوجود آورد و دستاوردهای معنوی و تحول ادراکی آن رویدادی شگرف برای جهان تعبیر می شود، در هر برهه از زمان نیازمند پاسداشت است. اگر چه اهمیت انقلاب اسلامی ایران با وجود گذشت بیش از ۳ دهه هنوز ناشناخته باقی مانده است، اما این انقلاب سیر تحولات سیاسی و اجتماعی را دستخوش دگرگونی عمیقی کرده و امروزه نقشی بی بدیل در رویدادهای منطقه ای و فرامنطقه ای دارد. تا آنجا که ساموئل هانتینگتون نظریه پرداز نظریه برخورد تمدنها می گوید که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ می تواند نقطه آغاز جنگ پنهان تمدنهای غرب و اسلام را رقم بزند.

این نبرد - که البته نبردی معنوی و اسلامی است - بیش از ۳ دهه است که آغاز شده و در این مدت دستاوردهای زیادی به همراه داشته است. چنان که انقلاب اسلامی را نه تنها یک جنبش بزرگ مذهبی، بلکه یک تحول سیاسی همراه با عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی برای مردم می شود تعبیر نمود. از این رو ضربان های این گفتمان در طول این سالها بارها و بارها به صدا درآمده و در آغاز دهه چهارم با بسامد بسیاری در خاورمیانه عربی و افریقای شمالی و اروپا و امریکا انعکاس یافته است.

۷- بصیرت افزایی و افزایش آگاهی: آشنایی بسیج با هجمه های فرهنگی و ترفندهای متعدد و متنوع دشمنان در جنگ نرم ضرورتی بایسته است که راهبرهای مقابله ای مقتضی را می طلبد؛ در این راه بصیرت افزایی و افزایش فرهنگی بسیج در مواجهه با تکانه ها و ناتوهای داخلی و خارجی می تواند راهگشا باشد. چنان که رهبری انقلاب نیز بر این دیدگاهند که اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در این جا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواسته است عده ای بیایند و چشمهایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی خبر از آنچه که اتفاق می افتد، به میدان بروند و اسلحه ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند.

جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی بصیره جنگیدند. مکرر در مکرر از زبانشان شنیدیم که ما برای خاک نمی جنگیم، ما برای یک وجب زمین نمی جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمان هایمان می جنگیم. ایشان تاکید دارند که من می خواهم عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد و آن ملتی موفق می شود که فریب نخورد. »

۸- تحکیم مودت و محبت با لایه های مردمی: رهبر انقلاب در این باره بیان نمودند که شما بسیجی ها باید به گونه ای رفتار کنید که احترام و محبت مردم جلب شود. شما باید نمونه اخلاق و تواضع و مهربانی و رعایت مقررات باشید. آن کسی بسیجی تر است که مقررات را بیشتر رعایت می کند، به خاطر آنکه این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می سوزاند و مقررات، لوازم قطعی اداره درست نظام است.



ایشان تاکید دارند که هر جوان بسیجی، مرد بسیجی، زن بسیجی، دانش آموز بسیجی، دانشجوی بسیجی، کارگر بسیجی و روحانی بسیجی می تواند محور باشد و انسانهایی را به خود جذب کند و با سخن و اخلاق و رفتار و درس خواندن و کار کردن و احساس مسئولیت و آگاهی سیاسی و اطلاعات دینی و معنوی خود، مثل شمعی دلها را روشن کند و دیگران را امیدوار به آینده و آماده به کار برای حضور در میدانها قرار دهد. ببینید چه مسئولیت بزرگ و سنگین و درعین حال شیرین و هیجان انگیزی است.

تقویت بسیج سازندگی و جهاد اقتصادی، تحکیم جنبش نرم افزاری و فناورانه، تبیین هویت اسلامی و ایرانی، خودسازی با همت مضاعف، تثبیت پاک زیستی، تقویت دیپلماسی عمومی و همراهی مردمی و... از دیگر گزاره هایی است که بر استوانه های از جنس دانایی، آزادی، آگاهی و نقشه خوانی از راه و کلام رهبری در آستانه چهارمین دهه از عمر انقلاب اسلامی بر مبنای دو اصل پیشرفت و عدالت وظایف و تکالیف بسیج را سامان می بخشد. البته برای زیستن در دکترین های عصر جدید و تحقق اولویت و آرمانها، بسیج نیازمند بازتعریف و بازشناخت تهدیدها و فرصت ها و توانمندی ها و ظرفیت های وجودی است تا به تعبیر حضرت امام(ره) غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دوا بر قدرت جهانی را به دنبال نداشته باشد.

### لزوم تحول در مفهوم بسیج

بسیج مستضعفین یکی از شگفتی های معجزه گونه و یکی از پشتوانه های صادق انقلاب اسلامی است که منشأ خدمات و کارگشایی های بسیاری در انقلاب اسلامی شد. هر روز که از عمر انقلاب اسلامی می گذرد، تیزبینی و دوراندیشی امام راحل در خلق این شجره طیبه نمایان تر می شود. جنگ تحمیلی هشت ساله، بسیج را در حوزه کارکردی کانالیزه نمود، اما تولید فرهنگی بسیج به مثابه جریانی نوآور و مولد هر روز شکوفاتر شد و تا آنجا پیش رفت که «فرهنگ و تفکر بسیجی» به عنوان گفتمانی متمایز و قابل اعتبار، خودنمایی کرد و الگویی عملی در اخلاق و ایثار شد.

با اتمام جنگ تحمیلی چراها درباره استمرار بسیج در گوشه و کنار شنیده شد اما

پیرمراد بسیجیان در شهریور ۱۳۶۷ (یک ماه بعد از پایان جنگ) به میدان آمد که: «بسیج با قدرت و اطمینان و مانند گذشته به کار خود ادامه دهد» و سه ماه بعد از این دستور، راهبرد انقلاب اسلامی در خصوص بسیج، دچار شیف‌ت پارادایمی شد و مأموریت نرم بسیج در دوم آذر ۱۳۶۷ ابلاغ گردید. امام راحل چه تیزبینانه فهمیده بود که خط مقدم جنگ بعدی دانشگاه است، بنابراین به رغم اتمام جنگ نظامی و گذشت حدود سه ماه از پایان جنگ مأموریت بسیج در دانشگاه را ابلاغ کرد. در آن پیام هیچ کارکرد نظامی برای بسیج ترسیم نمود و فضای جدید را برای آینده بسیج گشود که اهمیت و لزوم آن تا فتنه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ به خوبی درک نشده بود. اما در آن پیام تاریخی مفصل‌بندی گفتمان جهاد، شهادت و سنگر فیزیکی را به گفتمان نرم تبدیل نمود که: حل مسائل اعتقادی بسیجیان، پاسداری از اصل تغییرناپذیر نه شرقی و نه غربی و دفاع از انقلاب و نظام در دانشگاه‌ها و ترسیم چارچوب‌های اسلام ناب محمدی (ص) از مأموریت‌های بسیج است. اگر سال‌های متمادی به این چهار اصل توجه می‌شد و اولویت دفاع از انقلاب اسلامی با رویکرد سلبی و ایجابی، دانشگاه می‌شد و اگر اسلام ناب در میان قرائت‌ها و پلورالیسم اصلاحات درخشانده می‌شد و به تعبیر دیگر، نه در ماهیت و هویت و جوهره که در عرصه تخصص و کارکرد، باید بسیج دچار تحول در مفهوم می‌شد و شبکه اجتماعی بسیج با استقلال نسبی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حوزه اجتماع، فرهنگ و سیاست وارد می‌شد. اما متأسفانه به رغم افول کارکرد نظامی بسیج، همچنان نمادهای نظامی همچون اسلحه کلاشینکف، کلاه آهنی، پوتین سوراخ شده و... زینت بخش طرح‌های تولیدی، فرهنگی و نمایشگاهی بسیج می‌شد و از سوی دیگر زمینه روانی - ذهنی جامعه برای اقدام نرم بسیج فراهم نمی‌آمد. بنابراین در تبارشناسی و دیرینه‌شناسی بسیج، امسال کروی‌ها، انصاری‌ها، خاتمی‌ها، مشارکتی‌ها و... از جلوه‌های عمل نرم بسیج به ستوه می‌آمدند که: ایها الناس چه نشسته‌اید که بسیج وارد سیاست و جناح‌بندی‌ها شده است. گفتمان آنان علیه بسیج تا حدودی قابلیت اعتبار و در دسترس بودن داشت، زیرا متولیان بسیج، نگرش فرهنگی و شاکله ذهنی اجتماع نسبت به تحول در مفهوم بسیج را ساماندهی مجدد نکرده بودند و نمادهای بسیج را از نظامی به فکری، فرهنگی و سیاسی تبدیل

نکرده بودند. این در حالی بود که جبهه دشمن در دشت جبهه نرم گسترانده شده بود. اما بسیج به خاطر عدم تحول در مفهوم خویش و قفل شدن مفهومی در تاریخ گذشته، اگر به عرصه مبارزه با دشمن وارد می‌شد به جرم عدول از وصیت نامه امام (ره) که نظامیان نباید در سیاست دخالت کنند، محکوم و مطرود می‌شد. پیچیدگی‌های سیاسی و فکری بعد از امام (ره) که باعث انحراف در آرایش سیاسی درون نظام شد کافی بود که بسیج در راستای مأموریت ذاتی خود که دفاع از انقلاب بود وارد عرصه و مقابله و مواجهه شود، اما چون ذهنیت اجتماعی از کارکرد بسیج دچار از جا کنندگی نشده بود، دست و پای بسیج بسته ماند و هرگونه عمل وی امری خلاف قانون و غیرمتعارف توجیه می‌شد. فتنه ۱۳۸۸ ثابت نمود که تحول در مفهوم کارکردی بسیج امری اجتناب‌ناپذیر است و بسیج به عنوان جریان مکتبی و هم‌تراز انقلاب اسلامی باید به سلاحی دیگر و کلاه آهنی دیگر مسلح شود.

این عمل بدون توجه به اصلاح زیر ساخت‌های ذهنی جامعه و ارتقای فکری بسیجیان مؤثر واقع نخواهد شد. جغرافیای مأموریت بسیج از گشت شبانه و برنامه‌های درون تشکیلاتی فراتر رفته و عرصه فرهنگ، خدمت، سیاست و دانش از چشمه سار بسیج منتفع می‌شود. اما لازمه این حرکت، باور اجتماعی به تحول در مفهوم بسیج است در غیر این صورت باز نااهلان و نامحرمان به میدان خواهند آمد که: مملکت سیستم آموزش عالی دارد، علم را چه به بسیج؟ و بسیج باید آموزش نظامی ببیند و برای روز مبادا که احتمال حمله مستقیم و نظامی استکبار جهانی وجود دارد آماده باشد. بنابراین باید بسیج مستضعفین به مثابه یک دانشگاه مجازی و سراسری و یک شبکه فکری و اجتماعی، نهضت تربیت عناصر فکری انقلاب را گفتمان و برنامه خویش گرداند. اگر به همه عرصه‌های کشور، اعم از سیاست خارجی، بهداشت و درمان، کشاورزی، علم، فرهنگ، نفت و... سری بزنیم، برای آن متولیان وجود دارد، اما تربیت کادر آینده انقلاب را کدام جریان اصیل و مکتبی به عهده دارد؟

آیا جریان‌های سیاسی و دستگاه‌های دولتی که چشمی نیز به صندوق خود دارند، صاحب این زلالت و صداقت هستند، اگر هم باشند، تربیت نیروهای آینده انقلاب باید از برنامه‌ریزی‌های استراتژیک نظام باشد که تبلور عینی آن در بسیج است.

اگر به این مهم توجه نشود. دالان آینده انقلاب اسلامی باریک و کادرهای آن لاغر و استمرار آن مطمئن نخواهد بود. تنها با بسیج است که این مهم به فعلیت می‌رسد و از اطمینان بخشی نیز برخوردار است. در این رهیافت، تمرکز به شناسایی اندیشه سیاسی امام باید در اولویت قرار گیرد تا این شاقول محکم و پایدار بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد و مدعیان دروغین خط امام به واسطه اندیشه امام، عربان و منحرف نمایانده شوند.

در پروسه ایجاد تحول در مفهوم بسیج، علاوه بر اصلاح نگرش اجتماعی به آن، اصلاح سازوکارهای حقوقی نیز لازم است زیرا مخالفان و منافقین داخلی این تحول را بدون توجه به بخش‌های حقوقی آن نمی‌پذیرند. مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید. به امید آن روز.

### بسیج و مأموریت مقابله با تهدید نرم

سردار سرلشگر جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تدبیر مقام معظم رهبری خبر دادند که براساس این تدبیر، مقابله با تهدیدات نرم و عمق بخشی داخلی به رده های مختلف بسیج واگذار می شود.

در راستای سخنان فرمانده کل سپاه دو سوال اصلی مطرح است که باید برای فهم این مأموریت پاسخ روشن به آنها داده شود. ۱- تهدید نرم چیست و چرا در دهه چهارم انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی با تهدید نرم مواجه است؟ ۲- دلیل واگذاری این مأموریت به بسیج چیست؟ در این یادداشت به اجمال به پاسخ این دو سوال می پردازیم.

#### الف- پاسخ سوال اول

تهدید از نظر لغوی به معنای ترساندن و در اصطلاح به هر گونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات و امنیت یک سازمان یا کشور را به خطر اندازد گفته می شود. تهدید نرم یکی از انواع سه گانه تهدید (سخت، نیمه سخت و نرم) می باشد. در تهدید نرم، عامل تهدید از ابزار فرهنگی و با هدف تأثیرگذاری بر ذهن ها و باورها استفاده می کند. در تهدید نرم از قدرت نرم استفاده می شود و قدرت نرم، قدرتی است که عامل آن می تواند بر اراده دیگران از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن جهت پذیرش مطلبی بدون استفاده از زور و اجبار تأثیر بگذارد. ساز و کارها، منابع

و ابزار تهدید نرم، ارتباط مستقیم با ماهیت و چگونگی قدرت نرم دارد. کاربرد قدرت نرم، تأثیرگذاری بر ذهن ها با هدف تغییر و شکل دهی به ذهنیت های جدید می باشد.

«متقاعد سازی»، «قانع کردن»، «جلب نظر»، «تغییر ذائقه ها» و «سرانجام»، «تغییر رفتارها» هدف نهایی دربرکارگیری قدرت نرم درعرصه تهدید نرم است. صاحب قدرت نرم با استفاده از ارتباطات، اطلاعات، انفورماتیک، اینترنت، ماهواره ها، مطبوعات، امواج رادیویی و تلویزیونی به دنبال متقاعد سازی و تغییر نگرش رقیب، مخاطب و در واقع دشمن خود می باشد.

دشمنان انقلاب اسلامی، طی ۰۳ ساله گذشته از انواع تهدیدها علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی استفاده کرده و کاملاً ناکام مانده و شکست خوردند. اکنون انقلاب اسلامی ابعاد جهانی پیدا کرده و جمهوری اسلامی از آن چنان قدرت و استحکامی برخوردار شده که دشمنان به این جمع بندی رسیده اند که دیگر تهدید سخت و نیمه سخت علیه ایران اسلامی و انقلاب اسلامی کارساز نخواهد بود. بر همین اساس دشمنان در دهه چهارم برای کنترل جمهوری اسلامی و تغییر رفتار آن بر روی تهدید نرم تمرکز پیدا خواهند کرد. شکل گیری ناتوی فرهنگی از سوی غرب و نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی با همین هدف انجام گرفته است. اهداف دشمنان در ناتوی فرهنگی را می توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱- مرعوب سازی ملت ایران و تضعیف روحیه مقاومت و پایداری

۲- القای روحیه یأس و ناامیدی

۳- اسلام هراسی، ایران هراسی و شیعه هراسی

۴- ترویج و رشد اباحه گری، بی بند و باری اخلاقی و اصالت دادن به لذت جویی مادی

۵- ترویج سکولاریسم، دمکراسی و ارزش های لیبرال دمکراسی غربی

۶- مقابله با فرهنگ دینی و مذهبی

۷- پایمال کردن روحیه حماسی، فرهنگ ایثار و شهادت طلبی

۸- عرفی سازی حکومت و ترویج پلورالیسم دینی

۹- تشدید اختلافات قومی و مذهبی

۱۰- سلب اعتماد مردم از نظام و مسئولان

دشمنان برای رسیدن به اهداف مذکور از تمامی ابزارهای در اختیار که ماهیت قدرت نرم را دارد استفاده می کنند. بنابر این خطر تهدید نرم در دهه چهارم را باید جدی گرفت و درصدد مقابله با آن برآمد

ب- پاسخ سوال دوم

چرا این ماموریت به بسیج داده شده است؟

فلسفه وجودی سپاه و در واقع رسالت این سازمان انقلابی، دفاع و پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در برابر تمامی انواع تهدیدات است. بنابراین هنگامی که انقلاب اسلامی با تهدید نرم مواجه می شود، وظیفه سپاه دفاع از انقلاب اسلامی در برابر این نوع تهدید است. واگذاری این مأموریت در سازمان سپاه به بسیج به خاطر ماهیت بسیج و قابلیت های آن می باشد. بسیج در واقع یک نیروی استراتژیک و منحصر به فردی است که این قابلیت را دارد که متناسب با هر شرایطی سازمان لازم پیدا کرده و با در اختیار گرفتن ساز و کارهای لازم، ماموریت و وظایف محوطه را به خوبی انجام دهد. بسیج صرفاً یک نیروی نظامی یا شبه نظامی فقط برای جنگ یا برقراری امنیت و مقابله با ناآرامی ها و ناامنی ها نیست. در اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری یکی از کارکردهای بسیج در شرایطی که لازم باشد، کارکرد نظامی و امنیتی خواهد بود و کارکرد فرهنگی آن با تکیه بر قدرت نرم در واقع می تواند به عنوان کارکرد اصلی بسیج مورد توجه باشد. با مروری کوتاه و اجمالی بر آرا و اندیشه های بنیانگذار

جمهوری اسلامی و موسس اصلی بسیج می توان کار ویژه های زیر را برای بسیج از منظر آن عزیز سفر کرده در محورهای زیر خلاصه کرد:

- ترویج اسلام ناب محمدی (ص) و تلاش برای زنده و پویا نگهداشتن آن

- ترویج شعائر دین مقدس اسلام

- دفاع از ارزش های الهی و اسلامی

- دفاع از نظام جمهوری اسلامی و فداکاری در راه آن و مقابله با هر توطئه ای علیه نظام اسلامی

- دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران

- دفاع از عزت ملی و تلاش برای ایران اسلامی

- مبارزه با استکبار، ظلم و ستم

- مبارزه با بی عدالتی و تلاش برای استقرار عدالت در ایران و جهان.

- امر به معروف و نهی از منکر

- حمایت از مظلومین، محرومین و مستضعفین و کمک به دولت اسلامی برای رفع فقر و محرومیت

- تلاش برای سازندگی و پیشرفت کشور در تمامی عرصه ها

- همکاری با دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی کشور برای خنثی سازی توطئه ها و برقراری امنیت پایدار و مردمی

تأمل در محورهای مذکور نشان می دهد که حقیقتا بسیج یک نیروی منحصر به فرد و در واقع نیروی اصلی برای تمامی صحنه ها جهت پیشبرد آرمان های انقلاب اسلامی و دفاع از جمهوری اسلامی می باشد. به همین دلیل حضرت امام (ره) از بسیج به عنوان لشکر مخلص خدا،



مدرسه عشق، شجره طیبه و میقات پابرهنگان یاد فرمودند. با توجه به همین ویژگی های خاص بسیج، در دهه چهارم انقلاب اسلامی که جمهوری اسلامی با تهدید نرم دشمنان مواجه است، با تدبیر فرماندهی معظم کل قوا، ماموریت مقابله با تهدید نرم به بسیج واگذار شده است.

بنابراین ضروری است که برای استفاده از ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه و بالفعل بسیج به منزله یک نیروی پایان ناپذیر مردمی در راستای مقابله با تهدیدات نرم در دهه چهارم انقلاب اسلامی، راهبردهای دشمنان در تهدید نرم شناسایی و متناسب با آن راهبردهای مقابله تدوین گردد. اگر عمده راهبردهای دشمنان در تهدید نرم را تخریب بنیان های فکری و اعتقاد مردم، ایجاد گسل های قومی و مذهبی، ایجاد یأس و ناامیدی، سیاه نمایی و القای ناکارآمدی نظام دینی، القای حاکمیت دو گانه، تحریک برای نافرمانی مدنی و ترویج اندیشه های لیبرالی بدانیم، سه راهبرد عمده را می توان در بسیج برای مقابله با این راهبردها در نظر گرفت.

۱- راهبرد افشای تهدید نرم، ناتوی فرهنگی و ساز و کارها و عوامل آن در سطح جامعه برای تمامی اقشار

۲- راهبرد کمک و تقویت دستگاه های فرهنگی، اطلاعاتی و امنیتی برای شناسایی و مقابله با عوامل ناتوی فرهنگی

۳- راهبرد تقویت ایمان و باورهای دینی در سطح جامعه

۴- راهبرد تولید محصولات فرهنگی برای مقابله با تهدید نرم

## بسیج و کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی

«وحدت و انسجام» افراد و جوامع در یک پیوند و تعامل مستقیم و چند بعدی به وجود می‌آید که می‌توان از آن به «کنش جمعی» تعبیر نمود؛ به خصوص زمانی که عده‌ی زیادی از مردم دارای اهداف و آرمان‌های مشترکی باشند و برای رسیدن به آنها، رویکرد واحدی اتخاذ کنند. دستیابی به جامعه برتر و موعود ادیان و فروکاهیدن از آلام و ستم‌ها و رسیدن به کمال و سعادت واقعی، آرمان ماندگار همه انسان‌های صالح، مستضعف و موحد است و این زمانی به دست می‌آید که همه حق‌طلبان، عدالت‌خواهان و یکتاپرستان در صف واحدی قرار گرفته و با پیوستن به انقلاب جهانی مهدوی، تحت رهبری و ولایت منجی موعود قرار گیرند؛ یعنی، این آرمان مشترک تنها در سایه یک انقلاب بزرگ و فراگیر و در یک تعامل جمعی به دست می‌آید. آنچه در این نوشتار مورد پژوهش قرار می‌گیرد، توجه به «کنش جمعی» در انقلاب جهانی به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مهم‌تر از آن توجه بایسته به این مؤلفه است که قیام حضرت مهدی علیه السلام یک انقلاب و نهضت فراگیر و جهانی است که با همراهی و همدلی مردم - به خصوص گروه‌های مبارز و طرفدار حق - صورت می‌گیرد؛ امری که در مهدویت پژوهی مورد غفلت قرار گرفته و در عموم پژوهش‌ها، تنها از چشم‌انداز یک قیام و جنگ محدود به آن پرداخته شده است! در حالی که در این نوشتار، این فرض مطرح می‌شود که

این نهضت مقدس، یک انقلاب گسترده و مردمی است که توده‌های زیادی از مردم در یک بسیج فراگیر و جمعی به آن می‌پیوندند و این نهضت را یاری می‌رسانند.

## چیستی انقلاب

پژوهش و مطالعه درباره «انقلاب» و کندوکاو دقیق و علمی، درباره چیستی و چگونگی آن، به علت وجود دیدگاه‌ها و تعاریف گوناگون درباره آن، با دشواری‌های خاص خود روبه‌رو است. دسته‌ای انقلاب‌ها را نتیجه اجتناب‌ناپذیر ساختار اجتماعی ادوار تاریخی می‌دانند. [۱] دسته دیگری با تکیه بر «عمل‌گرایی»، ضرورت انقلاب را به دلیل عینی بودن ثبات اجتماعی نفی می‌کنند. [۲] گروهی نیز معتقدند: «جامعه توده وار» که مبتنی بر ثبات سنتی ساختارهای معینی است، اگر مواجه با انهدام ساختارهای خود گردد، به سوی انقلاب مردمی گرایش می‌یابد.----- [۳] گروهی دیگر با توسل به توجیهات روان‌شناسی و اجتماعی، می‌کشند انگیزه‌های «قیام بر ضد حکام مستقر» و یا عدم تحقق تصوّرات توده‌ها در کل دوره حیاتشان را شناسایی کنند. [۴] این گروه‌ها، طیف گسترده‌ای از اندیشه در باب انقلاب را به نمایش گذاشته‌اند. [۵] در توجیه اینکه «مفهوم انقلاب چیست»، اندیشمندان علوم اجتماعی تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. انقلاب؛ یعنی دگرگونی بنیادی افکار و رفتار فرد و جامعه، در جهت نیل به کمال مطلوب که به صورت سریع و نوعاً توأم با خشونت و خونریزی انجام می‌شود. [۶]
۲. انقلاب عبارت است از تصرف قدرت دولتی از طریق وسایل خشن به وسیله رهبران یک جنبش توده‌ای، به منظور استفاده از آن برای اصلاحات عمده اجتماعی. [۷]
۳. انقلاب طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یک سرزمین، علیه سطح حاکم موجود برای ایجاد نظم مطلوب است. به بیان دیگر، انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم به منظور استقرار وضعی دیگر. به این ترتیب معلوم می‌شود که انقلاب عبارت است از نارضایتی و خشم از وضع موجود + آرمان یک وضع مطلوب + حسّ پر خاشگری و روحیه طرد ظلم. [۸]

۴. انقلاب عبارت است از یک حرکت سریع و ناگهانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، رهبری و حاکمیت سیاسی برای بازگرداندن ارزش‌های اجتماعی که توأم با زور و خشونت داخلی باشد.

[۹]

تعریف‌های دیگری که افرادی نظیر استانفورد کوهن، کرین بریتون، هانا آرنه، تالکوت پارسونز، چالمرز جانسون، آلکسی دوتو کوپل، پیتریم سوروکین و... ارائه داده‌اند. به هر حال انقلاب، ابعاد و زوایای مختلفی دارد و آنچه در این نوشتار مورد توجه است، بعد «جمعی و گروهی»؛ آن، یعنی، بررسی «گروه‌های انقلابی» و شکل‌گیری کنش جمعی در آن است. بر این اساس می‌گوییم: انقلاب دگرگونی بنیادی غالباً قهرآمیز در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است. زمانی که گروه‌های ناراضی در جامعه نتوانسته باشند شرایط خود را به شیوه‌های صلح‌آمیز و قانونی بهبود بخشند، گاه دست به کارهایی برای سرنگونی حکومت می‌زنند. دلیل زیربنایی انقلاب آرزو یا اشتیاق برای تأسیس یک جامعه جدید است؛ جامعه‌ای که در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، اساساً از نظام سابق برود. اصطلاح «انقلاب» همین‌طور به معنای قطع رابطه با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گذشته به کار می‌رود و غالباً با رشد و گسترش‌های عمده فرهنگی و صنعتی در یک جامعه همراه است. به بیان دیگر «انقلاب» در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، زیر و رو شدن، برگشتن، تغییر، تحول، شدن، شورش و ناآرامی و در اصطلاح رایج جهان، خیزش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو، به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات، ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان جدید و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص است. در آیات قرآن، واژه انقلاب به کار نرفته، ولی مشتقات آن (ده مورد) آمده است. در تمام این آیات به تناسب موضوع و منظور آیات، مفهوم لغوی آن؛ یعنی تغییر و دگرگونی و برگشتن مورد توجه بوده است که گاهی انقلاب به سوی تعالی و کمال است (اعراف، ۱۱۹) و گاهی بازگشت به عقب و انحطاط (آل عمران، ۱۶۴) و گاهی نه این و نه آن. در جهان غرب و فرهنگ آن، انقلاب گاه به معنای «کودتا» است؛ ولی در عربی «ثوره» یا از

ریشه «ثار» به معنای شورش بر ضد حاکم جائر است و یا از «ثور»؛ یعنی، گاو نر است که کارش شیار و زیر و رو کردن زمین و کنایه از تحولات بنیادین است. [۱۰]

## بسیج در انقلاب

یکی از ویژگی‌های بارز انقلاب - در کنار رهبری پر قدرت و ایدئولوژی حاکم بر آن - بسیج توده‌های مردمی در جهت آرمان مشترک و موفقیت انقلابی است.

واژه بسیج به شکل متعارف معرفی کننده فرآیندی است که به واسطه آن، گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد، به مشارکت کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر بسیج؛ یعنی، گرد آوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عملی جمعی. به هر میزان بسیج در یک جمعیت بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. به عبارتی قدرت آن افزایش می‌یابد و منابعی که هزینه می‌کند، کمتر می‌گردد.

درگیری و مناقشه، نوعی از تحركات سیاسی متداول است و انقلاب، تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت حاکم می‌باشد که میزان موفقیت آن، بستگی به میزان سطح سازماندهی انقلابیون (هویت مشترک و ساختار وحدت بخش) دارد. هر قدر یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع تری برخوردار باشد، سازمان یافته تر است. [۱۱]

انقلاب تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت حاکم است که میزان موفقیت آن، بستگی به میزان و سطح سازماندهی انقلابیون دارد. مهم ترین مؤلفه وضعیت انقلابی، حضور فعال و وجود جنبش و گروه انقلابی و قیام کننده است که از طبقات و اقشار مختلف جامعه بوده و با همراهی، وحدت و هماهنگی (کنش جمعی)، برنامه‌های خود را به پیش می‌برند و برای رسیدن به اهداف خود، در بسیج عمومی می‌کوشند.

کنش جمعی مورد نظر، همان اتحاد و انسجامی است که در آموزه‌های دینی وارد شده و در همه امور - به خصوص در مسائل سیاسی و نظامی - بر آن تأکید گشته است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده

نشوید و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید: "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ... [۱۲]

و نیز می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند [آن هم] پس از آنکه نشانه‌های روشن [پرورگار] به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند». [۱۳] به همین جهت در قرآن بر وجود امت واحده تاکید زیادی شده است: "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. [۱۴]

پیامبر اسلام به وحدت و اخوت اسلامی تکیه نموده، می‌فرمود: «المؤمنون اخوة تتكافأ دما وهم و هم يد علی من سواهم...» [۱۵]؛ «مؤمنان برادرند، خون هایشان با یکدیگر برابری می‌کند و آنها یک دست و متحد در برابر دیگرانند». حضرت علی علیه السلام نیز در تشویق مسلمانان به وحدت و همدلی - به خصوص در عرصه جهاد و شهادت - می‌فرماید: «کجا هستند مردمی که به اسلام دعوت شده و پذیرفتند؛ قرآن تلاوت کردند و معانی آیات را شناختند؛ به سوی جهاد برانگیخته شده و چونان شتری که به سوی بچه خود روی می‌آورد، شیفته جهاد گردیدند؛ شمشیرها از نیام برآوردند و گرداگرد زمین را گروه گروه و صف به صف احاطه کردند؛ برخی شهید شدند و برخی نجات یافتند... آنان برادران من هستند...». [۱۶] از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «ایها الناس علیکم بالجماعة و ایاکم و الفرقة»؛ [۱۷] «ای مردم! بر شما باد به اتحاد و هم گروه بودن و پرهیزید از تفرقه و جدایی» و نیز: «یدالله مع الجماعة»؛ [۱۸] «دست خدا همراه با جماعت و گروه مسلمین است».

«انقلاب» متکی بر وحدت و قدرت عمومی و مردمی است که سازماندهی شده و تشکل یافته‌اند و در جهت نیل به اهداف، قدرت اجتماعی بزرگی را به وجود آورده‌اند. این قدرت اجتماعی، متشکل از گروه‌های فعالی است که بر پایه ارزش‌ها و باورهای مسلط و مشترک به هم نزدیک شده‌اند و زمانی که قدرت سیاسی، توانایی تأمین ارزش‌ها و خواسته‌های آنها را نداشته باشد یا نخواهد این ارزش‌ها و خواسته‌ها را تأمین کند، این گروه‌ها به دنبال رهبر یا رهبرانی که

می‌توانند خواسته‌ها و نظرات آنها را تعقیب و تأمین نمایند، حرکت خواهند کرد. در ایجاد و تشکیلات قدرت انقلابی، سه رکن اساسی قابل تفکیک هستند:

۱. رهبری، ۲. مردم و گروه بندی‌های انقلابی، ۳. ایدئولوژی. مهم‌ترین شرط کافی، وجود رهبری است که نارضایتی‌ها را شناخته و برآورد دقیق از آنها داشته باشد؛ همچنین رهبر مخالفان و انقلابیون به مدد ایدئولوژی و جهان‌بینی‌ای که دارد و از طریق تبلیغ و ترویج آن، نظام ارزشی و عقیدتی دولت حاکم را بی‌اثر سازد و برای ارزیابی مردم ملاک‌های عقیدتی و ارزشی خود را بقبولاند. همچنین برای ترغیب و بسیج ناراضیان، سازماندهی لازم است.

### **انقلاب جهانی مهدوی**

بر اساس اخبار غیبی، یکی از انقلاب‌های بسیار مهم و تأثیر گذاری که در آینده رخ می‌دهد، قیام جهانی مهدوی و خیزش صالحان و مستضعفان عالم، علیه مستکبران و ستمگران است. این پدیده مهم و سر نوشت ساز، تغییرات و تحولات بنیادینی را در کل جهان و در ارزش‌ها، باورها، تفکرات، سیاست، اجتماع و اقتصاد به وجود می‌آورد و باعث دگرگونی‌های اساسی، در بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی بشری می‌شود. در این انقلاب شکوهمند، مسیر حرکت تاریخ تغییر یافته و در جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرد و توده‌های عمومی برای رسیدن به جامعه موعود، تحت فرمان رهبری الهی، خیزش و نهضت فراگیری را شکل می‌دهند. این قیام دارای ویژگی‌هایی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. این انقلاب رنگ و بوی الهی دارد و بر اساس آموزه‌های متعالی دینی (اصلاح گری، ظلم ستیزی و امر به معروف و نهی از منکر) شکل می‌گیرد.

۲. دارای اصالت و حقیقت است و آرمان‌ها و اهداف متعالی آن، از مکاتب و اندیشه‌های رایج بشری، سرچشمه نگرفته است.

۳. رهبری آن در دست شخصی الهی و مدیری توانا و دانشمند بوده که با هدایت و راهبری او، انقلاب به پیروزی می‌رسد.

۴. از پشتوانه مردمی برخوردار بوده و در سراسر جهان با استقبال و حمایت مردم رو به رو می‌شود.
۵. گروه‌های مبارز و قاطع و مؤمن، در شکل‌گیری و پیروزی نهایی آن ایفای نقش می‌کنند. اینان متعلق به نقاط مختلف جهان هستند.
۶. نهضت، فراگیر و جهانی بوده و تمامی نقاط عالم را در برمی‌گیرد (محدود به یک یا دو منطقه نیست).
۷. این قیام در امتداد نهضت‌های حق طلبانه پیامبران و اوصیای الهی بوده و به عنوان مصاف نهایی حق با باطل تلقی می‌شود.
۸. انقلاب مهدوی، دارای مشروعیت و حقانیت ویژه‌ای بوده و از حمایت‌های غیبی و الهی برخوردار است.
۹. وحدت و همدلی یکتاپرستان و گروه حق (کنش جمعی)، در این انقلاب به نحو احسن بروز می‌یابد و....
- بحث درباره شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب و چرایی و چیستی آن، نیاز به مجال فراخ تری دارد و در این نوشتار تنها به بررسی و تبیین شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های انقلابی (کنش جمعی) پرداخته خواهد شد.
- این قیام دارای مراحل مختلفی است؛ از جمله:
۱. مرحله ظهور امام مهدی (عج) رهبر قیام به اذن و اراده الهی (آغاز انقلاب)؛
  ۲. جمع شدن یاران صالح و پرچمداران قیام (بسیج نیروهای انقلاب)؛
  ۳. فراگیری قیام و انقلاب علیه حکام ظلم و جور و فساد به همراهی یاران صالح و شایسته (حرکت انقلابی)؛
  ۴. پیروزی و شکست نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان و تسلط بر کل عالم (پیروزی انقلاب)؛



۵. تشکیل حکومت جهانی و انتخاب و نصب حاکمان جهان از سوی رهبر انقلاب؛

۶. سامان بخشی به همه امور و رشد و شکوفایی و تعالی جامعه بشری در همه زمینه‌ها (مرحله تثبیت انقلاب)

بر اساس روایات، انقلاب و حرکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از فراهم شدن زمینه‌ها و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی نهضت از شهر مکه آغاز می‌گردد. با شروع قیام، از مناطق مختلف جهان (به خصوص ایران و یمن)، نیروهای انقلابی دست به کار شده و به یاری رهبری نهضت می‌شتابند و در طول انقلاب بر تعداد یاران و گروه‌های مبارز و مجاهد افزوده می‌شود. در نهایت درگیری‌هایی بین انقلابیون و نظام‌های حاکم (در حجاز، عراق، شام، روم و...) رخ می‌دهد که منجر به شکست همه مخالفان انقلاب جهانی می‌گردد. قیام بعد از ۷-۸ ماه کشمکش و نزاع، به پیروزی نهایی دست یافته و گروه‌های انقلابی و جهادی، بر کل جهان مسلط می‌شوند. در این نوشتار تنها در صدد تبیین و شناخت گروه‌ها و طبقات مختلف انقلابی و کندوکاو درباره کنش جمعی در این قیام هستیم و بحث درباره چرایی و چیستی آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

#### **کنش جمعی (وحدت) در انقلاب جهانی مهدوی**

اقدامات جمعی و گروهی که منجر به رسیدن به یک هدف و خواست مشترک می‌شود، «کنش جمعی» است و این تجلی کامل و واقعی در قیام حق طلبانه مهدوی دارد؛ یعنی، این نهضت با وحدت، همراهی، انسجام و تعامل گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه جهانی شکل می‌گیرد و پیروز می‌شود. در واقع این یک انقلاب بزرگ و کاملی است که در آن، شاهد مشارکت فعال و نظام مند نهضت‌ها و جنبش‌های مبارز و پیروی و اطاعت آنان از رهبر قیام هستیم و با ساماندهی و بسیجی که صورت می‌گیرد، اجتماع بزرگی از صالحان، مستضعفان، شیعیان و موحدان حق طلب و عدالت‌گرا به وجود می‌آید و تا این زمینه‌سازی و بسیج صورت نگیرد، امام مهدی، ظهور نخواهد کرد. در روایتی آمده است «لا یخرج القائم عجل الله تعالی

فرجه الشریف حتّی تكون تکملة الحلقة. قلت: کم تکملة الحلقة؟ قال عشرة آلاف؛ [۱۹] «امام صادق علیه السلام فرمود: تا حلقه (گروه) تکمیل نگردد، قائم خروج نمی کند. [راوی گوید: پرسیدم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر].»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة، فاذا ظهر المهدي بعثت اليه بالبيعة»؛ [۲۰] «پرچم‌های سیاهی که از خراسان در می آید در کوفه فرود می آید. هنگامی که مهدی علیه السلام ظهور کند، این پرچم‌ها برای بیعت به حضور او گسیل می شود.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «فيخرج بالموالي و ضعفاء الناس فيسيرون الى النخيلة باعلام هدى فيكون مجمع الناس كلها بالفاروق»؛ [۲۱] «شیعیان و مستضعفان خروج می کنند و با پرچم‌های هدایت به سوی نخلیه می روند. آن روز مردم در فاروق گرد می آیند». در این روایت تأکید بر حضور عمومی مردم (مجمع الناس) در منطقه مشخصی به نام فاروق شده است و اینان جمع نمی شوند مگر برای انقلاب.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «و بينا هم كذلك اذ تقبل و رايات هدى من خراسان تطوى المنازل طياً حثيثاً و معهم نفرٌ من اصحاب القائم... ثم يخرج رجلٌ من موالى الكوفة ضعفاء...»؛ [۲۲] «در آن میان پرچم‌های هدایت از خراسان بیرون آمده با شتابی هر چه تمام‌تر منازل را طی کرده، پیش می تازند و تعدادی از یاران قائم علیه السلام در میان آنها خواهند بود. آن گاه مردی از شیعیان غیر عرب با گروهی از مستضعفان از کوفه خروج می کنند...».

پس با آغاز انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام و دعوت عمومی، حق طلبان، صالحان و مردم رنج‌دیده و از همه جا مأیوس (مستضعفان)، گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می شوند و در تمامی صحنه‌ها و مصاف‌ها، به پیروزی دست می یابند.

در روایتی درباره گستردگی و فراگیری این قیام آمده است: «[یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخر می‌کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره‌های آهن سخت‌تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می‌کنند و تا وقتی که خشودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ بر نمی‌دارند.» [۲۳]

این روایات نشانگر آن است که پیروزی انقلاب مهدوی، با اتحاد و انسجام تشکیلاتی و نظام‌مند گروه‌های مبارز و با اطاعت و همراهی کامل با رهبر نهضت میسر می‌شود. البته ابتدا فراخوان و دعوت عمومی مبنی بر پیوستن به این نهضت رهایی بخش صورت گرفته و از همه جهانیان در خواست یاری و فرمان بری از امام می‌شود. یکی از صاحب نظران می‌نویسد: «هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می‌شود و قیام‌ها و انقلاب‌ها نیز از پرچم خاصی برخوردارند که آرم آن تا حدودی نمایانگر اهداف رهبران می‌باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرچم مخصوص دارد و بر آن شعاری نقش بسته است. البته درباره این شعار اختلاف هست؛ ولی نکته‌ای در همه اقوال مشترک است و آن اینکه مردم را به فرمان بری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می‌کند.» [۲۴]

برای تحلیل و ارزیابی میزان کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه به مؤلفه‌های زیر بایسته است:

### **یکم. ظهور ائتلاف انقلابی**

گروه‌های مبارز در عصر ظهور در جهت رسیدن به ارزش‌های متعالی و اهداف والا به رهبر نهضت پیوسته و دست به انقلاب می‌زنند؛ یعنی، ظهور ائتلاف انقلابی، زمانی صورت می‌گیرد که مشکلات و نارسایی‌ها در ابعاد مختلف هویدا شده و زمینه برای شکل‌گیری جنبش‌ها و خیزش‌های رهایی بخش فراهم می‌شود. این محرومیت‌ها و کاستی‌ها در عصر پیش از ظهور، شامل گسترش ظلم و ستم، انحطاط اخلاقی جوامع، حکومت فرومایگان، هرج و مرج و ناامنی،

حق ستیزی، جنگ‌ها و کشتارها و... می‌شود. مهم‌تر از آن شکل‌گیری خواست‌های معنوی و ارزش‌گرایانه است. در این برهه، به اذن الهی و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، امام مهدی علیه السلام ظاهر شده و اعلان قیام عمومی می‌کند. رسول گرامی اسلام به فرزند گرامی اش حسین بن علی علیه السلام فرمود: «یظهر امیر الامرۃ السلطان المأمول الذی تحیر فی غیبه العقول و هو التاسع من ولدک... یظهر علی الثقلین»؛ [۲۵] «آن‌گاه امیرامیران... پادشاه منتظر - که در غیبتش همگان دچار حیرت می‌شوند - ظهور می‌کند. او نهمین فرزند تو است ای حسین!... بر انس و جن چیره می‌شود».

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «[مهدی] در آخر الزمان ظهور (خروج) می‌کند و ابری در برابر خورشید به وجود مقدسش سایه می‌اندازد... فرشته‌ای ندا در می‌دهد: این مهدی خلیفه خداوند است، از او پیروی کنید (هذا المهدی خلیفه الله فاتبعوه)». [۲۶] هنگام ظهور آن حضرت و یا مدتی پیش از قیام، جنبش‌های مختلفی در جهان به خصوص ایران و یمن و... آغاز می‌شود که رهبری آنها در دست افراد صالح و توانمند است. اینها خود را برای یاری امام مهدی علیه السلام آماده می‌کنند. در روایات به این گروه اشارات زیادی شده که ممکن است برخی از این گروه‌ها، مربوط به یک دسته خاص باشد. قرآن این گروه‌ها را تحت عناوینی چون گروه حق (در مقابل باطل)، صالحان و مستضعفان معرفی می‌کند و آینده را از آن‌ها می‌داند و پیروزی و موفقیت آنان را تضمین می‌کند. برخی از این ائتلاف‌ها و گروه‌های انقلابی و رهبران آنها عبارت‌اند از:

۱. سید حسنی و سید حسینی... [۲۷] و یا سید خراسانی. [۲۸]

۲. قیام سید هاشمی از گیلان، با یاری سید مشرقی [از خراسان] (یقوم... واحد هاشمی بگیلان). [۲۹]

۳. نهضت مردی از ایرانیان مقیم کوفه با گروهی از مستضعفان (یخرج رجل من موالی اهل الکوفه فی الضعفاء). [۳۰]

۴. خیزش مردی از اهل بیت او (مهدی علیه السلام) از مشرق (یخرج قبل المهدی رجلٌ من اهل بئته فی المشرق) [۳۱] و یا پرچم‌هایی از مشرق به رهبری مردی از تمیم (به نام شعیب بن صالح) (یقودها رجل من تمیم). [۳۲]

۵. قیام مردی از قزوین هم‌نام با یکی از پیامبران. [۳۳]

۶. خروج جوانانی از منطقه خودشان به رهبری مردی به نام صالح (یخرج الیهم فتیان من محالهم...). [۳۴]

۷. جنبش مردی از اولاد امام حسین علیه السلام از مشرق (یخرج رجل من ولدالحسین). [۳۵]

۸. حرکت شعیب بن صالح از سمرقند (یکون خروج شعیب بن صالح من سمرقند) [۳۶] و....

با بررسی وضعیت این گروه‌های انقلابی - که شاید بعضی از آنها اشاره به یک شخص یا گروه باشد - روشن می‌شود که طیف‌ها و دسته‌های مختلفی از مناطق جهان به یاری قیام حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابند.

## **دوم. سازماندهی**

انقلاب مهدوی تجلی ویژه درگیری عظیم سیاسی با قدرت‌های جور و فساد است و میزان موفقیت آن، بستگی به عوامل متعددی دارد که یکی از آنها میزان سطح سازماندهی انقلابیون است؛ یعنی، هر اندازه، ساختار وحدت بخشی بر گروه‌های انقلابی عصر ظهور حاکم باشد و آنها هویت مشترک و انسجام درونی بالایی داشته باشند، درصد پیروزی و موفقیتشان بیشتر است. سازماندهی در انقلاب جهانی مهدوی در دو بعد مهم صورت می‌گیرد.

## **الف. هویت مشترک**

نیروهای انقلابی - به خصوص رهبران قیام و یاران نزدیک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - دارای هویت و ماهیت مشترکی بوده و از همسانی و یگانگی ویژه‌ای برخوردارند؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند (و قلوبهم

مجتمعها). [۳۷] در روایتی آمده است: «گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیر خواهی به یکدیگر آکنده است (قلوبهم مجتمعاً)» [۳۸].

این مشترکات را می‌توان در مؤلفه‌های زیر تبیین نمود:

۱. هویت ایمانی؛ یاران مهدی علیه السلام، از نظر اعتقادی یکتاپرست و موحد بوده و معرفت عمیق و باور ژرفی نسبت به خداوند متعال دارند (رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان). [۳۹] آنان به وحدانیت خداوند - آن چنان که حق وحدانیت او است - اعتقاد دارند (فهم الذین وحدوا الله حق توحیده) [۴۰] و در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش‌اند (مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ). [۴۱] غبار تردید در ذات مقدس خداوند، خاطرشان را نمی‌آلاید (لایشوبها شك فی ذات الله). [۴۲]

۲. هویت فکری؛ انقلابیون عصر ظهور انسان‌هایی خردمند، بصیر، خوش فکر و آگاه هستند که با درایت و هوشیاری، راه خود را انتخاب کرده و به یاری دین حق و نهضت حق طلبان می‌شتابند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند، آشکار کردند. طاعت پروردگار شان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند» [۴۳] و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویی دل‌های آنان، مشعل نورانی [حکمت] است (فان قلوبهم القنادیل)». [۴۴] از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «... دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آنها می‌نوشانند، بعد از اینکه در بامداد هم نوشیده باشند». [۴۵]

۳. هویت اخلاقی؛ یاران انقلاب جهانی مهدوی، انسان‌هایی وارسته، صالح و نیک اخلاق هستند و از پلیدی‌ها و کثری‌ها به دور می‌باشند. آنان شایستگان و شاهدگانی‌اند که در قرآن و زبور مژده وراثت بر روی زمین به آنان داده شده است: " وَكَأَنَّا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ". [۴۶] امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «منظور از اینکه زمین را بندگان

صالح خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند» [۴۷] و نیز فرمود: «گویا من نظر می‌کنم به قائم و اصحاب او در نجف کوفه؛ سجده‌ها به پیشانی‌های آنها اثر گذشته است. آنان شیران در روز و راهبان در شب اند» [۴۸] امام حسن عسکری علیه السلام درباره نیروهای انقلابی و یاری دهنده فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان فرمود: «روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه، به اهتزاز در آمده، دست‌ها برای بیعت تو، پی در پی صف کشیده‌اند. دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های دُرّ گران بها در رشته‌ای قرار گیرند؛ شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دست‌هایشان برای بیعت با تو، در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد. قومی به آستانه‌ای گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گران بها آفریده است. دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمان‌های دینی فروتنند و دل‌هایشان از کینه و دشمنی پیراسته، رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته. آیین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کنند» [۴۹]

۴. هویت سیاسی؛ نیروهای انقلابی در عصر ظهور، حق‌گرا، ظلم‌ستیز و باطل‌گریز هستند که علیه ظلم و ستم فراگیر قیام کرده و نهضت عدالت خواه و حق طلب خود را تحت رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌دهند. آنان حزب الله و گروه حقی هستند که مصاف نهایی علیه باطل را رقم خواهند زد. امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «خداوند به وسیله آنان امام حق را یاری می‌دهد» [۵۰] در روایتی آمده است: «خداوند حق را به دست آنان، ظاهر می‌کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می‌سازد» [۵۱] حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «بعد از او (امام حسن عسکری) فرزندش مهدی، قائم و حجت خوانده می‌شود و غایب خواهد شد تا زمانی که بیرون آید و ظهور کند. پس زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ آن طور که از جور و ستم پر شده باشد. خوشا به حال صبرکنندگان و برد باران غیبت او و خوشا به حال کسانی که ایشان را دوست می‌دارند. خداوند در وصف آنان فرمود: " اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون "؛ «آنان حزب الله‌اند، بدانید حزب الله پیروز است» [۵۲]

۵. هویت اجتماعی؛ عموم انقلابیون در عصر ظهور از طبقات مستضعف، محروم از قدرت، ستمدیده و رنج‌دیده جوامع بشری هستند که قرآن وعده پیروزی و حاکمیت بر روی زمین را به آنان داده است: " وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ". [۵۳] امام علی علیه السلام فرمود: «مستضعفان زمین که در قرآن از آنان یاد شده و خداوند آنها را پیشوا قرار می‌دهد، ما اهل بیت هستیم. خداوند مهدی ما را بر خواهد انگيخت. پس آنان را عزت و دشمنانشان را ذلت خواهد داد». [۵۴] با بررسی این روایات و سایر احادیث، روشن می‌گردد که بین یاران حضرت مهدی، وجوه اشتراک فراوانی وجود دارد و آنان امت واحده و جمع متشکلی به وجود می‌آورند و یکدل و متحد عمل می‌کنند.

### ب. ساختار وحدت بخش

مرحله دوم ساماندهی نیروهای انقلابی، ایجاد ساختار وحدت بخش در مهندسی قیام و جمع‌آوری نیروها است. در گام اول گزینش کاملی از آنان - به خصوص اصحاب خاص - صورت می‌گیرد. همه انبیا و مصلحان الهی، هسته‌های اصلی نهضت خویش را با آزمایش برگزیده‌اند؛ چرا که راه دشوار است و آمیخته با رنج‌ها و بدون داشتن یارانی آبدیده، سرد و گرم چشیده، فداکار و باوفا، نمی‌توان خطر کرد. طالوت - که در روایات یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند - در نبرد با جالوت، لشکریانش را با تشنگی آزمود. تن پروران و نا شکیبایان نظم را بر هم زدند و حریصانه به آب افتادند؛ ولی صبور مردان از آن آب لب‌تر نکردند و بدین وسیله گروه مؤمن و بصیرشناسایی شدند. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای رسیدن به درجه شایستگی همراهی، از غربال‌های گوناگون، گذر داده می‌شوند و پس از پیمودن مراحل دشوار به قله رفیع «نصرت» بالا می‌روند. [۵۵] به میزان درجات ایمان و گذر از آزمون‌ها - که در روایات به آنها اشاره شده [۵۶] - منتظران متمایز می‌شوند و به میزان مایه‌های ایمان، در یاری امام، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند. به فرموده امام صادق علیه السلام: «در وقت ظهور، برخی یاران شب در بستر ناپدید می‌شوند و فردای آن در مکه‌اند و گروهی روز در آسمان ره می‌سپزند. گفتم: فدایت شوم، کدام یک ایمانشان بیشتر است؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می‌کند». [۵۷]



امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد قیام می‌کند، دوستانش را به کمک قدرت تشخیصی که دارد، از دشمنانش می‌شناسد». [۵۸] آنان در قالب گروه‌ها و دسته‌های مبارزی در می‌آیند که اطاعت و فرمانبری کامل از رهبر انقلاب دارند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اطاعت آنان از امام، بیشتر از فرمانبری کنیز در برابر مولایش است». [۵۹]

گویا این گروه‌بندی، در دو طیف مصاف، محقق می‌شود و هر کدام در ساختاری معین و متحد قرار گرفته و آماده نزاع می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دنیا به آخر نمی‌رسد تا وقتی که ندا کننده‌ای از آسمان بانگ می‌زند که ای اهل حق! یک جا جمع شوید، پس همه آنها در یک سرزمین جمع می‌شوند (یا اهل الحق اجتمعوا فیصیرون فی صعيد واحد). بعد از آن دفعه دیگر ندا می‌کنند: ای اهل باطل! یک جا جمع شوید، پس اینان نیز در یک سرزمین جمع می‌شوند (یا اهل الباطل اجتمعوا فیصیرون فی صعيد واحد)». [۶۰] امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می‌آورد». [۶۱]

از آنجایی که امام خود در رأس نهضت قرار دارد و هدایت و فرماندهی آن را به دست می‌گیرد، سازماندهی دقیق و فراگیری از گروه‌های مبارز، صورت گرفته و نظم و انضباط خاصی حاکم می‌شود. حضرت علی علیه السلام در روایتی به تعداد یاران و اصحاب خاص اشاره کرده و ایشان را امیر و رهبر آنان دانسته است: «اما و الله! انی لأعرف امیرهم و اسمهم...»؛ [۶۲] «به خدا سوگند! من امیر آنان را می‌شناسم و اسمش را می‌دانم». نیروهای متحدالشکل و نظام‌مند امام علیه السلام، منظم‌ترین نیروهای انقلابی جهان هستند. حضرت علی علیه السلام آنان را این گونه می‌ستاید: «گویا آنان را می‌نگرم؛ زی و هیأتی یکسان، قدو قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباس‌اند (کانی انظر الیهم و الزی واحد و...)». [۶۳] آنان در آغاز و انجام کارها سازماندهی دارند و در بیعت با امام و دعوت به قیام و جهاد با دشمنان هماهنگ عمل می‌کنند. دوستانی با صفایند و کارها را ماهرانه به نظم و ردیف در آورده و پیشاپیش، مقدمات حرکت را

برای امام فراهم می‌کنند. نظم و ترتیب کارهای آنان، همچون دانه‌های در گران بهایی است که در رشته قرار می‌گیرند.... [۶۴]

### سوّم. بسیج نیروهای انقلابی

وضعیت انقلابی زمانی به وجود می‌آید که کنش جمعی (وحدت و انسجام) بیشتر باشد؛ یعنی، بسیج منابع، به شکل گسترده و فراگیر اتفاق افتد. هر چه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه قدرت و توانایی آن بالامی‌رود و نتایج بهتری به دست می‌آورد. از طرفی هر قدر بسیج گسترده‌تر و بیشتر باشد، منابعی که هزینه می‌کند، کمتر می‌گردد. پیش‌تر گذشت که انقلاب جهانی مهدوی، با ظهور گروه‌های انقلابی و سازماندهی آنها (هویت مشترک و ساختار وحدت بخش) آغاز می‌شود.

بر اساس روایات، قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ۳۱۳ تن یار خاص شروع می‌شود؛ لکن فعالیت و تلاش برای گسترش انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملت‌های در بند، پس از گرد آمدن ده هزار تن آغاز می‌گردد. شکی نیست که به تدریج بر تعداد این گروه افزوده شده و مبارزان و گروه‌های انقلابی دیگر وارد صحنه قیام می‌شوند. البته قبل از ظهور آن حضرت نیز نهضت‌های آزادی بخشی در اقصی نقاط جهان (به خصوص ایران و یمن) به وجود آمده و زمینه را برای آغاز انقلاب فراهم می‌سازند. نکته قابل توجه اینکه گروه‌ها و اقشار مختلف مردم - حتی فرشتگان - جزء حامیان این نهضت بوده و با آن همراه و هماهنگ خواهند بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شیعیان و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سراسر زمین به سوی وی حرکت می‌کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می‌شود و باطنی الارض به امام می‌رسند و با او بیعت می‌کنند». [۶۵] امیرمومنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور می‌کند، نام او بر سر زبان‌ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه‌ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می‌کنند». [۶۶] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مهدی از امت من، ظهور می‌کند؛ خداوند او را به عنوان فریادرس انسان‌ها می‌فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر

خواهند برد». [۶۷] عموم مردم جهان، نه تنها از ظلم‌ها و جنگ‌ها و فسادها دلزده و رنجیده اند؛ بلکه واقعاً خواهان عدالت و منجی عادل و عدل‌گستر هستند و به همین جهت از این انقلاب پشتیبانی خواهند نمود.

گروه‌های خاص انقلابی، در روایات به شرح زیر معرفی شده اند:

#### ۱. هسته مرکزی انقلاب

وقتی نهضت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه آغاز می‌شود، مورد پشتیبانی و حمایت ۳۱۳ تن از انسان‌های صالح، وارسته، شجاع و برگزیده قرار می‌گیرد. آنان ضمن شناخت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با او بیعت می‌کنند و اطاعت و فرمان‌بری کامل خود را اعلام می‌دارند. پس از آن هدایت و کنترل اوضاع را در مکه به دست گرفته و عهده دار مسؤولیت‌های مختلف (نظامی، امنیتی، فرهنگی و...) می‌شوند. آنان پرچمداران نهضت و فرماندهان نظامی هستند که پس از پیروزی قیام و تسلط بر جهان، حکومت مناطق و کشورهای مختلف را در دست می‌گیرند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویا قائم را بر فراز منبری در کوفه می‌بینم و پیرامون او، یارانش قرار دارند که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر می‌باشند. آنان پرچمداران قیام (اصحاب الاولویه) و حاکمان زمین از سوی خداوند در بین بندگان او هستند».

[۶۸] این ۳۱۳ تن از اطراف جهان و دورترین نقطه‌ها جمع شده و به قائم علیه السلام می‌پیوندند؛ چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده است: «خداوند [برای قائم] از دورترین شهرها (من اقصی البلاد) به تعداد مجاهدان بدر، ۳۱۳ تن مرد را جمع می‌کند». [۶۹] آن حضرت همچنین می‌فرماید: «هسته مرکزی یاران قائم، ۳۱۳ تن هستند؛ برخی از آنان در روز روشن با نام و نشان و حسب و نسب شناخته شده و به طور آشکار به وسیله ابرها به سوی آن حضرت می‌شتابند و برخی همان گونه که شبانگاه بر بستر خویش خفته‌اند، بدون وعده و آگاهی پیشین [در مکه] به خدمت سالار خویش مفتخر می‌گردند». [۷۰]

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «یاران مهدی از کران تا کران گیتی به سوی او می‌شتابند و زمین زیر پای آنان بسان طوماری، در هم پیچیده می‌شود تا هر چه سریع‌تر به مکه برسند و با آن گرامی بیعت کنند»؛ [۷۱] یعنی، همه چیز دست به دست هم می‌دهند که آنان هر چه زودتر به امام برسند و اطاعت و فرمان‌بری خود را اعلام کنند. هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم علیه السلام بیعت می‌کنند، همین ۳۱۳ تن هستند. این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی بیان کرده است. [۷۲] پس از این بیعت است که قیام شروع می‌شود و یاران حضرت به ده هزار تن می‌رسند. اینان افرادی نیرومند و رشیدند که تحت لوای امام و فرماندهی ۳۱۳ تن مکه را فتح می‌کنند و به طرف مدینه و سپس کوفه حرکت می‌نمایند. [۷۳]

۲. بسیج نیروهای رزمی (منابع)

۱-۲. نیروی انقلابی ده هزار نفری

پس از حضور ۳۱۳ تن از یاران خاص در رأس قیام مهدوی، ده هزار نیروی سازمان دهی شده، به آنان می‌پیوندند و نهضت را آغاز می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فاذا اجتمع الیه العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج...»؛ «آن گاه که ده هزار نفر نزد او گرد آیند [از محل اولیه قیام، به سوی دیگر مناطق] حرکت خواهد کرد». [۷۴] امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم در میان کمتر از فئه (گروه) خروج نخواهد کرد و فئه از ده هزار کمتر نیست». [۷۵] ابوبصیر نیز می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می‌کنند؟ مردم می‌گویند با او ۳۱۳ تن به تعداد مجاهدان بدر خروج می‌کنند؟ فرمود: به جز [اینها] در بین عده‌ای اولوالقوه (نیرومند)، خروج می‌کند و اینها کمتر از ده هزار نفر نیستند». [۷۶] بر اساس روایتی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری از مکه حرکت می‌کند و در دل دشمنان ترس و وحشت می‌اندازد...». [۷۷]

۲-۲. هفتاد هزار صدیق و ۳۶ هزار محافظ

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم ظهور می کند و به کوفه وارد می شود، خداوند از ورای کوفه، هفتاد هزار صدیق را بر می انگیزد که یارو یاورش باشند». [۷۸] علاوه بر این در روایتی آمده است «تعداد محافظان وی ۳۶ هزار نفراند و بر سر هر یک از بزرگ راه‌های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می شوند». [۷۹]

## ۲-۳. تمامی شیعیان

طبرسی صاحب مجمع البیان ذیل آیه **G** اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعاً **F** می نویسد: «در اخبار اهل بیت علیه السلام نقل شده که مقصود اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان است» و امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد». [۸۰]

## ۲-۴. سایر گروه‌ها

نیروهای انقلابی، منحصر در این تعداد نیست؛ چنان که حر عاملی می گوید: «در روایت است که تعداد یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صد هزار نفر است». [۸۱] حتی بر اساس روایتی عده‌ای از پیروان ادیان دیگر و صالحانی که از دنیا رفته‌اند (و رجعت کرده‌اند)، به انقلاب جهانی مهدوی می پیوندند. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارت‌اند از: ۲۷ نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت می کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر» [۸۲] و....

در کنار این گروه‌های انقلابی، زنان مبارز و مجاهد نیز حضور داشته و با تمام توان به یاری نهضت خواهند شتافت. نخستین گروه از زنانی که جزء یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرند، کسانی‌اند که در زمان او زندگی کرده و همانند دیگر اصحاب به هنگام ظهور در مکه به انقلابیون می پیوندند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «و یجیء و الله ثلاثمائة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمکة...» [۸۳]؛ «به خدا سوگند! ۳۱۳ تن می آیند

که پنجاه تن از این عده زن هستند که [بدون هیچ قرار قبلی] در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد...». علاوه بر این عده، سیزده زن نیز از یاران امام عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود. مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم آنان چه می کنند و چه نقشی دارند؟ فرمود: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند؛ همچنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند». [۸۴]

### ۳. نیروها و کنش گران انقلابی

بر اساس روایات چندین جنبش و گروه انقلابی عظیم به یاری نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شتابند و با تمام وجود در پیروزی آن می کوشند. مهم ترین این نهضت ها، جنبش سید خراسانی و سید حسنی از ایران و جنبش یمانی از یمن است. علاوه بر اینها، دسته ها و گروه های مختلفی نیز به قیام حق طلبانه مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند. این گروه ها در روایات، چنین معرفی شده اند: عصبه من المسلمین، رایات سود، رایات من المشرق، ناس من المشرق، فتی التیمی (صاحب الرایه المهدی)، فتیان من محالهم (جوانانی در منطقه خودشان)، اعوان آل محمد، عساکر خراسان، اصحاب السبیل (یاران صاحبان ریش)، قوم خرجوا بالمشرق، رایات هدی (پرچم های هدایت)، انصار المهدی، عصاب، نجباء و... البته برخی از این عناوین، ممکن است مصداق واحدی داشته و مربوط به یک یا چند گروه خاص باشند که به بعضی از آنها اشاره می شود.

### ۳-۱. نهضت مردم مشرق زمین

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «یخرج ناس من المشرق یوطئون للمهدی» [۸۵]؛ «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه سازی می نمایند» و نیز می فرماید: «اهل بیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری ها می شوند و آن گاه خداوند پرچم های سیاهی را از طرف مشرق می فرستد. هر کس آنها را یاری کند، خدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد، خدا را زبون ساخته است. این

پرچم‌ها به اهتزاز در می‌آید تا با مردی که هم نام من است، بیعت نموده و او را به رهبری خود انتخاب کنند و خدایش او را تأیید می‌کند». [۸۶] از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «پرچم‌های بی نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز در می‌آید که از پنبه و کتان و ابریشم نیست. آنها را بر سر نیزه‌ها می‌زنند و نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر آنها نقش می‌شود و آنها را مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم رهبری می‌کند. چون از مشرق حرکت می‌کنند، عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می‌رسد». [۸۷]

با بررسی احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور روشن می‌شود که به احتمال زیاد منظور از مشرق، ایران است که نهضت‌های مردمی برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنجا شروع می‌شود که در سطور بعدی به آن پرداخته می‌شود.

### ۲-۳. نهضت بزرگ ایرانیان

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه - که از خراسان قیام کرده‌اند - در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که مهدی علیه السلام در شهر مکه ظهور می‌کند، با او بیعت می‌کنند» [۸۸]. در روایتی از آن حضرت آمده است: «گویی گروهی را با چشم خود می‌بینم که از خاور زمین خروج کرده‌اند، حق را مطالبه می‌کنند و به آنان داده نمی‌شود. آن گاه شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند. پس آن را نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و پرچم‌های خود را به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌سپارند». [۸۹] روایات، بیانگر آن است که سید خراسانی هم زمان با خروج سفیانی در ایران قیام می‌کند و زمانی که سپاه سفیانی مشغول کشتار مردم عراق هستند، با سپاهی بزرگ از ایران برای نجات مردم و به خصوص شیعیان و مهیا سازی کوفه برای ورود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهسپار عراق می‌گردد. فرماندهی نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است که از مردان شجاع نامی است. سفیانی که از حرکت سپاه خراسانی با خبر می‌شود سپاهی را برای مقابله با او می‌فرستد که در طرف جنوب ایران در

منطقه‌ای به نام استخر به هم می‌رسند و نبرد شدیدی در می‌گیرد. بر اثر شجاعت و فداکاری سپاه ایران، سپاه سفیانی شکست می‌خورد و عقب نشینی می‌کند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می‌فرماید: «سفیانی، لشکری را به سوی کوفه می‌فرستد که هفتاد هزار نفرند؛ آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می‌پردازند. در چنین شرایطی پرچم‌هایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی (بقيادة الخراسانی)، نمایان می‌شوند که منزلگاه‌ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می‌گذارند و در میان آنها، عده‌ای از اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند». [۹۰] و «... وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می‌کند، آنها را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان (ایرانیان) می‌فرستد که آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج شده‌اند. سفیانی و سید خراسانی [حامل پرچم‌های سیاه] به هم می‌رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب بن صالح است. میان او و سفیانی در استخر، جنگ خانمان برانداز شدیدی صورت می‌گیرد که پرچم‌های سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می‌شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی را می‌کنند و او را می‌جویند. او هم در مکه قیام می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و آن هم در زمانی است که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه‌ها مأیوس شده‌اند». [۹۱]

۳-۳. نهضت‌رهایی بخش از یمن

یکی از قیام‌های مردمی پیش از انقلاب جهانی مهدوی، خروج سرداری از یمن است که مردم را به راه حق و عدل دعوت می‌کند؛ نام او یمانی است. قیام وی یکی از عوامل زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این نهضت، هدایت‌بخش‌ترین حرکت پیش از ظهور است و بر افراشته شدن پرچم آن، نوید دهنده مؤمنان منتظر است و در روایات یاری رساندن به آنان توصیه شده است. در این رابطه امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز



خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، دعوت به حق و هدایت نمی کند؛ چرا که شما را به [تبعیت از] امامتان دعوت می کند. پس از قیام یمانی، خرید و فروش اسلحه، برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می شود و هرگاه [یمانی]، قیام کرد، به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هرکس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم، دعوت می کند.» [۹۲] خاستگاه خروج یمانی، سرزمین یمن است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می کند.» [۹۳] یمانی پس از خروج برای نبرد با سفیانی به سوی شام می رود و در مدخل شام، با سپاه خراسانی ملاقات می کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و برای یاری یمانی بیرون آمده است. [۹۴] روایات می گویند: یمانی در پی نبرد سفیانی با وی، وارد عراق می شود. او بامدد از نیروی خراسانی، وارد صحنه کارزار می شود. در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی و مدنی خلاصه می شود که میدان این جنگ، شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و سپاه، در برابر یکدیگر به مبارزه مشغولند: یاوران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان قیام ایشان، ۲. حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او (رومیان و یهودیان).... [۹۵]

این حادثه درست قبل از زمان ظهور حجت علیه السلام است؛ چنان که کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «اقبل الیمانی و تحرک الحسنی و خرج صاحب هذا الامر؛» «یمانی پیش می تازد، حسنی به جنبش درآید و صاحب این امر خروج می کند.» [۹۶]

#### ۴. گروه‌های خاص

در روایات به نام بعضی از گروه‌ها و دسته‌ها اشاره شده که هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا پس از آن، از مناطق و شهرهای مختلف ظاهر شده و به یاری حضرت می‌شتابند. اینان جوانمردان، پاک‌دلان، نیکو خصالان و شجاعانی هستند که با حضور خود در جمع انقلابیون، کمک‌های شایانی در جهت پیروزی نهضت ارائه خواهند داد. احتمالاً

آنان به فعالیت‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی می‌پردازند که در اینجا به اسامی آنها اشاره می‌شود:

#### ۴-۱. اخیار

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سیصد و اندی در میان رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند... «اخیار» از عراق در میان آنها هستند. بر پا می‌دارند آنچه را که خداوند می‌خواهد بر پا داشته شود». [۹۷] اخیار به معنای نیکان و صالحان است که از یاران نزدیک امام علیه السلام بوده و در روی زمین به گردش پرداخته و به امور مردم رسیدگی خواهند کرد.

#### ۴-۲. رفقا و ابدال

در روایتی آمده است «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام می‌کند، خداوند اهل شرق و غرب را برای او جمع می‌کند، آنان مانند ابر متراکم پاییزی گرد می‌آیند؛ پس رفقا از کوفه و ابدال از شام هستند». [۹۸]

«ابدال» جمعی از صالحان هستند که در هنگام ظهور، خود را از شام به مکه می‌رسانند و با آن حضرت بیعت می‌کنند. اینان مردانی صالح، مخلص و کامل می‌باشند که احتمالاً امور فرهنگی را در دست بگیرند. «رفقا» نیز از کوفه می‌آیند و بین آنها دوستی و صمیمیت زیادی وجود دارد.

#### ۴-۳. نجبا

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سیصد و اندی به تعداد اهل بدر در میان رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند: نجبا از مصر هستند...». [۹۹] نجبا از سرزمین مصر می‌آیند و افرادی پاک سرشت، خوش نفس و جوانمردند.

#### ۴-۴. عصاب

بر اساس روایتی: «عصائب از عراق خروج می‌کنند که راهبان شب و شیران روز هستند».

[۱۰۰] عصائب به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است و این ویژگی بارز یاران مهدی علیه السلام می‌باشد. [۱۰۱]

#### چهارم. شکل‌گیری وضعیت انقلابی

وقتی که بسیج عمومی از نیروهای انقلابی صورت گرفته و آنان با سازماندهی مناسب و کار تشکیلاتی، در وضعیت انقلابی قرار گرفتند؛ جرقه‌های قیام جهانی زده می‌شود. ابتدا باید دانست که بسیج به سه شکل صورت می‌گیرد: بسیج تدافعی، بسیج تهاجمی و بسیج تدارکی و این هر سه در مورد انقلاب جهانی مهدوی رخ می‌دهد. قیام و انقلاب ابتدا حالت تهاجمی و جنگی ندارد، بلکه نهضت مقدسی برای رهایی انسان‌ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشری و سوق دادن آنان به کمال نهایی و سعادت سرمدی است. پیام واضح و آشکار این انقلاب «معنویت، عدالت و عقلانیت» است که همگان به آن دعوت می‌شوند. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریف "اَمَّنْ يَجِيبُ الْمَضْطَرَّ اِذَا دَعَا" نقل می‌کند که فرمود: «... این آیه در مورد قائم است، آن گاه که خروج می‌کند، عمامه به سر می‌بندد. پس نزد مقام ابراهیم نماز می‌گزارد و به پیشگاه پروردگارش زاری می‌کند؛ آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از سلطه و غلبه او خارج نخواهد شد». [۱۰۲]

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده‌اند، به سمت مکه خروج می‌کند... [آنجا] قیام کرده، می‌گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هستم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فراخوانده است». [۱۰۳] از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می‌آید و مردم را به حق فرا می‌خواند». [۱۰۴] گروه‌های حاکم در اقصی نقاط عالم - به خصوص حجاز و خاورمیانه - به این دعوت پاسخ منفی می‌دهند و درصدد سرکوبی این نهضت بر می‌آیند. آنان حاکمان ستمگر و مفسدی هستند که منافع نامشروع خود را در خطر می‌بینند و پیام‌های هدایت‌گونه و اصلاح‌گرایانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آنان تأثیری

نمی‌گذارد. صاحبان زرو زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می‌کنند و خواهان نابودی آن هستند. در اینجا بسیج حالت تدافعی دارد؛ اما در یک کنش جمعی فعال و پویا و اتحاد و انسجام بی‌نظیر، بسیج شکل تهاجمی به خود می‌گیرد و تومار نظام‌های طاغوتی و فسادگر برچیده می‌شود. وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می‌کند، مردم رنج‌دیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می‌زنند و با او بیعت می‌کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح‌گر جهان برایش مجهز می‌شود. در روایتی آمده است: «[یاران قائم] شرق و غرب جهان را می‌گیرند و تمامی موجودات جهان را مسخر می‌کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره‌های آهن سخت‌تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می‌کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی‌کشند». [۱۰۵]

در آن هنگام زمامداران خودسر و ستمگران بی‌وجدان ندای مخالفت خود را اعلام می‌دارند و از مناطق مختلف و گروه‌های اهریمنی یاری می‌طلبند و از سفیانی گرفته تا یهودیان و غربیان و از قبایل عربی گرفته تا ارتش روم و روسیه، با حق‌طلبان و عدالت‌خواهان ستیزه‌جویی می‌کنند. اما آنان با هم متحد شده و به دشمنان حق و عدالت هجوم می‌برند و با تأییدات الهی ستمکاران را ریشه کن ساخته، از بین می‌برند.

### **انقلاب و مصاف حق‌طلبان با باطل‌گرایان**

بسیج نیروها (گروه‌های ائتلافی و چالشگر) تحت رهبری امام مهدی علیه السلام، به شکل‌گیری دعاوی و آرمان‌هایی منجر می‌شود که با جامعه سیاسی مستقر سازگاری ندارد. این دعاوی و خواست‌ها بیشتر از آنکه مادی باشد، جنبه ارزشی و هنجاری دارد؛ مانند حق‌گرایی، معنویت‌گرایی، عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی و... این، آغاز ظهور وضعیت انقلابی است. قدرت این دعاوی (معنویت، عدالت، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی و...) که با اهداف بسیج هم‌خوان بوده، سطح تعهد عمومی را به شدت افزایش می‌دهد. طبقه متوسط و پایین جامعه، در این نقطه به بسیج مردم می‌پیوندند و یک ائتلاف مردمی فراگیر و جهانی چند طبقه‌ای را به وجود می‌آورند. شدت و

گسترده‌گی بسیج مردم در این زمان، همراه با ترکیب نیروهای مسلح، باعث ناتوانی دستگاه سرکوب دولت‌های جائز شده و به برقراری حاکمیت دوگانه منتهی می‌گردد. در نهایت مصاف نهایی بین دو گروه عمده در جهان (حق و باطل)، منجر به ایجاد آخرین مرحله بسیج انقلابی و قبضه قدرت دولت (حکومت جهانی) می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اهل سیزده شهر و طائفه با امام قائم نبرد می‌کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میسان، کردها، عرب‌ها، ضبه، غنی، باهله، ازد، بصره و اهل ری». [۱۰۶] امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها می‌فرماید: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌نماید...». [۱۰۷] «کفار، بر شهرهای پنج گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلط می‌شوند...». [۱۰۸]

البته پاسخ گویی و واکنش گروه‌های انقلابی در قبال تهدیدها و جنگ طلبی مخالفان، بسیار مؤثر است و در واقع تهدید، به بسیج تدافعی می‌انجامد (تهدید خارجی‌ای که منجر به گردآوری منابع برای نزاع می‌شود). از امام علی علیه السلام نقل شده است: «او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می‌کند، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل دشمنان) راه می‌یابد. هر دشمنی که با وی برخورد کند، به فرمان خدا او را از پای در آورد. شعار آنان «بمیران، بمیران» است. در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک و هراس ندارند. در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آنها هجوم می‌آورند که امام علیه السلام جمله‌گی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش در می‌آورد و محبت و نعمت و «قاصه» و «بزاره» آنها به مسلمانان بازگردد و پس از آنان جز خروج دجال، حادثه‌ای باقی نمی‌ماند. پرسیدیم: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان، حکومت را به دست می‌گیرد، به گونه‌ای که کسی هر چه خواهد، بگوید و از هر چیزی نهراسد». [۱۰۹] شعرانی می‌گوید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مغرب زمین می‌رسد، بخشی از مردم به سوی او رفته، می‌گویند: ای ولی الله و حجت

خدا! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده اند». [۱۱۰] امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در آن روز هر کسی از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد، به مکه می‌گریزد تا در آنجا به صاحب این امر ملحق گردد و صاحب این امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل می‌دارد تا مردم آن سامان در امنیت به سر برند و مردم دوباره به مدینه برگردند». [۱۱۱]

### رهبری بی بدیل در انقلاب بی نظیر

در شکل‌گیری وحدت گروه‌های مبارزه و پذیرش آن از سوی بخش چشمگیری از جمعیت جهان، عوامل مختلفی نقش دارد که مهم‌ترین آن، مدیریت واحد و رهبری بی‌بدیل قیام است. همه نیروهای انقلابی و جهادگر، تحت فرماندهی و رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اطاعت و فرمان‌بری کامل او قرار دارند و از مناطق مختلف جهان به صفوف مبارزان و یاران حضرت می‌پیوندند. رمز این کنش جمعی (وحدت و انسجام) و پیروزی انقلاب جهانی، در راهبری پیامبرگونه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهی صالحان و مستضعفان و نیروهای انقلابی زبده با این نهضت نهفته است. این امر چنان بديهی و روشن است که حتی حضرت عیسی علیه السلام نیز تحت رهبری آن حضرت قرار می‌گیرد: «... امیرشان مهدی علیه السلام است، [به عیسی علیه السلام] می‌فرماید: نزدیک‌ای و باما نماز بگزار! اما عیسی می‌گوید: هان که برخی از شما بر برخی دیگر... فرمان روا و امیر می‌باشید [پس پشت سر امام نماز می‌خواند]». [۱۱۲] در واقع هیچ کدام از این جنبش‌های انقلابی، انفرادی عمل نمی‌کنند؛ بلکه جمع منسجم و متحدی به وجود می‌آورند که در هر جنگی پیروز می‌شوند و در هر کاری موفق می‌گردند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد». [۱۱۳] حضرت باقر علیه السلام

می‌فرماید: «گویا قائم را می‌بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می‌دارد». [۱۱۴] و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می‌فرستد و ستم و ستمگران را نابود می‌کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می‌گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می‌گشاید». [۱۱۵]

عوامل و نشانه‌های دیگر انسجام و وحدت گروهی انقلابیان عبارت است از:

۱. همدلی و همفکری نیروهای انقلابی و هم سو و هم سنخ بودن آنان با اهداف و آرمان‌های قیام؛
۲. بسیج کامل نیروهای انقلابی و قرار گرفتن آنها در صف واحد؛
۳. سازمان یافتگی و برنامه ریزی شده بودن قیام و نظم و ترتیب کامل در پیش بردن امور؛
۴. استفاده بهینه از نیروهای انسانی و امکانات مادی (تسلیحات و تجهیزات کامل نظامی)؛
۵. بهره‌گیری از فرصت‌ها (اصل غافلگیری) و سرعت در فراگیری و گسترش انقلاب؛
۶. شکوه و توان بی‌نظیر نیروهای انقلابی و افتادن رعب و ترس در دل دشمنان در سایه وحدت و کنش جمعی آنان؛
۷. جلوگیری از حضور گروه‌های نفاق و نفوذ آنان در صف انقلابیون.

### **پنجم. نتیجه انقلاب**

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می‌آید (بسیج منابع و کنش جمعی)، دستاوردهای بیشتری به دست می‌آید؛ در نتیجه اهداف به سرعت قابل دسترسی می‌شود. انقلاب، با هدف ایجاد تغییر در جامعه، به وجود می‌آید و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می‌شوند. روشن شد که هر قدر وضعیت انقلابی گسترده‌تر باشد، نتیجه انقلاب (انتقال قدرت) نیز گسترده‌تر خواهد بود. از آنجایی که انقلاب مهدوی، فراگیر و جهان شمول است و بسیج منابع نیز به صورت گسترده از نیروهای انقلابی صورت می‌گیرد، انتقال قدرت نیز فراگیر

بوده و شامل همه نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان می‌شود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین پیروزی، همه حکام جور و ستم را برکنار می‌کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می‌نماید: «... ليعزلنَّ عنكم امراء الجور وليطهرنَّ الارض من كلِّ غاش»؛ [۱۱۶] «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می‌سازد». امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می‌کند، دولت باطل بر چیده می‌شود (اذا قام القائم ذهب دولة الباطل)» [۱۱۷] و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملك الجابرة و الظلمة على يد القائم منّا)». [۱۱۸] به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می‌کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می‌دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می‌دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می‌رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه‌های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه حتمی بودن انتقال قدرت است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم سه پرچم را برای [عملیات در] سه نقطه آماده می‌کند: پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می‌دارد و خداوند آنجا را برای او می‌گشاید. پرچم دیگری را برای چین می‌فرستد و آنجا نیز به دست حضرت گشوده می‌گردد و پرچم سوم را به کوه‌های دیلم می‌فرستد و آنجا نیز به تصرف نیروهایش در می‌آید». [۱۱۹] از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مهدی می‌رود تا در بیت المقدس فرود آید، خزائن را نزد او می‌آورند. عرب و غیر عرب و جنگ‌افروزان و رومیان (غربیان) و دیگران، جملگی به اطاعت وی در می‌آیند». [۱۲۰]

«... سفیانی بیعت خود را از امام علی‌ه السلام باز پس می‌گیرد... آن‌گاه لشگریان خود را برای مبارزه با آن حضرت بسیج می‌کند. امام علی‌ه السلام وی را شکست داده و خداوند رومیان (غربی‌ها) را نیز به دست آن بزرگوار شکست خواهد داد». [۱۲۱] امام باقر علیه السلام می‌فرماید:



«... خداوند به دست او سرزمین‌های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل، شام و خزر را می‌گشاید». [۱۲۲]

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایدار در جهان است. در روایتی درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یتّم النعم» [۱۲۳]؛ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد». بر اساس این روایت کنش جمعی که در طول انقلاب به وجود آمده و باعث پیروزی آن شده است، بعد از انقلاب نیز وجود داشته و همه انسان‌ها از تفرقه، جدایی، اختلاف و چندگانگی به دور خواهند بود. این همدلی و اتحاد کم نظیر در همه امور- حتی در اعتقادات و باورها- نیز به وجود خواهد آمد: «فوالله لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف...» [۱۲۴]، «به خدا قسم! در آن روز اختلافات میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود...» و «لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم»؛ [۱۲۵] «کینه‌ها و دشمنی از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح [با هم] زندگی می‌کنند». در روایت دیگری آمده است: «... خدای بزرگ [به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] حقّ و عدالت را در آبادی‌ها آشکار می‌سازد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد. وحدت کلمه را پدید می‌آورد و بین قلب‌های گوناگون، الفت ایجاد می‌کند (یجمع الله الکلمه و یؤلّف بین قلوب مختلفه)». [۱۲۶]

در نتیجه این اتحاد و انسجام، جنگ و ستیزه جویی‌ها به پایان می‌رسد و همه برادر وار و دوستانه با هم زندگی می‌کنند: «روزها به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از قریش، در بیت المقدس فرود می‌آید... و جنگ‌ها نیز به پایان می‌رسد». [۱۲۷] از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است: «... و جنگ‌ها به پایان می‌رسد و...». [۱۲۸]

### پی‌نوشتها:

- ۱- نظریه مارکس.
- ۲- نظریه عمل‌گرایان.
- ۳- نظریه کورن‌هاوزر.

۴- نظریه پیتیریم سوروکین.

۵- ر. ک: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۶- محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل شناخت انقلاب اسلامی در ایران، ص ۳۳.

۷- تعریف از آنتونی گیدنز.

۸- ر. ک: مصطفی ملکوتیان، نظریه‌های انقلاب، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۹- ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ص ۳۵۸.

۱۰- ر. ک: اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۱۱- ر. ک: الف. تیلی، چارلز، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی رشدی زاده،

ب. نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه دلفروز،

ج. حمیرا مشیر زاده، در آمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی.

۱۲- آل عمران (۳): ۱۰۳.

۱۳- همان: ۱۰۵.

۱۴- انبیاء (۲۱): ۹۲.

۱۵- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳.

۱۶- نهج البلاغه، خطبه ۱، ۱۲.

۱۷- کنز العمال، ح ۱۰۳۱.

۱۸- همان، ح ۲۰۲۴۱.

۱۹- الغیبه نعمانی، ص ۳۰۷.

۲۰- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۶۷.

۲۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۴؛ بشاره الاسلام، ص ۵۹.

۲۲- الغیبه نعمانی، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۲۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲۴- چشم اندازی به حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۶۵.

- ٢٥- منتخب الاثر، ص ٥٧٨، ج. ٢.
- ٢٦- امالى طوسى، ص ٩١.
- ٢٧- يوم الخلاص، ج ٢، ص ١٠٢٦.
- ٢٨- الغيبة نعمانى، ص ١٣٥.
- ٢٩- الزام الناصب، ص ١٨٨.
- ٣٠- بشاره الاسلام، ص ١٠٢.
- ٣١- الملاحم و الفتن، ص ٥٣.
- ٣٢- يوم الخلاص، ج ٢، ص ١٠٣٦.
- ٣٣- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢١٣.
- ٣٤- الملاحم و الفتن، ص ١١٢.
- ٣٥- بشاره الاسلام، ص ٥ و ١٣.
- ٣٦- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢١٣.
- ٣٧- يوم الخلاص، ص ٢٢٤.
- ٣٨- الزام الناصب، ص ٢٣٠.
- ٣٩- بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٧؛ منتخب الاثر، ص ٦١١.
- ٤٠- بشاره الاسلام، ص ٢٢٠.
- ٤١- همان، ص ٩.
- ٤٢- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٨.
- ٤٣- نهج البلاغه، خطبه، ١٥.
- ٤٤- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٨.
- ٤٥- همان، ص ٣٣٧، ج ٦٤.
- ٤٦- انبياء (٢): ١٠٥.
- ٤٧- تفسير قمى، ج ٢، ص ٧٧.

- ٤٨-بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٦.
- ٤٩- همان، ص ٣٥.
- ٥٠- همان، ص ٣٠٨.
- ٥١- امالی طوسی، ص ٣٥٢، ج ٧٢٦.
- ٥٢- ینایع، ص ٦٤٢.
- ٥٣- قصص، (٢٨): ٥.
- ٥٤- بحار الانوار، ج ٥١، ص ٦٣.
- ٥٥- ر. ك: چشم به راه مهدی، ص ٣٦٩ و ٣٧٠.
- ٥٦- ر. ك: كمال الدین، ص ٣٥٦.
- ٥٧- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٦.
- ٥٨- همان، ج ٥١، ص ٤٩٣.
- ٥٩- همان، ج ٥١، ص ٣٠٨.
- ٦٠- الغیبه نعمانی، ص ٣٢٠، ج ٩.
- ٦١- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٥٢٤.
- ٦٢- الغیبه نعمانی، ص ٣١٢، ج ٢.
- ٦٣- الملاحم و الفتن، ص ١٤٨.
- ٦٤- ر. ك: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤.
- ٦٥- عقد الدرر، ص ٦٥.
- ٦٦- احقاق الحق، ج ١٣، ص ٣٢٤.
- ٦٧- عقد الدرر، ص ١٦٧.
- ٦٨- كمال الدین، ج ٢، ص ٦٧٢؛ اثبات الهداء، ج ٣، ص ٤٩٤، ج ٢٤٧.
- ٦٩- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٠.
- ٧٠- الغیبه نعمانی، ص ٣١٢، باب ٢، ج ٨؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٩.

٧١- الفصول المهمة، بخش ١٢؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٤.

٧٢- ر. ك: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٧.

٧٣- ر. ك: حضرت مهدي فروغ تابان ولايت، ص ١٧٤.

٧٤- كمال الدين، ج ١، ص ٣٣١.

٧٥- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٤٥٦، ح ٥٤٩.

٧٦- همان، ص ٢٩، ص ٢٣٤.

٧٧- معجم احاديث الامام مهدي ٤، ج ١، ص ٤٠٨.

٧٨- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٥٨٤، ح ٧٨٨.

٧٩- عقد الدرر، ص ١٤٣.

٨٠- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٥٢٤، ح ٤١٥.

٨١- همان، ج ٣، ص ٥٧٨؛ بشارة الاسلام، ص ١٩٠.

٨٢- روضة الواعظين، ج ٢، ص ٢٦٦.

٨٣- الغيبة نعماني، ص ٢٧٩؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٣٣.

٨٤- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٥٧٥؛ دلائل الامامه، ص ٣٥٩.

٨٥- كشف الغممة، ج ٣، ص ٢٦٧؛ منتخب الاثر، ص ٣٠٤.

٨٦- يوم الخلاص، ج ٢، ص ١٠٣٧.

٨٧- الزام الناصب، ص ٢٥٨؛ يوم الخلاص، ج ٢، ص ١٠٤٥.

٨٨- عقد الدرر، ص ١٢٩؛ الحاوي للفتاوى، ج ٢، ص ٦٩.

٨٩- الزام الناصب، ص ١٨٨؛ يوم الخلاص، ج ٢، ص ١٠٦٥.

٩٠- الغيبة نعماني، ص ١٨٧.

٩١- بشارة الاسلام، ص ١٧٤. و نيز ر. ك: عقد الدرر، ص ١٢٦؛ فتن ابن حماد، ص ٨٤.

٩٢- الغيبة نعماني، ص ١٧١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٣٢.

٩٣- بشارة الاسلام، ص ١٠٠.

- ۹۴- ر. ك: همان، ص ۱۲۱.
- ۹۵- ر. ك: نشانه‌های ظهور (پیرامون علائم حتمیه ظهور حضرت حجت)، ص ۱۲۹؛ شش ماه پابانی، ص ۹۰.
- ۹۶- کافی، ج ۸ و ص ۱۸۹، ح ۲۸۵.
- ۹۷- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.
- ۹۸- منتخب الاثر، ص ۵۹۷، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.
- ۹۹- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.
- ۱۰۰- مفید، اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.
- ۱۰۱- ر. ك: رحیم کارگر، آینه جهان، ص ۲۸۰-۲۷۸.
- ۱۰۲- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۴، ح ۶۴۴.
- ۱۰۳- همان، ص ۵۸۲، ح ۷۷۱.
- ۱۰۴- همان، ص ۵۸۳، ح ۷۷۹.
- ۱۰۵- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.
- ۱۰۶- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۴، ح ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.
- ۱۰۷- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۹.
- [۱۰۸]. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۷۴.
- ۱۰۹- نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص ۳۳۶).
- ۱۱۰- احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۶۰.
- ۱۱۱- کافی، ج ۸، ص ۲۲۴.
- ۱۱۲- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۹۷؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۵.
- ۱۱۳- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.
- ۱۱۴- ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
- ۱۱۵- ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴.
- ۱۱۶- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

١١٧- منتخب الاثر، ص ٥٨٧، ح ٤٠٣.

١١٨- كمال الدين، ج ٢، ص ٣٥٤، ح ٥١.

١١٩- اثبات الهداء، ج ٣، ص ٥٨٥.

١٢٠- نسخه خطي ابن حماد، ص ٩٦ (به نقل از: عصر ظهور، ص ٣٣٦).

١٢١- همان، ص ٩٧.

١٢٢- الغيبة نعماني، ص ١٠٨؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٨.

١٢٣- يوم الخلاص، ج ٢، ص ٦٦٣.

١٢٤- بحار الانوار، ج ٥٣، ص ٢.

١٢٥- همان، ج ٥٢، ص ٣١٦.

١٢٦- كمال الدين، ج ٢، ص ٦٤٦، ح ٧.

١٢٧- عقد الدرر، ص ١٦٦.

١٢٨- احقاق الحق، ج ١٣، ص ٢٠٤.

## بسیج و چشم انداز پیش رو

هفته بسیج فرصت زرین و مغتنمی است که در کنار تجلیل از جایگاه و منزلت رفیع بسیج و بسیجیان، به ویژه نقش ارزشمند آنان در عرصه دفاع مقدس به بازخوانی دیگر توانمندی های بسیج پردازیم. برخی گمان می کردند بسیج- با توجه به خاستگاه تاریخی اش- مولود اقتضائاتی است که در سال های آغازین جنگ تحمیلی شکل یافته اند و با تکیه بر همین فلسفه وجود، بقاء آن را در شرایط غیرجنگی امری دشوار و چه بسا دور از ذهن می پنداشتند. در حالی که کیفیت بقای بسیج طی سال های پس از دفاع مقدس نه تنها ناظر به نقش دفاعی آن در عرصه پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده، بلکه با تعمیم فعالیت آن به عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سازندگی، ابعاد وسیع تری نیز یافته است. تنومند شدن بدنه بسیج به طور قطع نتیجه تصادف و اتفاق نیست؛ بلکه نتیجه فرایندی است که در بستر زمان و با برخورداری از آگاهی و معرفت به رسالت دینی و انقلابی و عمل به فرامین و رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب روی داده است.

به هر روی «هفته بسیج» تنها ایام بزرگداشت نیست، چرا که ملت مسلمان ما همواره قدردان زحمات، فداکاری ها و رشادت های بسیجیان پاکبخته و دلاور بوده و خواهد بود. صف طولانی شهدای بسیج، هم آنانی که هنوز هم گاه به گاه در شهرهای بزرگ و کوچک بر روی دوش مردم کوچه و بازار تشییع می شوند، گواه خلوص، رادمردی و شرافت آنان است.



اما اینک بسیج چه رسالتی بر دوش دارد؟ چگونه به آن آگاهی می یابد تا بتواند آینده ای بهتر بنا کند؟ دورانی که تغییرات شگرفی در عرصه مناسبات فرهنگی و اجتماعی و دفاعی و نیز در صحنه روابط بین الملل روی داده است. عصری که جهانخواران و مستکبران می کوشند با لطافت الحیل و با اختصاص میلیاردها دلار پول و امکانات مختلف، آینده را به نفع خود سامان دهند. در چنین اوضاع مغشوشی که مناقشه تاریخی حق و باطل صورت پیچیده تری به خود گرفته است، «بسیج» در کجا ایستاده است و چه وظیفه ای به عهده دارد؟ نکته ای بسیار حیاتی است. این «فهم زمان» است که به بسیج کمک خواهد کرد تا خود را بیابد و متناسب با آرمان ها و ارزش های والای اسلامی و انقلابی، آینده را بهتر از پیش بسازد. از چنین منظری است که آینده نگری برای بسیج امری لازم و برای بقای فرهنگ و تفکر بسیجی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

این مقاله می کوشد در کنار بازخوانی کوتاهی از سیر تطور تاریخی علاقه مندی انسان به آینده پژوهی، به ضرورت توجه به آینده بسیج تاکید نموده و علاوه بر آن به طور اجمالی به بیان روش هایی برای به روز آمد کردن کارکردهای بسیج پردازد.

**یکم:** مجهولاتی که در برابر انسان قرار می گیرند، معمولاً دو گونه اند:

مجهولاتی که با جهد عقلی به زمره معلومات ملحق می شوند و دسته دیگر مجهولاتی هستند که عقل آدمی قدرتی برای کشف آن ها ندارد. از خصائص ذاتی انسان یکی آن است که (از طریق به کار بردن عقل) به حل معماها و مجهولات سخت علاقه مند و شایق است. اساساً همین خردگرایی و تمایل به رمزگشایی از رویدادها و حوادث طبیعی و غیرطبیعی است که آدمی را از دیگر جانداران متمایز می سازد. با تکیه بر همین امتیاز است که ارسطو، مصنف علم منطق (Logic) و پیروان او در عالم اسلام نظیر فارابی و ابن سینا، «ناطق» بودن را وجه ممیز انسان می دانند. ناطق بودن به یک معنا ناظر به تمایل آدمی به امر شناخت و تلاش برای نقاب افکندن از چهره مجهولات است.

**دوم:** از جمله اموری که عقل انسان هیچگاه نتوانسته است تمایل خود را به آن پنهان سازد، همانا «کشف آینده» است. آینده که به طور معمول مجهول است، گاه در دایره عقل و گاه در ساحت تخیل به گونه های مختلف و بعضا متباین تصور می شود. چنین تمایلی است که از دیرباز آدمیان را به جعل فرضیاتی درباره راه و رسم پیش بینی آینده وامی دارد. تا همین اواخر، منجمان (نه به معنی ستاره شناسان) در دربار پادشاهان و سلاطین به صورت بندی فرضیاتی می پرداختند تا بتوانند با توسل به آن ها، رویدادهایی چون بیماری و سلامت سلاطین، پیروزی و شکست در جنگ ها و چگونگی وقوع حوادث طبیعی و نظایر آن را پیش بینی کنند- قداما این نوع فعالیت را تنجیم می نامیدند- چرا که باور غالب چنین بوده- و شاید هنوز هم باشد- هنگامی که بشر از دهلیز زمان عبور می کند و به آینده گام می نهد، آنچه به استقبال او می آید، قبلا توسط اراده هایی برتر (خارج از اراده انسان) طراحی شده و رقم خورده اند و لذا در برابر چنین وضعیتی انسان خود را موجودی مسلوب الاختیار می پنداشت. به همین سبب به پیشگویی می پرداخت؛ اما در برابر آن، تعالیم الهی بیان می دارند؛ نه چنین است که انسان ها و جوامع بشری قربانی سرنوشت محتوم خویش باشند. بلکه آدمیان به میزان پایبندی به سنت الهی و در سایه تلاش و کوشش فردی و جمعی می توانند آینده بهتری را برای خود رقم زنند. آیه مبارکه زیر ناظر به چنین معنایی است: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (به راستی که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آنچه را در ضمیرشان است تغییر دهند). (رعد- آیه ۱۱)

به رغم این، انسان همواره شیفته دانستن از تحولات در زمان های دور دست بوده اما در نیل به این آگاهی ها گرفتار کج اندیشی های بسیار شده است. در گذشته های دور به دلیل کمبود منابع علم و دانش و محدود بودن دامنه معرفت، تلاش بشر معمولا مصروف پیش بینی آینده نزدیک می شده است، اما آیا اکنون نیز چنین است؟

**سوم:** در عصری به سر می بریم که مالا مال از تغییر و دگرگونی است. امروزه رشد علم و توسعه فناوری های گوناگون این امکان را برای انسان فراهم نموده است که به دوره های بلندمدت بیانید. اگر در مراحل نخستین، «بقاء» به مثابه هدف عمده به شمار می رفت، امروزه پیشرفت

علوم، انسان را در مرحله ای قرار داده که بتواند پیرامون چگونگی «کیفیت بقاء» نیز تصمیم بگیرد.

در آغاز هزاره سوم که بسیاری از انگاره ها، الگوها و چهارچوب های تجویزی (به دلایل گوناگون) به چالش کشیده شده اند، نگرانی از آینده همچنان برای انسان باقی است. از این رو در تحقیقات اجتماعی رشته جدیدی تحت عنوان آینده پژوهی پدید آمده است که هدف آن مطالعه و بررسی منظم آینده است. آینده پژوهی در پی کشف، ابداع و ارزیابی آینده های ممکن و محتمل و بهتر است. آنچه آینده نگری را از طالع بینی جدا می کند، آگاهی به این مطلب است که آینده به طور قطع و یقین در تمامی ابعاد تعیین نشده است. از این رو به تصمیماتی وابسته است که انسان ها در زمان «حال» می گیرند.

**چهارم:** ملاحظات پیرامونی ما این چنین می نمایانند که در عصری زندگی می کنیم که رسانه ها بر تمامی شئون زندگی بشر تفوق و استیلا یافته اند. در سایه زندگی رسانه ای جذب مخاطبان بیشتر، پیش نیاز تولید آینده مطلوب است. رسانه ها می توانند به گونه ای افکار و تصورات افراد را شکل دهند تا آینده ای را طلب کنند که مخلوق آن ها است و با این شیوه سمت، ضرب آهنگ و ماهیت حرکت را تنظیم نمایند. ماهواره ها، اینترنت و دیگر مظاهر فناوری های نوین در زندگی امروزه نقشی اساسی دارند. عرصه هایی برای ظهور مناقشات ارزشی و فرهنگی، خلق و ابداع شده اند که پیش از این در تاریخ زندگی بشر سابقه ای نداشته اند. بنابراین باید به این نکته بیاندیشیم که جنگ های جدید لزوماً و منحصرافقط در میدان های نبرد و رویارویی دوطرفه روی نمی دهند. هم عرصه ها و هم آرایش جنگی دستخوش تغییرات اساسی شده اند.

**پنجم:** حضرت امام خمینی (ره) که بسیج مولود اندیشه تابناک ایشان است. بسیج را «پشتوانه انقلاب اسلامی» می دانند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز «بسیج را بدنه فعال ملت» قلمداد فرمودند. معظم له همچنین در دیدار با بسیجیان و پاسداران فرمودند: «این کانون عظیمی است که شما جزو تشکیل دهندگانش هستید، دائماً دارد شعله های مقدس و انوار تابناک خود را به سر تا

سر دنیای اسلام و جهان بشریت می فرستد و آینده را روشن تر و افق ها را تابناک تر می کند. این آینده ای است که هر جوانی را که در این کسوت و در این موضع و در این راه قرار دارد، امیدوار می کند.»

**ششم:** بنابراین اگر چنانچه بسیج بخواهد کماکان و همچنان با صلابت به راه پرافتخار خویش ادامه دهد، گریزی از آینده نگری و توجه به افق های دور دست نیست. فرماندهان، مدیران و برنامه ریزان بسیج در این عرصه رسالتی بس عظیم برعهده دارند. آنان باید بکوشند با تاسی به ارزش های والای اسلامی و انقلابی و با پیمودن راهی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ترسیم نموده اند، روز به روز به قدرت و صلابت و کارآمدی بسیج بیافزایند. بسیج همان ظرفیتی است که می تواند با سازماندهی و آموزش آحاد مردم، به نماد کامل تری از «قدرت ملی» تبدیل گردد. قدرتی که علاوه بر دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی ایران اسلامی، پایگاهی برای تربیت و آموزش جوانان مومن و انقلابی است. نیل به چنین اهداف والایی در پرتو آینده نگری امکان پذیر خواهد بود. زیرا روزآمد کردن کارکردها و اصلاح و پیرایش ساختارها نیازمند تدقیق و شناخت نیازها و جهت دهی به ظرفیت ها و مقدرات موجود می باشد. گذشته دیگر در دسترس نیست و زمان حال هم به سرعت می گذرد، آینده چیزی است که برای ما باقی مانده است تا در آن و با آن زندگی کنیم. بنابراین هم عقلایی و هم لازم و ضروری است که به آینده فکر کنیم، تمرکز داشته باشیم و برای آن با وجود تنوع، پیچیدگی و تغییرپذیری، برنامه ریزی و خود را برای رویارویی با شرایط دشوار آماده کنیم. غرق شدن در گذشته یا حال- یا هر دو- و غفلت از آینده با منطق دین و عقل ناسازگار است. چنانچه حضرت علی(ع) می فرمایند: «پیروزی در دوراندهی است.»

نتیجه آن که نگاه به آینده یک ضرورت تام و تمام برای مجموعه بسیج است. آینده را نمی توان پیشگویی کرد بلکه باید آن را ساخت. در این راستا بسیج باید نقش واقعی خود را استمرار بخشد و به رسالت مهمی که برعهده دارد عمل کند. مدیران بسیج باید بتوانند با نگرش به آینده و دست زدن به یک سلسله مطالعات در حوزه آینده پژوهی، مهارت خود را در فهم

صحیح و مدیریت مطلوب زمان افزایش دهند و آینده بهتری را برای بسیج رقم زنند. بدین منظور لازم است به مراحل این آینده پژوهی اهتمام ورزند.

### **شناخت مشکلات، تهدیدها و فرصت ها**

ارزیابی و آشنایی با چالش های فرارو، تهدیدات و فرصت های موجود در بطن روندها و تحولات نخستین مرحله یک فعالیت علمی آینده پژوهانه است.

### **به چالش کشیدن مفروضات و الگوهای جاری**

بسیاری از پیش فرض ها را بایستی از نگاهی نقادانه مورد بازنگری قرار داد. از این منظر است که می توان به ضعف و کاستی های روش های جاری پی برد و برای رسیدن به اهداف متعالی بسیج، روش های جدید و کارآمدتری را پیشنهاد داد. درک صحیح از وضعیت های آینده مستلزم به کار بستن چنین نگرشی است.

### **ایجاد چهارچوب هایی برای تصمیم سازی**

پس از رسیدن به برآوردی واقعی از تهدیدات و فرصت ها و بازنگری در الگوهای موجود به چهارچوب های نوینی در فرآیند تصمیم سازی می توان دست یافت.

### **تعیین سیاست ها و کنش های بدیل**

بدیهی است به دنبال رسیدن به چهارچوب های جدید، تعیین و تنظیم خط مشی ها و اقدامات مقتضی که با قالب های طرح ریزی شده، همخوان و متناسب باشد، ضرورت دارد.

### **پیشنهاد انواع رویکردهای ممکن برای حل مساله**

گام واپسین در آینده پژوهی ارایه رویکردهایی به منظور رفع مشکلات و مسایل است.

## جایگاه بسیج در دهه چهارم انقلاب اسلامی: وظایف و انتظارات از بسیج

تعیین اینکه امروز چه باید کرد؟ و کدام یک از مسایل باید در اولویت قرار گیرد؟ سوالاتی است که همواره باید توسط افراد و مجموعه‌های انقلابی مورد بازپرسی قرار گیرد. بسیج نیز در این میان باید وظایف خود را مرور کرده و در نسبت خود با انقلاب اسلامی، وظیفه خود را مشخص و معین نماید. حضرت امام خمینی (ره) پیرامون وظیفه بسیج می فرمایند: «طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکز شان، از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز پاسدار اصول تغییر ناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند». همچنین فرمانده معظم کل قوا به عنوان، فرمانده ارشد بسیج و مراد همه بسیجیان، در این زمینه همواره وظایفی را برای این مجموعه تعریف و ترسیم نموده‌اند که برخی از این وظایف به شرح زیر است:

### ۱- حمایت از شعارهای جهانی انقلاب اسلامی

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد. برافراشتن پرچم اخلاق، فقط از موضع موعظه‌گری قابل تأمین نیست؛ با حرکت عظیم و اقتدار ناشی از حضور مردم، این پرچم در دنیا برافراشته شده است. امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین‌المللی، از عدالت و مظلومیت ملتها سخن می‌گوییم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است. حضور مردم و بسیج حقیقی دلها و جسمها و جانها می‌تواند پشتوانه این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسؤولیت عظیم بسیج است.

## ۲- مسئولیت بسیج در دفاع از هویت ملی و دینی

از بزرگترین مسؤولیتهای یک مجموعه‌ی بسیج در کشور این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می‌کند و باید پاسداری کند.

## ۳- وظیفه خطیر بسیج در عرصه‌سازندگی کشور

امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب، باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز، روزی است که همه‌ی نیروها باید همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند؛ دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه‌ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند، و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.

## ۴- ضرورت حفظ آمادگی دائمی

انتظاری که امام از بسیج داشت، آمادگی و حضور دائمی بود؛ زیرا بسیج، پشتوانه اصلی انقلاب است.

## ۵- ضرورت دشمن‌شناسی

بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح - ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی - باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج، احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند - در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه علمیه، در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه - باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یک راه نمی‌آید؛ از راههای مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.

## ۶- بسیج و قطع امید استکبار جهانی از جمهوری اسلامی

شما جوانها باید دائم در صحنه باشید. باید دائم نشان دهید که جمهوری اسلامی آسیب‌ناپذیر است. نیروی مؤمن بسیج و نیروهای حزب‌اللهی در سرتاسر کشور و آحاد مؤمن در این کشور، باید کاری کنند که امید امریکا و صهیونیستها و بقیه‌ی قدرتهای دشمن از جمهوری اسلامی به کلی قطع شود.

## ۷- مقابله با اشاعه فساد و توطئه‌های دشمن

دشمن برای شایع کردن فساد در بین جوانان این کشور، برنامه‌ریزی می‌کند. چه کسی باید در مقابل این اشاعه‌ی فساد بایستد؟ چه کسی باید در مقابل خرابکاریها بایستد؟ چه کسی باید در مقابل توطئه‌هایی که دشمن به وسیله‌ی عوامل خود در داخل کشور انجام می‌دهد و ممکن است یک عده آدم ساده‌لوح را هم به دنبال خود بکشاند، بایستد؟ بسیج؛ همین نیروی عظیم.

## ۸- حفظ فضای سالم در کشور

امروز وظیفه بسیج، حفظ فضای سالم در کشور و منزوی کردن زشتی و آلودگی و غفلت و ریا و نفاق و شرک است. امروز نسل نوحاسته کشور، با کمال صفا و پاکی به دنبال حقیقت می‌دود و تشنه آن است. در کجای کشور، شما جوانان نوحاسته - پسر و دختر - را می‌بینید که تشنه حقیقت و معنویت و فهمیدن و درست فهمیدن نباشند؟ این نسل پرعدد امروز کشور ما با صفای ذاتی جوانی خود و با تربیت اسلامی جامعه‌ی ما، دنبال حقیقت است؛ اما در کمین این نسل، گرگان درنده و روبهان حيله‌گری هستند. در کمین نسل نوحاسته جوان ما کسانی نشسته‌اند که می‌خواهند او را بفریبند، یا بدرند و از بین ببرند.

## ۹- بسیج و باز کردن میدان‌های تازه زندگی



تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه‌ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلا اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه‌ی میدان‌ها، و همتها را بلند کردن به دست می‌آید. این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. اگر بسیج را درست معنا کنیم، همین است.

#### ۱۰- تقویت و افزایش بصیرت و آگاهی

اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در این جا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواست است عده‌ای بیایند و چشمهایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی‌خبر از آنچه که اتفاق می‌افتد، به میدان بروند و اسلحه‌ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه‌افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه‌های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی بصیرة جنگیدند. مکرر در مکرر از زبانشان شنیدیم که «ما برای خاک نمی‌جنگیم؛ ما برای یک وجب زمین نمی‌جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمانهایمان می‌جنگیم.» این، همان معرفت است.

من می‌خواهم عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرتها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد... بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن.

#### ۱۱- ضرورت خودسازی و هوشمندی و پایداری

امروز دانشگاه، بیش از همیشه به بسیج دانشجویی و بسیج دانشجویان در صراط مستقیم انقلاب نیازمند است، و تشکل بسیج دانشجویی، بیش از همیشه به خودسازی و هوشمندی و پایداری.

## ۱۲- ضرورت خودسازی و مراقبت

قرآن به ما می‌گوید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و اتمم الاعلون. » یعنی سست نشوید، غمگین نشوید، شما بالاتر از دیگران هستید. به دنبال این جمله، قیدی دارد: «ان کنتم مؤمنین»؛ اگر مؤمن باشید. همه‌ی این حرفهایی که زدیم، مربوط به آن وقتی است که رابطه‌ی ما با خدا خوب باشد؛ مربوط به آن وقتی است که شما جوانان عزیز، با تقوا باشید؛ مربوط به آن وقتی است که شما زن و مرد، سعی کنید دینتان را حفظ کنید؛ در مقابل جاذبه‌های گناه، تسلیم نشوید و در مقابل وسوسه شیطان، مقاومت کنید. شما می‌توانید و امتحان کردیم که شما می‌توانید. بالاترین وسوسه‌های شیطان، وسوسه حفظ نفس است. چقدر شما در زیر گلوله بارانهای پی‌درپی دشمن و آتشی‌های انبوهی که دشمن، در جنگ بر سرتان می‌ریخت، جلو رفتید و نترسیدید!

بدانید امروز یکی از سلاحهای دشمنانی که مرگ بر آنها می‌گویید، این است که در مقابل جوانان ما دانه بپاشند - دانه گناه، دانه جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد - تا بلکه بتوانند آنها را جذب کنند. نفس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان بسیجی ما مؤمنند، مطهرند، پاکند. اما ممکن است در میان آنها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. این‌جا، تقوا به درد می‌خورد. تقوا یعنی این که دایم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم. یکی از سلاحهای ما، دعاست؛ «لا یملک الّا الدعاء. » ما دعا را داریم؛ سلاح دعا را داریم؛ سلاح تضرع را داریم و سلاح بکاء را داریم.

پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید. این بازوی قوی، این اراده‌ی نیرومند و پولادین، با دعاست که کارایی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم، پیغمبر

اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا می کرد. دل ما به دعا‌های آن بزرگوار و دعا‌های مؤمنین و صالحین، قرص بود.

### ۱۳- ضرورت حفظ و تقویت ارتباط با خدا

یک ویژگی این است که در بسیج ملت ایران، مایه‌ی اصلی، ارتباط با خداست. جوان بسیجی یا هر قشری از قشرهای آن؛ یعنی مرد و زن و پیر و جوان بسیجی، دارای یک ارتباط معنوی و صمیمی با خداست. این، مایه‌ی اصلی کار است. آن عاملی که موجب می‌شود انسان در میدانها خسته نشود، یاد خداست. آن نیرویی که انسان را در مقابل همه‌ی قدرتها با قوت کامل نگه می‌دارد، توکل به خداست. اگر توکل و اعتماد به خدا و ارتباط با خدا بود، حرکت مردمی و بسیجی، حرکتی پایدار و ماندگار خواهد بود. و اگر نبود، یک هیجان و اشتعال در برهه‌ای از زمان پیدا می‌شود، ولی باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود. شما اگر نگاه کنید، در دنیا کشوری را با خصوصیات کشور ایران پیدا نخواهید کرد که توانسته باشد در مقابل آن همه دشمن بایستد، بر آنها غالب شود، موانع را بردارد، راه خود را بگشاید، و در جهت اهداف خود حرکت کند. آن چیزی که تا امروز، این حرکت را در ایران اسلامی این طور مستقیم به سمت هدف هدایت کرده است، همین ایمان شما، ارتباطتان با خدا و روحیه‌ی دعا و تضرعی است که در نیروهای بسیجی ما وجود دارد. این، همان دعای کمیلی است که شما مقید بودید و هستید بخوانید. این، همان نماز جمعه‌های شماست. این، همان توسلات و توجهات شما به ائمه علیهم السلام است. و این پیوند و رابطه‌ی معنوی است که همه چیز را حفظ کرده است. این، یک خصوصیت است که در جاهای دیگر نیست، و باید آن را حفظ کنید.

### ۱۴- اخلاق اجتماعی بسیج در ارتباط با مردم

شما بسیجی ها باید به گونه ای رفتار کنید که احترام و محبت مردم جلب شود. شما باید نمونه اخلاق و تواضع و مهربانی و رعایت مقررات باشید. آن کسی بسیجی تر است که مقررات را بیشتر رعایت می کند، به خاطر آنکه این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می سوزاند و مقررات، لوازم قطعی اداره درست نظام است.

#### ۱۵- تلاش برای افزایش محبوبیت بسیجیان در جامعه

هر جوان بسیجی، مرد بسیجی، زن بسیجی، دانش آموز بسیجی، دانشجوی بسیجی، کارگر بسیجی و روحانی بسیجی می تواند محور باشد و انسانهایی را به خود جذب کند و با سخن و اخلاق و رفتار و درس خواندن و کار کردن و احساس مسئولیت و آگاهی سیاسی و اطلاعات دینی و معنوی خود، مثل شمعی دلها را روشن کند و دیگران را امیدوار به آینده و آماده ی به کار برای حضور در میدانها قرار دهد. ببینید چه مسئولیت بزرگ و سنگین و درعین حال شیرین و هیجان انگیزی است.

این در صورتی به وجود می آید و به وقوع می پیوندد که در داخل سازمان نیروی مقاومت بسیج، کار اداره ی فکری و عملی و قلبی و اخلاقی و روحی و سیاسی از همه جهت، آن چنان منظم و با تدبیر صورت گیرد که بتواند چنین محصول عظیمی داشته باشد.

#### ۱۶- مساجد را رها نکنید!

مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید - که بحمدالله هستید - و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیشنهاد هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. شما و امام جماعت آن مسجد - هر کس که هست - مشترکاً مسجد را حفظ کنید. برای مسجد،

جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجدی شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است.

#### ۱۷- انتظارات از محفل بسیجیان

من به شما برادران و خواهران عزیز - که فرزندان من هستید - مؤکداً توصیه می‌کنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلبید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی‌های گوناگونی می‌کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پابندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم‌السلام) لازم است؛ منتها همه‌ی اینها را با دانایی همراه کنید.

در مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنی بسیج وقتی شعر خوانده می‌شود، باید با معنا، با مضمون، جهتدار و همراه با درس باشد. وقتی در آنجا سخنرانی می‌شود، باید در جهت تعمیق فکر و اندیشه باشد. وقتی نماز جماعت می‌خوانید، نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می‌کنید، وقتی روزه می‌گیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می‌دهید، باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت اینهاست.

## بررسی و تحلیل بسیج از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

این پژوهش با توجه به دیدگاه‌های ولی امر مسلمین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شاخص‌های بسیج ایده‌آل را به دست می‌دهد. ابعاد اساسی این دیدگاه شامل اهداف، وظایف اساسی، سازمان، نظام فکری بسیج است که یافته‌های حاصل از نظرات مقام معظم رهبری بر این نکات تاکید دارد:

اهداف فرهنگی، تربیتی بسیج مهمترین اهداف است؛ دفاع از جمهوری اسلامی، مهمترین اهداف بسیج است مردمی کردن امنیت مهمترین شاخص اهداف امنیتی است؛ بصیرت مهمترین عامل در نظام دفاعی همه جانبه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود؛ آگاهی مسلمانان مهمترین شاخص نظام دفاعی همه جانبه اسلام است؛ نقش محوری در دفاع مقدس مهمترین دستاورد بسیج به شمار می‌آید؛ روحیهٔ یأس مهمترین آفت برای بسیج است؛ کسب آمادگی مهمترین اصل از اصول بسیج است.

با نظر به جایگاه و اهمیت نقش آفرینی بسیج در جامعه و پذیرش این امر که مهم‌ترین قالب و شکلی که مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت داوطلبانه در آن حضور یافته‌اند، و با عضویت در آن در مقاطع حساس از ارزشهای اسلامی و انقلاب دفاع و حمایت کرده‌اند، بسیج است، به این فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص جایگاه بسیج باید توجه کرد: بسیج یعنی متن مردم، آن مردمی که می‌توان امید دفاع از انقلاب را از آنها داشت.

از سوی دیگر بسیج به دلیل فراگیر و مردمی بودن و نقش حساس در تعاملات اجتماعی، سیاسی، نظامی و امنیتی ایفا کردن در کانون توجه قرار دارد؛ لذا سازمانهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و نظامی نیز که در تعامل با بسیج قرار دارند، نیاز به شناخت کارکرد بسیج در ابعاد مختلف و به ویژه بعد مربوط به خود را دارند.

تلاش پژوهشگر در این پژوهش پاسخ به این سؤال است که بسیج از منظر مقام معظم رهبری در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی دارای چه کارکردها و وظایفی است؟ به عبارت دیگر مجموعه کارکردهای بسیج را باید شناخت، زیرا حضور سازمان یافته مردم به عنوان بسیج در صحنه‌های مختلف در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کارکردهای متعددی را برای بسیج به همراه داشته است که باید شناخت منظمی از آنها به دست آورد.

به عنوان مثال از ابعاد مختلف بیان شده در بالا می‌توان به موضوع نظر کرد:

۱- از بعد اجتماعی، حضور جوانان و نوجوانان در تشکلهای مختلف بسیج دانش‌آموزی و دانشجویی، برگزاری اردوهای مختلف توسط رده‌های مقاومت بسیج در سطح شهرستان، استان یا کشور و یا خارج از کشور به بلوغ اجتماعی افراد جامعه، آشنا کردن ایشان به آداب و رسوم اجتماعی دیگر فرهنگها و در نهایت به تربیت آداب اجتماعی، وحدت جامعه و مشارکت اجتماعی مردم کمک بسیار مهم و مؤثری کرده است.

۲- از بعد سیاسی نیز بسیج با ایفای نقش در انتخابات و تشویق و ترغیب مردم، نیز بویژه جذب جوانان و نوجوانان بسیجی به مشارکت سیاسی از ابعاد داخلی و خارجی، به بیداری سیاسی مردم کمک فراوانی کرده است.

۳- از بعد فرهنگی با برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی، علمی و اعتقادی، برگزاری مسابقات فرهنگی، مراسم مذهبی و ملی در این عرصه نیز نقش آفرینی کرده است.

۴- از بعد اقتصادی با ایجاد تعاونیهای مختلف و اجرای پروژههای مهم مانند واکسیناسیون فلج اطفال و تنظیم خانواده، همیاری سازمان یافته مردم را به نظام و دولت نشان داده است.

۵- از بعد دفاعی و امنیتی، با انجام آموزش نظامی، امدادی و برگزاری مانورهای مختلف و ایجاد پستهای ایست بازرسی و جمع آوری اخبار و رویدادها زمینه مشارکت وسیع مردمی و نیز ایجاد آرامش و رفاه جامعه را فراهم آورده است.

پژوهشگر با تأکید بر این نکته که افراد جامعه و قشرهای مختلف و صنفها که عده و عده بسیج را فراهم می آورند و با شرکت خود و نیز کمکهای مادی و معنویشان بسیج را هویت عینی می بخشند، محتاج انگیزه و شور و اشتیاق لازم اند. این انگیزه نیز ناشی از شناخت نقش ایشان در بسیج و پایگاه اجتماعی کسب شده ناشی از آن است. بنابراین لازمه حضور افراد و گروههای انسانی داوطلب عضویت در بسیج و همچنین تداوم حضور اعضا مستلزم شناخت همه جانبه از این پدیده اجتماعی است.

پژوهشگر در این بررسی، موضوع بسیج، کارکردهای مختلف آن و نیز اهداف اصول بسیج را از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد توجه قرار داده است، از حوزههای مختلف جامعه شناسی سیاسی، جامعه شناسی انقلاب و نیروهای نظامی برای ترسیم تئوریک مجموعه کارکردهای بسیج استفاده می کند. همچنین نتایج این پژوهش می تواند کمک مؤثری به شناخت جامعه از بسیج بکند زیرا مسؤلان با درک واحد و مشابه از این موضوع، می توانند راه تحقق ارتش بیست میلیونی را هموار کنند؛ زیرا بسیج با داشتن کارکردهای متناسب با نیازهای جامعه، انقلاب و جوانان است که می تواند به نقش آفرینی و پویایی خود در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و گسترش آنها ادامه دهد و نقش منحصر بفردی همانند دوران نورانی دفاع مقدس داشته باشد.



پژوهشگر در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده کرده است جامعه آماری محقق - با توجه به موضوع اصلی این تحقیق که بررسی و تحلیل بسیج از دیدگاه مقام معظم رهبری است - مجموعه سخنرانیها، پیامها و نامه‌های ایشان از زمان ولایت امری، پانزدهم خردادماه سال شصت و هشت تا بیستم مردادماه ۱۳۷۹ در کتابهای حدیث ولایت، زمزم ولایت، سپاه از دیدگاه مقام معظم رهبری، راهبردهای ولایت، نور ولایت، رسالت دانشجوی مسلمان در شرایط فعلی انقلاب، بحران ۲۰، دوازدهمین مجمع سراسری فرماندهان سپاه و روزنامه‌های جمهوری اسلامی، کیهان و اطلاعات را در بر می‌گیرد.

پژوهشگر بر این نکته نیز تاکید می‌کند که به دو دلیل از نمونه‌گیری اجتناب کرده است:

۱- در برخی از اسناد ممکن است مطالب مربوط به موضوع تحقیق بسیار اندک باشد، یا در برخی از کتابها به موضوع هیچ اشاره‌ای نشده باشد و در برخی از اسناد مورد نظر نیز مقوله‌های مورد پژوهش فراوان باشد، در نتیجه در صورت نمونه‌گیری توزیع موضوع تحقیق به تناسب در نمونه وجود نخواهد داشت.

۲- مطالب کتابها و اسناد مورد نظر درباره موضوعات، مختلفی است لذا ممکن است اسنادی که در نمونه مورد بررسی باقی می‌ماند، حاوی ابعاد مختلف موضوع پژوهش نباشد.

پژوهشگر در این پژوهش دستیابی به هدفهای ذیل را در نظر داشته است:

۱- اهمیت بسیج

۲- اهداف بسیج

۳- اصول حاکم بر بسیج

۴- بسیج همه جانبه

۵- فرهنگ و تفکر بسیج

## ۶- کارکردهای بسیج

### ۷- نقش سازمانها و مسئولان نظام در قبال بسیج

#### ۸- آفات بسیج

همچنین برای دستیابی به هدفهای بالا پژوهشگر، تحقیق خود را براساس این فرضیات قرار می‌دهد:

۱- هدف فرهنگی و تربیتی از مهمترین هدفهای بسیج است؛

۲- حفاظت از نظام جمهوری اسلام مهمترین هدفهای دفاعی بسیج است؛

۳- مبارزه فکری و اعتقادی مهمترین شاخص هدف فرهنگی و تربیتی بسیج است؛

۴- مردمی کردن امنیت برترین شاخص هدف امنیتی بسیج است؛

۵- مردمی بودن از اصلی ترین اصول حاکم بر بسیج به شمار می‌آید.

۶- بصیرت و آگاهی مسلمانان برترین شاخص تفکر بسیجی است؛

۷- آگاهی مسلمانان برترین عنصر نظام دفاعی همه جانبه جهان اسلام است؛

۸- کارکرد بسیج در دوران دفاع مقدس از مهمترین دستاوردهای بسیج است؛

۹- کم رنگ شدن ارزشها از مهمترین آفات بسیج است؛

۱۰- سپاه در مجموعه نظام جمهوری اسلامی بیشترین مسئولیت را در قبال بسیج داشته باشد.

محقق با توجه به مطالعه مقدماتی، ادبیات موجود و بررسی آثار مقام معظم رهبری شاخصهای بسیج آرمانی را با نظر به بینش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرح ذیل ترسیم می‌کند:

۱- هدف:

حراست از اصل انقلاب، هویت انقلاب و دستاوردهای انقلاب.

۲- وظایف اساسی بسیج :

الف - ایجاد آمادگی همه جانبه فکری، روحی و جسمی در جوانان ؛

ب - پاسخ به نیازهای اساسی انقلاب؛

ج - رفع خطرها و تهدیدها علیه انقلاب اسلامی؛

د - پاسخ سازنده به حس هیجان طلبی جوانان؛

ه - جذب بالاترین نسبت جوانان و نوجوانان به بسیج؛

و - پیشگامی در میدان سازندگی و خدمات دهی به مردم؛

ز - مردمی کردن امنیت و دفاع؛

ح - فضا سازی فرهنگی در جامعه به منظور تقویت ارزشهای اسلامی و انقلابی؛

ط - توسعه و عمق بخشیدن به آگاهیهای سیاسی و اجتماعی جوانان؛

ی - توسعه تفکر بسیجی در جامعه.

۳- ساختار و سازمان

بسیج از نظر ساختار و سازماندهی باید دارای ویژگیهای ذیل باشد:

الف - آموزشهای کافی را بدست آورد؛

ب - پاسخگوی حس هیجان طلبی جوانان باشد ؛

ت - هیجان طلبی جوانان را در راه سازنده و ایمانی کشور به کار گیرد؛

ث - آماده حضور در هر میدان و عرصه مورد در خواست نظام باشد؛

ج - برای تقویت سازماندهی آموزشهای لازم را کسب کند؛

چ - برای اداره نظام اسلامی، نیروی انسانی تربیت کند؛

ح - هر بسیجی باید نقطه حضور، سلاح و فرمانده خود را در هر لحظه بشناسد؛

خ - مردم کشور دو زیست باشند، یک زیست اشتغال روزمره ایشان و زیست دیگر بسیجی بوده است؛

س - بسیج برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن باید به نسبت توطئه های دشمن از سازماندهی مناسب در هر قشر برخوردار باشد؛

ش - در مسئولیتهای و فرماندهی بسیج در سلسله مراتب مختلف، باید از افراد هوشمند، دانا و قدرتمند استفاده کرد؛

ز - شرط موفقیت بسیج داشتن انضباط و احترام کامل به قوانین و مقررات است؛

ر - برای ایجاد چتر امنیتی در جامعه و مردمی کردن امنیت باید با سازماندهی مناسب، شاخکهای اطلاعاتی مطمئن ایجاد کرد؛

۴- نظام فکری و اعتقادی بسیج

الف - اساس بسیج در نظام جمهوری اسلامی بر آگاهی است،

ب - باید برای توسعه آگاهی و بصیرت در بسیج، برنامه ریزی کرد؛

ت - ارتباط با روحانیت اصیل، شرط لازم است؛

س - باید در بسیج، مساله شناسی کرد و به ابهامات و تردیدها پاسخ گفت؛

ش - فعالیت فرهنگی صحیح را باید بعد از ایجاد فضای تحرک و هیجان انجام داد؛

ج - در کار فرهنگی و تربیتی باید از افراد هوشیار، دانا، با آمادگی کامل ، آشنا به نوع ارتباط گیری استفاده کرد؛

چ - باید الگوسازی کرد و بسیجی بودن در جامعه یک افتخار باشد. همچنان که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به بسیجی بودن خود مفتخر بودند؛

ح - بسیج و بسیجی باید دائماً دارای تحلیل درستی از مسایل اساسی انقلاب و کشور باشد تا بتواند از آن حفاظت کند؛

خ - تفکر بسیجی همان اسلام ناب محمدی (ص) است که امام (ره) منادی آن بود؛

د - بسیجی باید بداند علی (ع) نمونه کامل یک بسیجی است؛

ر - بسیجی باید احساس خدمتگزاری نسبت به اسلام و مردم داشته باشد؛

ز - عشق به ولایت مطلقه فقیه به عنوان جانشین امام زمان (عج) و فرمانبرداری عاشقانه از منویات رهبری باید در بسیجی وجود داشته باشد.

پژوهشگر پس از جمع آوری اطلاعات و مطالعه و بررسی آنها یافته‌های پژوهش را در قالب نتایج ذیل ارائه می دهد.

نتایج به دست آمده نشان می دهد، که هدفهای فرهنگی و تربیتی بسیج مهمترین هدفهای بسیج به شمار می آید، به طوری که ۵۵/۵ درصد کل مضامین مطرح شده توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره بسیج را در بر می گیرد.

نتایج به دست آمده نشان می دهد، که دفاع از جمهوری اسلامی مهمترین هدفهای دفاعی بسیج به شمار می آید، به طوری که حدود ۳۵ درصد کل مضامین مطرح شده توسط ایشان درباره بسیج را در بر می گیرد.

نتایج نشان می‌دهد از اهداف تربیتی و فرهنگی بسیج؛ روحیه دفاع و استقامت؛ با بیش از ۲۰ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، شاخص؛ کسب آمادگی؛ با احتساب ۲۶ درصد فراوانیها، مهمترین اصل از اصول بسیج از دیدگاه معظم له می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد؛ مردمی کردن امنیت؛ با کسب ۴۱ درصد از فراوانیها، مهمترین شاخص هدفهای امنیتی بسیج است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شاخص؛ بصیرت و آگاهی؛ با کسب ۴۰/۶ درصد فراوانیها، مهمترین عامل در نظام دفاعی همه جانبه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد؛ آگاهی مسلمین؛ با کسب ۲۷/۵ درصد از فراوانیها، مهمترین شاخص نظام دفاعی همه جانبه اسلام است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد؛ بصیرت و آگاهی؛ با کسب ۱۳/۲ درصد فراوانیها، مهمترین شاخص تفکر بسیجی در دیدگاه ایشان است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شاخص نقش محوری در دفاع مقدس؛ با کسب ۳۷/۹ درصد فراوانیها، مهمترین دستاورد بسیج است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد روحیه یاس و ناامیدی با کسب ۱۸ /۸ درصد فراوانیها مهمترین آفت برای بسیج و بسیجیان قلمداد می‌شود.

در نهایت پژوهشگر پیشنهاد می‌کند در بررسی و تحلیل بسیج مردمی از دیدگاه مقام معظم رهبری بهتر است که کلیه آثار ایشان مورد بررسی قرار گیرد .

همچنین بعد از شناخت ابعاد مختلف از دیدگاه مقام معظم رهبری و تهیه یک نمونه آرمانی از آن، بهتر است عملکرد بسیج را با استفاده از آمار و اطلاعات با نمونه آرمانی آن مقایسه کرد تا نقاط افتراق و انحراف آنها با ذکر دلایل مشخص شود.

در مرحله بعد پژوهشگر تاکید می کند نقش هر یک از گروههای اجتماعی در بسیج حائز اهمیت است، لذا بررسی هر یک از گروههای اجتماعی و تعامل آنها با بسیج قابل مطالعه است.

در ضمن پژوهشگر معتقد است، با توجه به شرایط زمانی و مکانی انقلاب اسلامی، بررسی کمی و کیفی عرصه های حضور بسیج در رابطه با هر یک از اقشار ضروری به نظر می رسد.

با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری، بررسی راههای افزایش سیصد تا پانصد درصدی قدرت جذب و اداره بسیج از جمله پژوهشهای لازم برای بسیج است.

## بسیج در پرتو قانون برنامه چهارم توسعه: کاستی ها و راهکارها

برنامه ریزی، یکی از لوازم اساسی مدیریت امور عمومی است که چهارمین برنامه پنج ساله کشورمان نیز با درک اهمیت و وجاهت آن، تدوین شده و به مرحله اجرا رسیده است. پیشبرد اهداف و مأموریت‌های ذاتی بسیج، همانند سایر نهادهای عمومی، مستلزم برنامه ریزی بوده و دولت نیز در برنامه های توسعه، تا حدودی این امر را مورد توجه قرار داده و همگام با تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و اجتماعی، دورنمای کارویژه های بسیج را در قالب خطوط کلی و راهبردی ترسیم کرده است.

در این نوشتار، بسیج از منظر قانون برنامه چهارم توسعه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ضعفهای این برنامه نسبت به برنامه سوم روشن شده است. در پایان نیز به منظور انجام کارویژه های بسیج، پیشنهادهایی جهت اصلاح و اجرایی کردن مفاد این قانون و حسن انجام وظایف و مأموریت های ذاتی محوله به بسیج، ارائه شده است تا حصول اهداف توسعه همه جانبه کشور در چشم انداز میان مدت (پنج ساله) و بلندمدت (افق های توسعه بیست ساله) با تأکید بر نقش و جایگاه بسیج تسهیل شود.



برنامه ریزی، یکی از لوازم اساسی مدیریت در سطوح کلان و خرد و پیشبرد اعمال حاکمیت و اقتدار عمومی (Lord Irvine of Lairg, ۲۰۰۱, p.۱۸۶) است که امروزه در اغلب کشورها به عنوان امری مسلم به ویژه در راهبری امور عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است. در کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته نیز که جهش به سوی توسعه همه جانبه با انگیزه ای ارزشی دنبال می گردد، بر اهمیت این برنامه ریزی مدون، بیش از پیش تأکید می شود. در کشورمان نیز تاکنون سه برنامه مدون پنج ساله به منظور توسعه همه جانبه به اجرا درآمده و اکنون در آستانه نخستین سال اجرای برنامه چهارم هستیم که مفاد آن فراروی نهادهای مختلف قرار گرفته است تا با برنامه ریزیهای نهادی و درون سازمانی خود را برای اجرای آن آماده کنند.

در نظام برنامه ریزی شده ای که تدوین کنندگان برنامه های توسعه پنج ساله در نظر داشته و دارند، مأموریتها و اهداف بسیج باید در پرتو راهبردهای ملی مرتبط با این نیرو تعقیب و پیگیری شود. با توجه به برنامه های سوم و چهارم توسعه (که موردنظر این نوشتار خواهد بود)، بسیج از دو منظر مورد توجه این برنامه ها بوده است: راهبردهای عام ناظر بر نیروهای مسلح (که بسیج به عنوان بخشی از سپاه باید تابع آنها باشد) و راهبردهای خاص بسیج (به ویژه فرهنگی) بسیج که قانونگذار به صورت صریح آن را مختص این نهاد دانسته است.

در این نوشتار، وضعیت بسیج از دو جهت مذکور در چارچوب برنامه چهارم توسعه (تدوین دورنمای کارکرد بسیج در دوره پنج ساله ۸۹-۱۳۸۴) مورد بررسی و تحلیل حقوقی قرار می گیرد و در پرتو آن، وضعیت مذکور با برنامه سوم مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. در پایان نیز به منظور تقویت دستاورد برنامه چهارم و حسن انجام وظایف، مأموریتها و کارویژه های بسیج، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

در این راستا، به منظور درکی کلی از ساختار حقوقی بسیج و مأموریتهای آن، نخست نگرش نظام حقوق موضوعه (Legal System) به بسیج را بررسی خواهیم کرد (بنداول). سپس کارویژه های بسیج را از لحاظ مفادی و محتوایی مورد تحلیل قرار خواهیم داد (بند دوم) و

محورهای کلیدی این مأموریتها را در پرتو دو قانون برنامه سوم (بند سوم) و چهارم توسعه (بند چهارم) تحلیل خواهیم کرد.

استنتاج پژوهش حاضر، اثبات فرضیه رقیب بوده است. به عبارت بهتر؛ با اینکه فرضیه اصلی تحلیل مندرج در این پژوهش، ارتقای بستر قانونی در تقویت موقعیت و تسهیل کارویژه های بسیج بود، استنتاج این شد که برنامه چهارم با انتظاراتی که از بسیج در شرایط کنونی وجود دارد، حتی با مفاد قانون برنامه قبلی تناسب نداشته و بسیار ضعیف تر از آن قانون است. استدلال حقوقی در اثبات این فرضیه رقیب، طی بندهای سوم و چهارم ذیل به تفصیل بیان شده است. این در حالی است که انتظار می رفت قانونگذار در تدوین برنامه چهارم، با درس گرفتن از تجارب گذشته و در نظر آوردن شرایط جدید و همچنین آگاهی نسبت به امکانات و منابع فعلی، مفاد قانون برنامه سوم را در جهت تقویت بسیج ارتقا می بخشید.

امید است که این نوشتار، مقدمه ای برای تعمیق در برنامه چهارم و ترسیم خطوطی روشن برای تقویت فعالیت و جایگاه بسیج در فرایند توسعه کشور باشد و بستر پژوهش و تحقیق بیشتر در این خصوص را فراهم سازد. نخستین نکته قابل تأمل در این خصوص، بازپژوهی و کنکاشی دوباره (هرچند مختصر) در کارکرد بسیج از منظر نظم حقوقی است که در بند نخست این مقاله، به آن پرداخته می شود.

بند اول: چارچوبهای کارکردی بسیج در پرتو آموزه ها و موازین حقوقی

در نظم حقوقی (Legal Order) مبتنی بر پوزیتیویسم، برای تنظیم طولی روابط بین قواعد حقوقی، آیینی بر پایه اصل چینش هرمی شکل پدیدار شده است تا تضمین همسازی قواعد مادون با قواعد مافوق میسر گردد. به عبارت دیگر، ایجاد چینش هرمی شکل در میان مجموعه اصول و قواعد حقوقی، نظم را که پوزیتیویسم در پی آن است، دنبال می کند (Marmor, ۲۰۰۱, p.۴۹). در این مکتب آنچه اصالت دارد، نظم حقوقی صوری یا اصل صورت است. برای تکوین معتبر یک قاعده حقوقی، کانال و مجرای معین و مشخصی وجود

دارد که تنها با رعایت مجرا و ضوابط حاکم بر هر یک از نقاط آن فرایند (بدون توجه به سازگاری یا ناسازگاری محتوا و مفاد این قواعد با ملاحظات خاص)، اعتبار حقوقی در قاعده مورد نظر دمیده خواهد شد.

در این میان، مجاری متفاوت و طولی وجود دارد که قواعد حاصل هر یک از آنها، از اعتباری که شکل و چارچوب مذکور داشته، بهره مند خواهد شد. قانون اساسی سندی مشتمل بر قواعد حقوقی مختلف است که به تبع مجرای تأسیس خویش و همچنین نقشی که در شکل گیری بنیادهای نظم حقوقی و سیاسی پس از خویش دارد، سرآغاز این چنین تلقی می شود و در رأس هرم سلسله مراتب قواعد یا منابع حقوقی قرار می گیرد. این برتری، خود یک اصل کلی حقوقی است که در کلیه نظامهای مهم حقوقی معاصر مورد پذیرش قرار گرفته (داوید، ۱۳۷۵) و در اندیشه های مختلف نیز آمده است (نورث وایتهد، ۱۳۷۶). بدین سان، قانون اساسی قطب نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمانها و اهداف یک ملت (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۸۸) و رهاورد اراده عموم؛ یعنی صاحبان اصلی حاکمیت و سازندگان اصلی حکومت است. (Starck, ۲۰۰۳, p.۴۶)

بر این اساس، موقعیت و وجاهت حقوقی هر موضوع را باید در پرتو موازین مندرج در نظم حقوقی موضوعه جستجو کرد. در این راستا، نخستین سؤال این است که کارکرد بسیج و تنوع کارویژه های آن از منظر این نظم حقوقی چگونه است و برنامه چهارم توسعه تا چه حد این مأموریتها را در چشم انداز برنامه ریزی کلان حرکت به سوی اهداف و مقاصد بنیادین نظام سیاسی و اجتماعی، دستخوش تغییر و تحول کرده است؟

#### ۱- پویای تاریخی ساختار و مأموریت بسیج در پرتو قانون

با ملاحظه تاریخی منابع حقوقی مرتبط با مأموریتهای بسیج، روشن می شود که سابقه برخی از مأموریتها، نظیر امداد رسانی، به قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد، اما پس از انقلاب با اتکا به توانمندیهای متعدد بسیج مردمی و نقش مؤثر آن در دفاع از انقلاب اسلامی و

حقوق مردم، مجموعه ای از مسئولیتهای نظامی و غیرنظامی به این نیرو محول شد. گسترش و بسط دامنه مسئولیتهای، می طلبد که لوازم آن نیز در قالب قوانین مختلف از جمله برنامه های توسعه، مدنظر قرار گیرد. اکنون باید دید که در این سیر تاریخی، قانونگذار چگونه به کارکرد بسیج مردمی پرداخته و ملاحظات آن را مدنظر قرار داده است.

#### الف - نگاه مضیق به مأموریت بسیج قبل از انقلاب اسلامی

بسیج، نهادی تأسیسی و ابتکاری است که پس از وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته است. از این رو، مقایسه آن با تحولات تاریخی قبل از انقلاب نه از جهت سازمانی، بلکه صرفاً از منظر کارکردشناسی (برخی از مأموریتهای مشترک نیروی مقاومت بسیج با نهادهای غیرنظامی قبل از انقلاب) میسر است.

جدا از کارویژه ها و مأموریتهای بسیج به عنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، فعالیتهای امدادی و بشردوستانه به منظور حمایت از مردم در برابر مخاطرات ناشی از سوانح طبیعی یا درگیریهای داخلی و بین المللی نیز یکی از مهمترین موارد نقش آفرینی و حضور بسیج در صحنه های مختلف نظم آفرینی در جامعه تلقی می شود. این مأموریت، قبل از انقلاب نیز وجود داشته و برعهده بخشهای غیرنظامی و خاص بوده که پس از انقلاب به بسیج محول شده است. از این جهت، لازم است در بررسی تحولات تاریخی ناظر بر مأموریتهای بسیج در نگاه قانونگذار ایرانی، این پیشینه نیز مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس قانون آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی، سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی به منظور تمهید توان ملی (در سطوح دولتی و غیردولتی) برای مقابله با رویدادهای اضطراری، اعم از وضعیت های ناشی از درگیری مسلحانه و یا حوادث طبیعی یا انسانی در زمان صلح، تأسیس شد. سازمانهای مذکور ابتدا وابسته به نخست وزیر بودند و سپس تحت نظارت و مدیریت وزارت کشور قرار داشتند. بر اساس قانون مذکور، به ویژه بند ۱ ماده ۱ آیین نامه اجرایی آن، منظور از آمادگی ملی وجود شرایطی بود که وزارت خانه ها و سازمان های بخش

خصوصی و عمومی و به طور کلی عموم مردم را قادر به مقابله با هرگونه رویداد اضطراری کند.  
(ساعد، بهار ۱۳۸۳، صص ۳۰-۱)

با وقوع انقلاب اسلامی، که حاصل موجی شکننده از اراده و عزم ملی بود، بسیج مردمی با کارویژه‌هایی جدید و ساختاری نوین به گونه‌ای ایجاد شد که این اراده و عزم ملی در راستای تأمین منافع جمعی به کار گرفته شود. به این تغییر ساختاری و بنیادین بسیج، وصف تعبیه نوساختی و بسط کارویژه‌ای دادیم تا ظهور و نمود متفاوت بسیج پس از انقلاب، برای خوانندگان مقاله به صورتی برجسته نمایان گردد.

ب - بسیج: تعبیه نوساختی و بسط کارویژه‌ای پس از انقلاب اسلامی

مکتب پوزیتیویسم حقوقی (Positivism) یا حقوق موضوعه، صرفاً به منابع صوری حقوق توجه داشته است. برداشت حقوق موضوعه این است که تنها هنجاری را می‌توان از نظر حقوقی معتبر و واجد اثر دانست که اعتبار آن از یک منبع حقوقی شناخته شده توسط قانونگذار نشأت گرفته باشد. (Marmor, ۲۰۰۱, p.۱)

در این خصوص، آنچه اهمیت اساسی دارد شکل و تشریفات است، نه محتوا و مفاد یا هدف. طی کردن تشریفات یا تأیید از جانب مراجع صلاحیت دار، موجد اعتبار برای قواعد موردنظر می‌شود (دورکین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵). به عبارت بهتر؛ هر نظام حقوقی، دربردارنده‌ی یک قاعده بنیادین شناسایی (Recognition) پذیرفته شده از سوی مقامات است که منابع معینی را به عنوان منابع حقوقی تعیین می‌کند. قاعده‌ای که از یک منبع سرچشمه می‌گیرد، قاعده‌ای معتبر است. (سیموندز، ۱۳۸۱، ص ۳۶)

با توجه به وضعیت وقوع انقلاب اسلامی و نقش گسترده مردم در تحقق آن، ایجاد ساختارهایی با هدف تأمین و حفظ دستاوردهای آن، طبیعی به نظر می‌رسید. وقوع انقلاب اسلامی که متّصف به سه وصف مردمی؛ یعنی اعتقاد ملت، انقلاب ملت و رهبری ملت بود (هاشمی، ۱۳۷۷)، شکل‌گیری نهادهای عمومی به ویژه بسیج مردمی را در کشور به نحوی دیگر

مطرح کرد. اصل یکصدوپنجاه ویکم قانون اساسی، تبیین تکوین و اهمیت پدیداری بسیج از منظر قانونگذار اساسی را نشان می دهد. این اصل مقرر داشته که: به حکم آیه کریمه، دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم سازد، به طوری که همه افراد توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد. همان طور که پیداست، بنیان شکل گیری بسیج در پرتو این اصل، سازماندهی اقدام مردمی در جهت دفاع مسلحانه از کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده است. از این جهت، شکل گیری بسیج در قالب سپاه، که بر اساس قانون اساسی مأمور دفاع از دستاوردهای انقلاب است، با نظم حقوقی مبتنی بر اولویت قانون اساسی همساز است.

با تبیین بنیادهای شکل گیری ارتش بیست میلیونی و مردمی در قانون اساسی، زمینه های فعالیت سایر نهادها در تقنین و قاعده سازی پیرامون کارکردهای تکمیلی بسیج نیز فراهم شد. شورای انقلاب، نخستین نهاد رسمی فعال در تشریح این کارکردها بوده است. شورای انقلاب اسلامی در دهم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام بسیج ملی زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست میلیونی را به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی تصویب کرد و مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن بر شمرد. (روزنامه رسمی، ش ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴؛ همچنین مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، ص ۸۳)

این شورا دو ماه پس از آن (۱۳۵۹/۴/۱۹)، با تصویب لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی، به تشریح کارکردهای این سازمان پرداخت و ضمن آنکه ایفای نقش نظامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی را مورد بیشترین تأکید قرار داد، از نظر سازمانی نیز آن را زیر نظر رهبر و وابسته به ریاست جمهوری اعلام کرد. (روزنامه رسمی، ش ۱۵۱۶۴-۱۳۵۹/۴/۲۵؛ همچنین مجموعه قوانین ۱۳۵۹، صص ۲۸۶-۱۸۴)

شورا به منظور یکنواخت کردن تشکیلات متعدد مذکور، ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی را در سازمان جدیدالتأسیس بسیج ملی تصویب کرد (مجموعه قوانین و مقررات، ص ۱۳۵۹، ص ۲۹۴) و در نهایت با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ویژه دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله به هرگونه تهدید، مجلس شورای اسلامی نیز مقرر کرد که سازمان مذکور که عملاً به بسیج مستضعفین تغییر نام داده بود، تحت عنوان واحد بسیج در سپاه ادغام شود. (روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، صص ۵۲۳-۵۲۲)

بر اساس ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی (مستضعفین) مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۹ شورای انقلاب، آموزش و سازماندهی همه افراد داوطلب به منظور مقابله با تهدید و تجاوز داخلی و خارجی و ایجاد آمادگیهای لازم در مردم برای مقابله با آثار ناشی از وقوع سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه به صورت کلی و عام مطرح شد. از طرف دیگر، لایحه قانونی راجع به ادغام سازمان بسیج ملی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۱۸ (روزنامه رسمی کشور، ش ۷۱۶۲۴-۵۹/۱۱/۲۹)، سازمان بسیج را به عنوان بخشی شناخته شده از سپاه و به عنوان نیروی مقاومت بسیج تبدیل کرد که تابع ضوابط و مقررات کلی نیروهای مسلح و همچنین موازین حقوقی خاص این نیرو به شرح قوانین و مقررات و مصوبات فرماندهی کل قوا و فرماندهی کل سپاه خواهد بود. از این پس، قوانین و مقررات خاصی در رابطه با مأموریتهای بسیج به تصویب رسیده که متن کامل آنها توسط سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج تدوین و منتشر شده است. (ترابی و روحی، ۱۳۷۹)

بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیج عمومی متشکل از تمامی اقشار و اصناف و با دو کارویژه همزمان نظامی و غیرنظامی، پایه ریزی شد تا با اتکا به توان اراده عمومی و قدرت مشارکت آنها، با موقیتهایی که چه به لحاظ تهدید امنیتی یا بحران ناشی از حوادث و سوانح، منافع عمومی را در مخاطره قرار می دهند، برخورد شود. در واقع؛ شکل گیری این بسیج به معنای قبول نقش بی نظیر اراده عمومی و مشارکت ملی در حل بحرانها و موقیتهای اضطراری

است. برای اجتناب از تکرار مطالب، در بخش دیگر ضمن تشریح کارویژه های بسیج از منظر نظام حقوق موضوعه، به برخی از این اسناد اشاره خواهیم کرد.

## ۲- کارکردها و مأموریت های عمده بسیج، پرتوهای نظم حقوقی

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، به نظر می رسد که کارکردهای حاصل از انجام مأموریت های بسیج را می توان به دو دسته تقسیم کرد. بخشی از این موارد چنان واجد اهمیت هستند که قانون اساسی و قوانین ارگانیک راجع به عملی کردن اصل یکصد و پنجاه یکم، بر آنها تأکید داشته و در صدر وظایف بسیج در مجموعه سازمانی سپاه قرار دارند (کارکردهای اصلی). در کنار آن، بسیج به عنوان نیرویی مردمی که تعداد زیادی از اقشار و اصناف مختلف جامعه را تحت پوشش قرار داده، دارای قابلیت ها و ظرفیتهایی است که از دید قانونگذار ایرانی مغفول نمانده است. این سلسله قابلیت ها، موجب افزایش مأموریت بسیج در جهت پشتیبانی از حسن انجام وظایف قانونی سایر نهادها شده است (کارکردهای ثانوی و پشتیبانی).

در این بخش، به صورت مختصر به مهمترین این کارکردها با استناد به موازین حقوقی ذی ربط اشاره خواهیم کرد. طبیعی است که قوانین برنامه های توسعه پنج ساله نیز بخشی از همین منابع هستند، با این اختلاف که قوانین برنامه، نگاهی برنامه ریزانه داشته و متناسب با تحولات ساختاری در عناصر و چشم انداز توسعه، از انعطاف پذیری لازم برخوردارند. این انعطاف ممکن است به تغییر اولویت کارکرد سازمان های دولتی کشور (کشوری و لشکری) منتهی شود.

## الف) کارکردهای اصلی بسیج در سازماندهی امور عمومی

اصلاح ساختار فرهنگ اجتماع به ویژه با در نظر گرفتن ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی، یکی از مهمترین دلمشغولی های دولتمردان کشور بوده است. تکیه بر نقش بسیج در حصول این غایت، به دلیل وجاهت بسیج در میان عموم افراد جامعه چه به لحاظ گستره وسیع مردمی آن و چه به جهت نگاه ویژه بسیج به تأمین منافع عمومی و حمایت از آنها در کنار حفظ



نظم عمومی بوده است. همین امر سبب شده است که حضور مؤثر بسیج در فرهنگ سازی انقلابی و مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهمترین دغدغه های این نیرو باشد.

در کنار این امر، بسیج به عنوان یک سازمان نظامی و بخشی از نیروهای مسلح، مأموریت دارد از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور دفاع کرده و با تهدیدهای داخلی و خارجی مقابله کند. از این رو، اصول و ضوابط حاکم بر حضور فعال در صحنه های نبرد و آمادگی برای ایفای این نقش، در رأس کارویژه های بسیج قرار دارد.

از سوی دیگر، بسیج به دلیل خصایصی که دارد (به ویژه مردمی بودن)، برخی از وظایف مربوط به دفاع از مردم در برابر مخاطرات طبیعی و پیامدهای وقوع جنگ و بحران را نیز برعهده دارد. با توجه به تجارب وقوع برخی بحرانها نظیر وقوع سوانح و حوادث طبیعی در سالهای گذشته، بسیج ثابت کرده که کارآمدترین سازمان به منظور امدادسانی و تأمین اهداف بشردوستانه در دفاع از قربانیان و آسیب دیدگان این حوادث و مخاطرات ناشی از آنهاست.

این سه مورد را به عنوان محورهای اساسی کارویژه بسیج در پرتو نظم حقوقی پوزیتیویستی (اثبات گرایی) مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد تا مشخص شود که برنامه های توسعه در تعقیب این کارویژه های اصلی، چه میزان موفق بوده اند.

#### ۱- الف) کمک به سازماندهی امور فرهنگی و سیاسی

ماده ۱ لایحه قانونی شورای انقلاب راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی (۵۹/۵/۱۰) با تفسیر موسّع از تهدید و تجاوز، به صراحت مقرر کرده است که مأموریت دفاعی و نظامی بسیج، شامل دفاع فرهنگی نیز می شود. بر اساس این ماده:

در اجرای فرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ایجاد، آموزش و بسیج ارتش بیست میلیونی جهت پیشگیری و مقابله با هرگونه تهدید و تجاوز نظامی،

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... سازمانی به نام سازمان بسیج ملی زیر نظر فرمانده کل قوا... تشکیل می‌گردد.

به عبارت دیگر؛ حرکت جامعه به سوی اهداف و مقاصد عالی پیش بینی شده که تعالی فرد و اجتماع در مسیر سعادت است، نظمی را طلب می‌کند که وظیفه اصلی کلیه نهادهای عمومی، برقراری و صیانت از آن است. نظم فرهنگی یا آرامش و امنیت مردم از لحاظ فرهنگی، یکی از شرایط و لوازم حرکت عادی و طبیعی فرد و اجتماع است که تأمین آن بر عهده نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. بدیهی است که تهدید و تجاوز بیگانه و حتی تهدید داخلی علیه امنیت کشورها تنها به اقدامات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه تاریخ به خوبی مؤید این مطلب است که در اغلب موارد، این تهدیدها و تجاوزها در ابعاد دیگری؛ یعنی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته است. خساراتی که ملتها از رهگذر فرهنگی متحمل می‌شوند بسیار عمیق تر و دامنه دارتر از آسیبهای محسوس ناشی از حملات نظامی است.

امام راحل، مأموریت بسیج را در پیشگیری و مقابله با تهدید و تجاوز نه تنها در ابعاد نظامی، بلکه در مقیاس فرهنگی و سیاسی نیز مدنظر داشتند. بسیج به لحاظ ترکیب خاصی که دارد (ارتباط عمیق با مردم در سطوح و اقشار مختلف)، بهترین ظرفیت فرهنگی را دارا بوده و نه تنها می‌تواند به تقویت و ارتقای فرهنگی و حتی فرهنگ سازی مبادرت ورزد، بلکه توانایی صیانت از فرهنگ ملی و اسلامی در قبال تهاجمهای بیگانه را نیز دارد.

در هر حال، مأموریت های بسیج در قبال تأمین و حفظ امنیت فرهنگی و حتی سیاسی، در کلیه موازین حقوقی ناظر بر بسیج مورد تأکید قرار گرفته و این امر از مأموریتها و کارویژه های اصلی بسیج تلقی می‌گردد. به همین دلیل است که اعمال قاعده ممنوعیت مداخله نظامیان در امور سیاسی در مورد بسیج وضعیتی منحصر به فرد یافته است. با توجه به اینکه شکل گیری بسیج، مبتنی بر اهداف سیاسی می‌باشد؛ لذا بخش مهمی از کارکردهای آن هم امر سیاسی است، اعمال قاعده مذکور در مورد پرسنل بسیج بسیار دشوار است.

## ۲- الف) اتخاذ تدبیر و ابتکار عمل در پرتو راهبردهای دفاعی

مهمترین دلیل و مبنای ضرورت بخش تشکیل نیروی مقاومت بسیج، تشکیل ارتش بیست میلیونی به منظور دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با هرگونه تهدید داخلی و خارجی بوده است. این امر را می توان از نخستین منابع حقوقی راجع به سازماندهی و بسط فعالیت بسیج استنباط کرد. فرمان امام(ره)، اصل ۱۵۱ قانون اساسی و کلیه قوانین در دو دهه انقلاب اسلامی و فرامین سلسله مراتب فرماندهی، این امر را در صدر مأموریت‌های بسیج تشریح کرده اند.

در این میان، اصل ۱۵۱ قانون اساسی وضعیت ویژه ای دارد. این اصل به گونه ای تقریر شده که اساساً، بسیج را نیرویی دفاعی تلقی کرده است که اولاً؛ دفاع را در گسترده ترین سطح یعنی مردم در نظر داشته است. ثانیاً؛ تبدیل دفاع به امری مردمی و عمومی را دنبال کرده است. ثالثاً؛ توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهور اسلامی ایران را مهمترین مأموریت این نیرو محسوب کرده و سایر کارکردهای و مأموریتها را به قوانین پایین تر محول نموده است.

در کنار ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی، که نخستین مصوبه موضوعه در مورد بسیج پس از انقلاب اسلامی است، کارکرد نظامی بسیج به صراحت و تفصیل بیشتر بیان شده و با ذکر وظیفه دینی هر فرد مسلمان درخصوص آمادگی کامل برای دفاع و جهاد (اصل ۱۵۱ قانون اساسی) و مقتضیات انقلاب اسلامی و ضرورت تجهیز ملت ایران علیه دشمنان ایران و انقلاب اسلامی، آن را به پیروی از فرمان امام (ره) فرمان داده است.

نکته منحصر به فردی که در این ماده وجود دارد، این است که قانون اساسی در اغلب منابع قانونی مربوط به بسیج، صرفاً به مسأله دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدهای خارجی و داخلی اشاره کرده اند، اما ماده ۱ مذکور با الهام از جایگاه آمادگی رزمی در فقه اسلامی، هم آن را ناظر بر دفاع از کیان اسلام دانسته و هم حالت جهاد را مطرح کرده است. ضمن اینکه در ماده ۲ نیز که به شرح وظایف کلی بسیج اختصاص دارد، مبارزه و دفاع در برابر تجاوز، تهدید و دخالت دشمنان خارجی و عوامل سرسپرده داخلی آنان مورد تأکید قرار گرفته است.

همین مأموریت های دفاعی بسیج است که فرصت های مهمی را برای حضور و اقدام فعالانه بسیج در تدوین استراتژی دفاعی کشور به ویژه در قبال دفاع شهری، اقدامات مقاومت مردمی، امداد و نجات در طول درگیری و بحران جنگی، فراهم می سازد. قانون برنامه چهارم با تبیین کلیات و اصول عمده حاکم بر این راهبرد، جزئیات آن را به هم اندیشی نهادهای دفاعی محول کرده است که تأمل و اندیشه سریع بسیج (و سایر نهادهای ذی ربط) را طلب می کند.

### ۳- الف) تأمین اطمینان بخش دفاع غیرنظامی و کارکرد بشردوستانه و امدادسانی

نیروی مقاومت بسیج، یک نیروی مردمی و دومنظوره در حالت جنگ و صلح است. سابقه نخستین تشکیلات مسئول دفاع غیرنظامی در ایران، به سازمان دفاع غیرنظامی برمی گردد که در موازات سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی به منظور تمهید توان ملی (در سطوح دولتی و غیردولتی) برای مقابله با رویدادهای اضطراری اعم از وضعیتهای ناشی از درگیری مسلحانه و یا ناشی از حوادث طبیعی یا انسانی در زمان صلح فعالیت می کردند و ابتدا زیر نظر نخست وزیری و سپس وزارت کشور قرار داشتند. با این حال، سازماندهی اقدامات بشردوستانه قبل از انقلاب به گونه ای بوده که این نهادها و نیروهای آنان، از فعالیت نظامی و دفاعی ممنوع بودند.

شورای انقلاب اسلامی در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام بسیج ملی زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست میلیونی به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی، مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن برشمرد و بدین ترتیب، اقدامات بشردوستانه تنها به عنوان یکی از حوزه های ضروری اقدام بسیج تلقی شد (روزنامه رسمی، ش ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴؛ همچنین: مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، ص ۸۳). در واقع؛ بسیج به عنوان نیرویی دومنظوره که در عین فعالیتهای نظامی و اجرای فرامین فرماندهی کل قوا، اقدامات امداد و نجات را در حالت جنگ و صلح به انجام می رساند، پیش بینی شد.

این شورا دو ماه پس از آن، به تشریح کارکردهای این سازمان پرداخت؛ ضمن آنکه ایفای نقش نظامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی مورد بیشترین تأکید قرار گرفت، از نظر سازمانی زیرنظر رهبر و وابسته به ریاست جمهوری اعلام شد (مجموعه قوانین، ۱۳۵۹، صص ۲۸۶-۱۸۴). سپس به منظور یکنواخت کردن تشکیلات متعدد مذکور، شورا ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی در سازمان جدیدالتأسیس بسیج ملی به تصویب رسید (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۵۹، ص ۲۹۴) و نهایتاً با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به ویژه دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله با هرگونه تهدید، مجلس شورای اسلامی نیز مقرر کرد که سازمان مذکور که عملاً به بسیج مستضعفین تغییر نام داده بود، تحت عنوان واحد بسیج در نیروی مذکور ادغام شود. (روزنامه رسمی، ۱۳۵۹، صص ۵۲۳-۵۲۲).

این وابستگی نهادی و کارکردی در سایر منابع حقوقی کشور نیز استمرار یافته است. بر اساس ماده ۷۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (روزنامه رسمی، ش ۱۳۶۰۲-۱۳۷۰/۸/۲۷)، سپاه موظف است در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی، واحدهای سازمان یافته بسیج فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سازندگی را ایجاد و در اختیار دستگاههای اجرایی قرار دهد. این اقدام مربوط به زمان صلح بوده و در زمان جنگ و بحران، اعضای بسیج مطابق با سیاستهای ابلاغی از سوی ستادکل به کار گرفته می شوند. همچنین بسیج به عنوان یکی از ساختارهای زیرمجموعه سپاه است و یکی از اقسام کارکنان سپاه را اعضای بسیج تشکیل می دهند. این افراد از نظر سطح همکاری با سپاه و تلاش برای تحقق اهداف و مأموریتهای آن به سه دسته عادی، فعال و ویژه (پاسدار افتخاری) تقسیم می شوند.

در ماده ۶۱ نیز مقرر شده که آموزش دفاع غیرنظامی تنها یک بخش از محتوای دروس آموزشی نیروهای عادی و فعال بسیج است و بخشهای دفاع نظامی و همچنین مقاومت محلی نیز از جمله دروس آموزشی محسوب می شوند. وزارت آموزش و پرورش نیز موظف است با همکاری سپاه، دوره های آموزش دفاع نظامی، غیرنظامی و مقاومت محلی را به عنوان

دروس اجباری در بین محصلین مقاطع مختلف تحصیلی اجرا کند (قانون مقررات استخدامی سپاه، ماده ۶۴). این آموزش برای زنان به ویژه در زمینه امداد، پشتیبانی، مقاومت محلی و دفاع غیرنظامی خواهد بود (تبصره همان ماده و تبصره ۲ ماده ۶۶).

در هر حال، در کلیه مصوبات قانونی و فرامین فرماندهی پیرامون بسیج، بلافاصله پس از تبیین مأموریت‌های نظامی یا دفاعی بسیج به عنوان یک بخش از سپاه پاسداران، فعالیت‌های بشردوستانه آن که در نهایت به حمایت از مردم در شرایط بحرانی و سوانح طبیعی یا جنگ برمی‌گردد، تأکید شده و در طول سال‌های گذشته، چه بسا این سلسله فعالیت‌های بسیج عملاً دست کمی از عملکرد آن در انجام مأموریت‌های نظامی نداشته است. بسیج همواره در جهت کاهش آثار این وضعیت‌های اضطراری و کمک به آسیب دیدگان، پیشقدم و پیشرو نهادهای مختلف بشردوستانه در کشور بوده است.

#### ب) کارکردهای ثانوی و پشتیبانی در امور حاکمیتی

در کنار مأموریت‌های سه گانه مذکور که به صراحت در اسناد بنیادین تشکیل و سازماندهی بسیج تصریح شده است، آشنایی بهتر با ظرفیتها و پتانسیلهای بسیج در گذر زمان موجب شد که قانونگذار در برخی از موارد دیگر نیز مأموریت و شأنی قانونی برای فعالیت و اقدام نیروی مقاومت بسیج پیش بینی کند.

این مأموریت‌ها بیشتر حالت پشتیبانی و کمک به سایر نهادهای دولتی در انجام وظایف شان داشته و دارد. اقدام نیروی مقاومت بسیج در جهت تکمیل نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور، پشتیبانی قضایی و تسهیل نقش دستگاه‌های قضایی و انتظامی در برخورد با جرایم و تأمین نظم عمومی از مهمترین مأموریت‌های ثانوی و کمکی می باشد که در منابع حقوقی خاص، به تفصیل بیان شده است. البته در قوانین ناظر بر برنامه‌های توسعه، انتظار می رود که مأموریت‌های اصلی بسیج به دقت مورد توجه قرار گیرد. تغییر مأموریت‌های ثانوی متناسب با شرایط و کارویژه‌های جدید نهادهای مختلف، تأثیری بر موقعیت قانونی و عملی بسیج در تأمین رسالت

های تکوینی خود ندارد، هرچند بی توجهی به پتانسیل‌های بسیج در کمک و مساعدت به تأمین اهداف اصلی و کارویژه های عمده سایر نهادهای دولتی نیز از نظر مدیریت بهینه منابع و ارتقای اثربخشی حاکمیت، چالش پذیر است. این نقش آفرینی های ثانوی ولی مهم و مؤثر، از یک سو پشتیبانی قضایی و انتظامی و شئون ضابطی و از سوی دیگر، پشتیبانی اطلاعاتی و امنیتی هستند.

بسیج موظف به اقدام برای تأمین امنیت ملی است. پیشگیری و مقابله با تهدید و تجاوز، در این راستا معنای دقیق دارد. گسترش دامنه جرائم، به ویژه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی یا وضعیت های بحرانی، از جمله مصادیق ناامن سازی فضای جامعه می باشند که موجب شکل گیری تهدید می شوند.

در این خصوص، دو وضعیت متفاوت وجود دارد: اولاً؛ مقابله با جرائم و ناامنی و آشوب داخلی در حدی که موجب بی نظمی شود، وظیفه دستگاههای انتظامی است که با تشکیل پرونده های کیفری، مراتب را جهت تعیین تکلیف نهایی، به قوه قضاییه ارجاع می دهند. ثانیاً؛ بسیج به دلیل اینکه سطح وسیعی از جامعه را در بر دارد، هم از جهت اطلاعاتی، عوامل ظهور این ناامنی ها را آسانتر و سریعتر از دیگر نهادها احراز می کند و هم اینکه در خصوص نوع اقدام مؤثر می تواند راهنمای مؤثری برای نوع عکس العمل قضایی و انتظامی باشد. از طرف دیگر، اقدام مؤثر در برابر جرائم مشهود و همچنین اتخاذ اقدامات مناسب به منظور جلوگیری از امحای آثار و ادوات جرم نیز مقتضی این است که بسیجیان در صورت مشاهده آنها، احساس مسئولیت کرده و مادامی که نیروهای ویژه قضایی و انتظامی وارد عمل نشده اند، به نمایندگی قانونی و به عنوان ضابط خاص نظامی، اقدام کنند.

در هر حال، بر اساس قوانین و مقررات موجود، پرسنل بسیجی به عنوان ضابط قضایی می توانند با جرائم مشهود برخورد کرده، ضمن تشکیل پرونده مقدماتی، آن را جهت اقدام قضایی به دادگاه صالح ارجاع دهند. ماده ۱ قانون نحوه قضایی از بسیج (۱۳۷۱/۱۰/۱) به صراحت این کارکرد را جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع

قضایی که در واقع پشتیبانی از اقدام قوه قضاییه است، عنوان کرده است. این ماده به نوع مأموریت بسیج در موارد مذکور، ایفای نقش ضابط اطلاق نموده است. (ترابی و روحی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۹)

این کارکرد در سایر موارد، نظیر جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره، نیز بر اساس قانون مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۳ به تأیید مرجع قانونگذاری رسیده است. در خصوص مقابله با موادمخدر و کشت این موارد نیز نیروهای بسیجی، مکلف به اعلام سریع موضوع هستند و پایگاههای بسیج نیز به اتفاق نماینده دادستان باید در خصوص مقابله با موارد مذکور، اقدام قانونی را به عمل آورند. (مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت)

از آنجا که مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی مستلزم اخذ و کسب اطلاعات و استفاده از آنها به منظور تبیین راهکارهای عام و خاص پیشگیری و مقابله است، بسیج در کنار نهادهای تخصصی اطلاعاتی و امنیتی، ضمن جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات واصله، با اعلام مراتب به سلسله مراتب فرماندهی نیرو، گزارشهای لازم را جهت اطلاع و اقدام مقتضی تخصصی، به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ارسال می کند. این فعالیتها که پشتیبانی از تأمین ملاحظات امنیتی در کشور در راستای حفظ امنیت داخلی و خارجی است، در زمان فعالیت کمیته های انقلاب اسلامی به صراحت پیش بینی شده بود (ماده ۲ اساسنامه کمیته های انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۴). در شرایط کنونی نیز کلیت وظایف و مأموریتهای ذاتی بسیج در حوزه دفاع و تأمین امنیت ملی، زمینه اقدام قانونی در این راستا را فراهم کرده است.

بند دوم: بسیج در پرتو قانون برنامه سوم توسعه؛ قابلیت ها و فعلیت ها

با توجه به اینکه برنامه های توسعه، یک قانون معمولی نبوده بلکه افقهای فعالیت دولت و بخشهای مختلف دیگر نهادها را در چشم اندازی پنج ساله ترسیم می کنند، مناسب است که نگاه این قوانین را به صورت مجزا بررسی کنیم. همان طور که در بندهای ذیل خواهیم دید، این



قانون مناسبترین قانون توسعه ای و میان مدت کشور در تدوین افقهای فعالیت اثربخش بسیج و حضور فعال آن در صحنه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی با هدف حصول اهداف عالی نظام سیاسی و تأمین منافع ملی و مصالح عمومی بوده است.

تکیه بر ظرفیتهای جوان بسیج به عنوان تمهیدی در ساماندهی امور عمومی، توسعه بسیج و افقهای تحقق ارتش بیست میلیونی، تحکیم مبانی معرفت دینی و پیش بینی بسیج در برنامه های توسعه شهری، چهار محوری هستند که قانون برنامه سوم بر آنها تأکید ورزیده است. در اینجا به محورهای چهارگانه مذکور خواهیم پرداخت.

#### ۱- ظرفیت های جوان بسیج، تمهید ساماندهی امور عمومی

در ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه، نیروی مقاومت بسیج به منزله یکی از دستگاههای دولتی تلقی شده که نقش و مأموریتی اساسی در رابطه با امور جوانان دارد؛ لذا سازماندهی جوانان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی باید با در نظر گرفتن نقش و مأموریت این نیرو صورت پذیرد. این ماده مقرر می دارد:

با عنایت به اهتمام ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به مسائل جوانان و اعتلای رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و تواناییهای این نسل عزیز، مرکز ملی جوانان به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور به صورت ساختار و سازمان کل متناسب با این مأموریت به سازمان ملی جوانان تبدیل می گردد تا وظایف اساسی ذیل را بر عهده گیرد:

الف - سازمان ملی جوانان موظف است برنامه جامع ملی سازماندهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه نقش و مأموریتهای اساسی دستگاههای مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان نظیر نیروی مقاومت بسیج و توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی را تهیه و تدوین نماید.

ب - شناسایی و پیگیری واگذاری آن دسته از فعالیتهای دستگاههای اجرایی که می تواند با پیش بینی تمهیدات لازم از طریق سازمانهای غیردولتی جوانان انجام گیرد.

ج - برای تحقق مواردی که نیاز به تهیه طرح دارد، سازمان ملی جوانان برحسب مورد طرحهای لازم شامل اهداف، اصلاحات سازمانی، تسهیلات مالی، حمایتهای اجرایی از تشکلهای غیردولتی را تهیه نماید.

بنابراین، قانوناً یکی از حوزه های فعالیت نیروی مقاومت بسیج، امور مرتبط با جوانان است. بسیج می تواند با استناد به بند الف این ماده، ضمن همکاری با سازمان ملی جوانان، زمینه های شکل سازمانهای غیردولتی جوانان را در سطح بسیج فراهم سازد و یا اولویتهای بسیج را در امور جوانان از طریق این سازمان به اجرا درآورد. سازمان ملی جوانان نیز باید اقدامات خود را در خصوص سازماندهی و سامان بخشی به فعالیتهای جوانان، با کارویژه های قانونی بسیج هماهنگ کند. به عنوان نمونه، کسب مجوز برای تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی جوانان در حوزه های مرتبط با بسیج می تواند از سازمان ملی جوانان (که بر اساس ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه و آیین نامه تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی مصوب هیأت وزیران، مرجع صدور مجوز تأسیس این سازمانهاست) (تیلا، ۱۳۸۳، صص ۲۴-۳۴) به بسیج تفویض گردد. (ساعد و تیلا، ۱۳۸۳، صص ۵۴-۵۵)

۲- توسعه بسیج و افق های تحقق ارتش بیست میلیونی

تغییر بنیادهای امنیت سازی و حفظ امنیت موجود از نهادهای حکومتی، به ویژه اطلاعاتی و نظامی به بخشهای مردمی که به مردمی کردن تأمین امنیت ملی موسوم است، به خوبی مورد توجه قانونگذار در تدوین برنامه سوم توسعه قرار داشت. به همین دلیل، ماده ۱۷۵ به این امر اختصاص یافت و در این خصوص غایت تشکیل بسیج؛ یعنی تشکیل ارتش بیست میلیونی، سبب شد که بار اصلی تأمین این رسالت بر عهده بسیج قرار گیرد.

ماده ۱۷۵ قانون برنامه سوم با بسط دامنه ماده ۱۵۷ در خصوص جوانان و نوجوانان، با محوریت ایجاد بسترهای مناسب تر به منظور تشکیل ارتش بیست میلیونی و مردمی کردن دفاع و تأمین امنیت ملی، چنین مقرر کرده است:

به منظور تحقق آرمانهای حضرت امام خمینی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کلی قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی و ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و اشاعه تفکر بسیجی و مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین:

الف - هزینه هایی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی صرف تقویت و توسعه راه های مقاومت ارتش بیست میلیونی به ویژه احداث و تکمیل پایگاههای مقاومت بسیج می شوند، به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی می شوند.

ب - دولت موظف است یک درصد از سود ناخالص کلیه مؤسسات دولتی را جهت توسعه بسیج، به نیروی مقاومت بسیج پرداخت نماید.

ج - دولت موظف است به منظور تحقق پنجاه درصد طرح جامع ارتش بیست میلیونی، امکانات و تجهیزات مربوط را در برنامه سوم پیش بینی نماید.

د - ادارات و کارخانجات موظفند امکانات، تجهیزات و اعتبارات لازم برای فعالیتهای جاری رده های مقاومت بسیج مربوط به خود را تأمین نمایند.

ه - در پنج ساله سوم توسعه، رده های مقاومت بسیج و کانونهای فرهنگی و هنری بسیج از حق انشعاب آب، برق، گاز و یک خط تلفن موردنیاز در ساختمانهای جدیدالاحداث معاف می باشند.

به عبارت بهتر، همان طور که از صدر این ماده به روشنی پیداست، سلسله اقدامات پنج گانه مذکور در بندهای فوق، به منظور تحقق اهداف مهمی پیش بینی شدند که در بسیاری از

موارد با ملاحظات امنیت ملی کشور عجین شده و از پایه های راهبرد ملی نیز تفکیک ناپذیرند.  
این اهداف عبارت بودند از:

- تحقق آرمانهای حضرت امام خمینی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا  
پیرامون ارتش بیست میلیونی؛

- ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی و دفاعی؛

- اشاعه تفکر بسیجی؛

- مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

اهداف مذکور، حالت مقطعی و موقت نداشته و در پایان برنامه سوم نیز اقدام در راستای  
تحقق آنها، ضروری و معنادار است. اما همان طور که در ذیل خواهیم دید، در برنامه چهارم  
استمرار مقررات این ماده مورد تأیید و تأکید قرار نگرفته است.

۳- بسیج و تحکیم مبانی معرفت دینی

ماده ۱۵۹ قانون برنامه سوم نیز یکی دیگر از اولویتهای فرهنگی - دینی را که به صورت عمیق با  
بسیج در ارتباط است بیان می کند:

برای اعتلای معرفت دینی و بهره گیری از اندیشه های والای امام راحل و  
رهنمودهای مقام معظم رهبری در تحکیم مبانی ارزشهای انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و  
شهادت در جامعه به ویژه در جوانان و نوجوانان، وزارتخانه های آموزش و پرورش ... نیروی  
مقاومت بسیج و سایر دستگاههای دولتی مکلفند اقدامات مشخص در بندهای (الف تا ه) را به  
عمل آورند.

این ماده از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً؛ نقش بسیج و مأموریت ذاتی آن را در  
فرهنگ سازی و تحکیم مبانی معرفت دینی در جامعه، مورد شناسایی و تأیید مجدد قرار داده

است. ثانیاً؛ وجود نهادهای فرهنگی خاص، نظیر آموزش و پرورش یا فرهنگ و ارشاد اسلامی را در کنار لزوم ایفای وظایف قانونی و ذاتی بسیج در امور فرهنگی و دینی پیش بینی کرده است. این در حالی است که در مواد ۱۰۶ و ۱۰۸ قانون برنامه چهارم که جایگزین این مواد می باشد، هم وظایف نهادهای دولتی به صورت کلی تر و نامحسوس تبیین شده و هم اینکه از تصریح به کارویژه های بسیج، خودداری و به جای آن تکلیف دولت به ساماندهی امور فرهنگی و ارتقای عمل به ارزشهای دینی در جامعه مقرر شده است.

#### ۴- بسط سازمان و مدیریت بسیج متناسب با برنامه های توسعه شهری

یکی از بسترهای تعمیق و بسط بسیج در جریان تحولات کمی و کیفی اجتماع، پیش بینی فعالیت بسیج متناسب با گسترش شهرک سازیها به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ است. ذهن فعال قانونگذار سوم و کارشناسان تهیه کننده پیش نویسهای آن، از تأمل در این خصوص اغفال نورزید و ماده ۱۶۳ (بند ب) قانون برنامه سوم به صورت صریح و شفاف به تبیین این امر اختصاص یافت. بر اساس این ماده:

وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها موظفند در کلیه شهرکهای جدیدالاحداث، اراضی مناسب را برای احداث پایگاههای مقاومت بسیج پیش بینی کرده و پس از آماده سازی، بدون هزینه در اختیار متقاضیان قرار دهد.

با اینکه قانونگذار در اغلب موارد، موادی از قانون برنامه سوم را در طول سالهای ۸۸-۱۳۸۴ نیز قابل اجرا دانسته، اما متأسفانه مسأله مذکور در بند ب ماده ۱۶۳ مورد تأیید مجدد قرار نگرفته است. با اینکه در همین بند نیز ضعفهای قانون چهارم در مقایسه با قانون برنامه قبل، به صورت کلی بیان شد اما اکنون باید به تفصیل دید که قانون اخیر با چه رهیافت و در پرتو رویکردی (پررنگ کردن حضور بسیج در امور عمومی یا تمرکز دادن آن به نقشهای عمدتاً نظامی)، فرایند اقدام و فعالیت بسیج در طول این پنج سال را ترسیم نموده است. خواهید دید که برنامه چهارم، وضعیت شناخته شده در برنامه سوم را ارتقا نداده بلکه تقلیل داده است.

بند سوم : قانون برنامه چهارم توسعه و چشم انداز پنج سال فعالیت بسیج

جمهوری اسلامی ایران تاکنون سه برنامه توسعه پنج ساله و مدون را تجربه کرده است. با نزدیک شدن دوران خاتمه مدت اجرای برنامه سوم توسعه، دولت (به معنای قوه مجریه که در این نوشتار صرفاً بدین عنوان به کار خواهد رفت) درصدد تدوین برنامه چهارم برآمد. نهایتاً متعاقب بررسیهای متعدد کارشناسی و طرحهای ارائه شده از سوی نهادهای مختلف دولتی، پیش نویس برنامه چهارم در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و جهت طی مراحل قانونی، به کمیسیون لوایح دولت تقدیم شد.

هیأت وزیران بر اساس چشم انداز توسعه بیست ساله کشور (مصوب مقام معظم رهبری)، برنامه مذکور را با عنوان رشد پایدار اقتصادی دانایی محور در اواخر سال ۱۳۸۲ تصویب و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که نهایتاً با بازگشت به مجلس هفتم (حسب نظر مجمع تشخیص مصلحت و به استناد نظریه تفسیری شورای نگهبان درخصوص اصل ۱۱۲ قانون اساسی)، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ به تصویب این مجلس رسید. برنامه به دلیل ایراد مجدد شورای نگهبان، در مجمع تشخیص مصلحت مطرح و پس از رفع اختلاف، ابلاغ آن به تأیید مقام معظم رهبری رسید. (نامه شماره ۹۶/۶۶۹۱۱ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۶، رئیس مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور)

کارویژه های بسیج در قالب قانون برنامه چهارم توسعه را از دو منظر می توان مدنظر قرار داد. از طرفی اصول کلی ناظر بر مدیریت برخی از امور جامعه (نظیر امور فرهنگی، دفاع و تأمین امنیت ملی) به گونه ای است که به کارکردهای اصلی بسیج مربوط می شوند و از این جهت، تشریح آنها به منزله بازتعریف این کارکردها در فرازی از چشم انداز توسعه بیست ساله کشور خواهد بود. از طرف دیگر، در برخی از موارد، قانونگذار در تبیین برخی از اولویتهای خود به صراحت به نیروی مقاومت بسیج اشاره کرده و برای آن نقش خاص قائل شده است. در این بخش به مجموعه دو محور مذکور خواهیم پرداخت.

## ۱- شناسایی ظرفیتهای جوان بسیج در راستای سازندگی کشور

تلقی جوانان به عنوان یکی از سرمایه های اجتماعی و عناصر عمده پیشبرد برنامه ریزی توسعه، به ویژه در کشورهای جوان (نظیر کشورمان)، موجب شده که قانونگذار ایرانی جوان بودن جمعیت کشور را به عنوان نکته ای مثبت و پشتوانه تحقق چشم انداز توسعه تلقی کند. اساسی ترین بخش از قانون مذکور در رابطه با تبیین وضعیت کارکردها و مأموریت های بسیج در طول برنامه پنج ساله ۸۹-۸۴، موارد ۱۱۲ و ۱۲۶ است. این مواد در بخش پنجم و زیر عنوان تأمین مطمئن امنیت ملی با تأکید بر کارویژه امنیت سازی (Security- Building) و امنیت بانی (Security- Keeing) بسیج، به نقش و تأثیر جوانان در این فرایند پرداخته است.

ماده ۱۱۲، بر تبیین و تقویت جایگاه جوانان در جامعه به عنوان سرمایه اجتماعی کشور تأکید کرده و ماده ۱۲۶ نیز چنین مقرر نموده است:

به منظور به کارگیری جوانان در سازندگی و فعالیتهای اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی ... و سایر دستگاه های ذی ربط مجازند در اجرای طرح های تملک دارایی های سرمایه ای و خدمات اجتماعی خود از ظرفیت جوانان کشور اعم از تشکلهای غیردولتی جوانان و نیروی مقاومت بسیج استفاده نمایند. آیین نامه اجرایی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان ملی جوانان، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

همان طور که پیداست، مخاطب اصلی این ماده، دستگاه های دولتی غیر از بسیج بوده و از نیروی مقاومت بسیج تنها به عنوان نهادی که جمعی گسترده از جوانان کشور را در بدنه خود گردهم آورده و سازماندهی کرده است، یاد شده است. در واقع؛ برداشت حقوقی از این ماده این است که، بسیج به عنوان نهادی مملو از ظرفیتهای و قابلیت های جوان، قادر است در مهیا کردن شرایط سازندگی کشور از طریق نیروی جوان کشور بیشترین نقش را ایفا کند. به همین دلیل، نهادهای دولتی مجاز شده اند که در راستای تحقق سازندگی کشور از طریق جوانان، از این

ظرفیتها استفاده کنند. با این حال، دو ضعف و ایراد اساسی در این ماده در رابطه با موقعیت قانونی و کارویژه ای بسیج به چشم می خورد:

اولاً؛ بسیج، مخاطب اصلی ماده در اتخاذ اقدامات اجرایی و برنامه ریزی جهت سازندگی کشور از طریق جوانان بسیجی نبوده و تنها موضوع و مهیا کننده اجرای طرحهای سایر دستگاهها در این رابطه است.

ثانیاً؛ متأسفانه عبارت پردازی ماده، با اولویت سازندگی کشور از طریق جوانان تناسب ندارد. در واقع؛ قانونگذار استفاده از ظرفیتها و قابلیتهای جوانان در نیروی مقاومت بسیج را تنها به عنوان امری اختیاری و فرصتی یاد کرده است. از این رو، دستگاههای ذی ربط در این خصوص مکلف نشده اند.

در این صورت، ممکن است دستگاههای مذکور از این فرصت استفاده نکنند و چون بر ابتکار خود بسیج هم در این خصوص تصریح نشده، ممکن است قابلیتهای مذکور همچنان فعلیت نیافته باقی بمانند. این در حالی است که جوان بودن سطح وسیعی از جمعیت کشور می طلبد که بیشترین تأکید بر استفاده از این نسل در توسعه همه جانبه کشور به عمل آید. امید است که این ضعفها به نحوی در آیین نامه اجرایی آن ماده، برطرف گردد.

## ۲- فرهنگ سازی و حمایت از ارزشهای ملی - فرهنگی

بخش چهارم برنامه چهارم، به صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی اختصاص یافته و با ۱۵ ماده، یکی از حجیم ترین بخشهای آن قانون است که نشان از اهمیت و اولویت مفاد آن از منظر قانونگذار ایرانی دارد.

ماده ۱۰۴ با تأکید بر محوری بودن توسعه فرهنگی، وظایف کلیدی نهادهای مختلف را در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی (از جمله بسیج) برشمرده است. با توجه به کلیت این وظایف،



برنامه ریزی بسیج در طول پنج سال آینده باید با در نظر داشتن محورهای کلیدی مذکور صورت گیرد. این محورها عبارتند از:

- حمایت از توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی حاوی اطلاعات و داده های فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی؛ (بند ط، ماده ۱۰۴)

- صرف نیم درصد اعتبارات دستگاههای اجرایی به منظور ترویج فضائل اخلاقی و معارف اسلامی و انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی کارکنان خود (بند ی) با همکاری وزارت فرهنگ و [بسیج]؛

- ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری (کتابخانه مرکزی، تالار فرهنگی و هنر و ...) متناسب با ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی؛ (بند ک)

در ماده ۱۰۶ نیز با تأکید بر عناصر فرهنگی مؤثر بر شکل گیری هویت اسلامی - ایرانی، تلاش و ممارست در حفظ این هویت را به عنوان یک ضرورت مهم در چشم انداز توسعه همه جانبه کشور تلقی و مقرر کرده است که:

دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگی قرآنی، اقدامهای زیر را به عمل آورد:

- بسط آگاهیها و فضائل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و زمینه سازی اقدامهای لازم برای ایجاد فضاهای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن؛

- گسترش فعالیت رسانه های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و سالم سازی فضای عمومی.

در کنار موارد مذکور که به صیانت از هویت دینی و ملی مربوط می شود، بستر سازی برای تولید فرهنگ نیز مطرح شده و ابعاد نرم افزاری فرهنگ سازی و صیانت فرهنگی در صدر

وظایف نهادهای فرهنگی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱۰۸ قانون برنامه چهارم، دولت موظف است اقدامات لازم را به منظور حصول مقاصد زیر به انجام رساند:

- حمایت از پژوهشهای راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیتهای قرآنی؛

- تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز؛

- تهیه طرح جامع گسترش فضاهاى مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف؛

- استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛

- آشناسازی جوانان و تحکیم ارتباط آنان با اندیشه و زندگی امام و آرمانهای انقلاب اسلامی.

دستگاههای فرهنگی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می کنند، موظفند حداقل سه درصد از بودجه عملیات فرهنگی و تبلیغی خود را جهت انجام اقدامات مذکور اختصاص دهند.

آیین نامه اجرایی این ماده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

همان طور که پیداست، هر یک از اقدامات فرهنگی مذکور، تلاش منظم و هماهنگ شده ای را طلب می کند که بدون برنامه ریزی در سطوح اجرایی، نهادی و بین بخشی میسر نخواهد بود. بدون شک، بسیج به عنوان یکی از نهادهایی که کارکردهای آن با تأمین امنیت فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی عجین شده است، باید نقش مؤثرتری در این حوزه ایفا کند. ضمن اینکه هماهنگی بین نهادهای مختلف فرهنگی کشور نیز باید تقویت یابد.

با این حال، مواد مذکور خالی از انتقاد نیستند. با اینکه مفاد آنها کلی بوده و ناظر بر نقش کلیه دستگاههای فرهنگی کشور است، اما در تمهید مقررات اجرایی آن، نقش بسیج مورد

بی توجهی قرار گرفته است؛ کما اینکه در ماده ۱۰۸، فعالیتها، ابتکارات و سطح اقدام بسیج در تعمیق شناخت جوانان از اندیشه های امام و ارزشهای انقلاب و گسترش قبول و اجرای فرهنگ اسلامی و ارزشهای دینی تصریح نشده و در این خصوص به نهادهای دیگر اکتفا شده است. این در حالی است که در ماده ۱۷۵ قانون برنامه قبل که به تبیین همین موضوع اختصاص داشت، به دقت و صراحت بر نقش نیروی مقاومت بسیج اشاره شده بود.

با اینکه در قانون جدید، دولت مکلف به اتخاذ یک سلسله اقدامات فرهنگی و تدوین راهبرد فرهنگی کشور شده، اما ابهام زدایی از مقررات و استفاده مناسب از تجارب قانون برنامه سوم می طلبد که منظور از دولت در این ماده تشریح می شد و به جای این واژه کلی، نهادهای فرهنگی ذی ربط، مخاطب این ماده قرار می گرفتند.

شایان ذکر است که در سراسر قانون برنامه چهارم توسعه (همانند سایر برنامه ها)، دولت به معنای قوه مجریه می باشد. از این جهت، نیروهای مسلح در کلیت آنها و به ویژه بسیج، از نظر ساختار اداری کشور (طباطبایی، ۱۳۷۵)، جزء دولت به معنای قوه مجریه نبوده، از این جهت از نظر حقوقی نمی توان آن واژه را به بسیج و امثال آن تسری داد.

### ۳- بسط فعالیت سازماندهی شده زنان بسیجی

بسیج خود یک تجمع سازماندهی شده عموم افراد، اقشار و اصناف جامعه به منظور حصول اهداف معین و مشخص است که برآیند آن تأمین نظم و امنیت در جامعه و منافع عمومی خواهد بود. همان طور که در تحلیلهای علمی نشان داده شده است (ساعد و تیل، ۱۳۸۳، صص ۲۴-۲۵)، امروزه تأمین منافع عمومی و مدیریت امور مختلف و پیچیده اجتماع تنها یک مسأله دولتی نیست، بلکه مردم خود از طریق تشکلهای مردمی و غیرحکومتی نیز می توانند در آن سهیم شده و به دولت در این راستا کمک کنند. تشکیل سازمانهای غیردولتی از مهمترین محورهای مطمح نظر در این گستره هستند.

با اینکه کلیات مأموریتها، روشهای انجام آنها و تأمین اهداف تشکیل نیروی مقاومت بسیج، چه در قالب فرامین فرماندهی و چه در پرتو قوانین و مقررات موضوعه، حاکی از امکان گسترش سازمانهای غیردولتی بسیجی از طریق ابتکار و مدیریت نیروی مقاومت (با هماهنگی برخی از دیگر نهادهای دولتی ذی ربط) است، قانون برنامه چهارم نیز با پیش بینی تمهیداتی خاص در این رابطه، امکان ابتکار عمل بسیج را افزایش داده است. ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم، مهمترین نص قانونی در بطن فعالیت تشکلهای غیردولتی بسیجی به منظور سازماندهی فعالیتهای زنان می باشد. بر اساس این ماده:

دولت موظف است با هدف حمایت و تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور اقدامات زیر را به عمل آورد:

- تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی و تشکلهای زنان به مجلس شورای اسلامی (بند ب).

بدون شک با توجه به نقش نیروی مقاومت بسیج در تحت پوشش قراردادن درصدی عظیم از زنان (زنان بسیجی)، اولاً؛ مفاد این لایحه باید با در نظر داشتن اوصاف و خصایص زنان بسیجی و امکان تشکل آنها در قالب سازمانهای غیردولتی باشد و ثانیاً؛ سازماندهی زنان بسیجی در جهت تحقق مأموریتها و اهداف بسیج مردمی، با نظارت نیروی مقاومت بسیج بوده، مرجع صدور مجوز و نظارت کارکردی آنها نیز در بدنه این نیرو پیش بینی شود. بدون شک، استقرار این ایده منوط به ابتکار عمل و پیگیری نیروی مقاومت بسیج خواهد بود.

#### ۴- بسیج در گستره دفاع و امنیت ملی

ماده ۱۱۹ نیز همانند مواد پیش گفته، در بخش تأمین مطمئن امنیت ملی پیش بینی شده است. این ماده به صورت دقیق تر به امنیت سازی و امنیت بانی نیروهای مسلح و بخش دفاعی کشور پرداخته و از این جهت، به امنیت ملی به مفهوم دقیق و مضیق آن نزدیکتر است.

بر این اساس و با در نظر داشتن مواد ۱۲۱ و ۱۲۵ همان قانون، محورهای تکلیف دولت در خصوص تأمین مطمئن امنیت ملی با محوریت فعالیتهای دفاعی به شرح زیر است:

- تعمیق شناخت مؤلفه های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه گری؛ (بند د)

- تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها و کنترلهای درونی به جای رویکرد امنیت و ارتقای احساس امنیت در جامعه؛ (بند و)

- تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی؛ (بند ط)

- آموزش عمومی به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی؛ (بند ۱۱ ماده ۱۲۱)

- تهیه طرح جامع امنیت ملی با بهره گیری از ظرفیتهای دستگاههای ذی ربط. (ماده ۱۲۵)

بدون شک، بسیج با تکیه بر قدرت مؤثر عزم و اراده مردمی در دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدها، یکی از مهمترین پایه های مطمئن و مؤثر امنیت ملی است. آنچه با عنوان تعمیق شناخت مؤلفه های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه گری در بند ۱۱ ماده ۱۱۹ مقرر شده، به حوزه مأموریت بسیج (تقویت توان پشتیبانی و اقدام مردمی در دفاع مسلحانه از کشور در مقابله با تهدید) بسیار مربوط می شود.

از طرف دیگر، اتخاذ راهبردهای مناسب به منظور تعمیق مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها در جامعه به جای رویکرد امنیتی و همچنین ارتقای احساس امنیت در جامعه نیز با فعالیت و نقش آفرینیهای بسیج به خوبی حاصل می شود. ضمن اینکه این موارد باید در طرح جامع امنیت ملی، که باید حاصل شناسایی منافع ملی امنیتی، مؤلفه های قدرت ملی و نحوه حصول این

منافع با اتکا بر قدرت ملی باشد، به صورت مناسب مورد توجه قرار گیرد. بدون شک، بسیج یکی از نهادهای مؤثر در تأمین امنیت داخلی بوده و باید در تدوین طرح مذکور مشارکت یابد.

با این حال، به نظر می رسد که نگاه تدوین کنندگان برنامه چهارم به این مقوله ها، با در نظر داشتن جمیع جهات امنیت ملی سازگاری نبوده است. به عنوان مثال، به نقش الزامی بسیج در تدوین طرح جامع امنیت ملی و همچنین ارتقای بخشی از مؤلفه های قدرت ملی هیچ اشاره ای نشده است. امید است که وزارت دفاع به عنوان مسئول تدوین روشهای اجرایی ارتقای توان دفاعی کشور و مقابله با تهدیدات (تأمین هوشمندان امنیت ملی)، از دیدگاهها و نقطه نظرات بسیج نیز بهره گرفته و ملاحظات بسیج را نیز مدنظر قرار دهد.

## سخن آخر

نظم حقوقی بسان مجموعه ای از قواعد حقوقی حاکم بر روابط اجتماعی که تأمین، حفظ و بهبود نظم و امنیت یا عدالت را غایت خود می داند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۸)، همانند بستر خود (روابط اجتماعی) تابعی از تحولات و دگرگونیها است. به عبارت دیگر؛ هرچند اصولی غالباً ثابت، پایدار و تغییرناپذیر (بر گرفته از طبیعت یا فطرت انسانی) وجود دارند که ستونهای نظم حقوقی را تشکیل می دهند، اما جزئیات قواعدی که به تنظیم امور اجتماعی و روابط در جامعه انسانی همت می گمارند، از اصل نسبیّت تبعیت می کنند (همان)؛ یعنی قواعدی هستند که بسته به مکان و زمان، از تنوع برخوردارند. حقوق، علم به الفاظ نیست. حقوق، قانون زندگی است و همان گونه که زندگی تغییر می کند، قوانین هم تغییر پیدا می کنند و با زندگی پیش می روند. (کاتوزیان، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۲۱)

این تحرک و تغییرپذیری قواعد همانند ثبات نسبی، وصف غیرقابل تردید نظم حقوقی است. به عبارت دیگر؛ نظم حقوقی، تابعی از نظم اجتماعی بوده و باید با آن همساز و رابطه ای تعاملی داشته باشد. چرایی قبول این وضعیت، حاصل درک متغیر بودن پدیده های اجتماعی (موضوعات و تابعان حقوق) است تا جایی که یکی از اوصاف قانون مطلوب و انطباقی، همین

پویایی منابع حقوقی و انطباق آنها با تحولات اجتماعی است (دوورژه، ۱۳۷۰، ص ۲۰). بنابراین، اینکه منابع صوری علم حقوقی (به ویژه قوانین) باید به تبع تحولات، قابل تغییر و انطباق پذیر باشند، از منطقی پذیرفتنی برخوردار بوده و غیرقابل انکار است. از این رو، تغییر و تحول صوری و مفادی قوانین برنامه های توسعه از جهات مختلف قابل توجه است. قانون برنامه توسعه، ترسیم چشم انداز کلی فعالیت و اقدام مجموعه نهادهای حاکم با هدف تحقق و تسهیل عملی شدن اهداف و افقهای رشد و تعالی است. این سند تابع ملاحظات زمانی بوده و از این جهت، تحولات و تغییراتی در بسترهای اجتماعی و محیط داخلی و خارجی اعمال این برنامه ها پدید می آید که لاجرم قوانین جدید باید به رغم بی توجهی قوانین گذشته، آن را در نظر آورند و قانونمند سازند. با این حال، قانون برنامه چهارم توسعه نتوانسته آن گونه که مورد انتظار بوده، موقعیت قانونی بسیج را در طول این برنامه تحکیم کرده و قوام بخش فرایندی باشد که برنامه سوم پایه ریزی نموده است.

در ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه، بسیج به منزله یکی از دستگاههای دولتی تلقی شده که نقش و مأموریتی اساسی در رابطه با امور جوانان داشته و سازماندهی جوانان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی باید با در نظر گرفتن نقش و مأموریت این نیرو صورت پذیرد. این تنها ماده ای است که در قانون برنامه چهارم (در قالب ماده ۱۲۶) به صورت مفید و مؤثر بازشناسی و در طول این برنامه نیز قابل اجرا اعلام شده است. در سایر موارد، مفاد قانون برنامه چهارم در خصوص نقش و مأموریت بسیج، بسیار ضعیف تر از قانون برنامه سوم است.

تغییر بنیادهای امنیت سازی و حفظ امنیت موجود از نهادهای حکومتی؛ به ویژه اطلاعاتی و نظامی به بخشهای مردمی، که به مردمی کردن تأمین امنیت ملی موسوم است، به خوبی مورد توجه قانونگذار در تدوین برنامه سوم توسعه قرار داشت. به همین دلیل، ماده ۱۷۵ به این امر اختصاص یافت و در این خصوص غایت تشکیل بسیج؛ یعنی تشکیل ارتش بیست میلیونی سبب شد که بار اصلی تأمین این رسالت بر عهده بسیج قرار گیرد.

ماده ۱۷۵ قانون برنامه سوم با بسط دامنه ماده ۱۵۷ در خصوص جوانان و نوجوانان، با محوریت ایجاد بسترهای مناسب تر به منظور تشکیل ارتش بیست میلیونی و مردمی کردن دفاع و تأمین امنیت ملی، نه تنها توسعه فعالیت‌های بسیج را در ابعاد مختلف پیش بینی کرد بلکه هزینه های انجام شده در این راستا را نیز به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی کرد و حتی فعالیت‌های شهرسازی نیز با گسترش کانونهای بسیج برای شهرکهای جدید، برنامه ریزی شد. اما در برنامه چهارم، نه تنها تناسب فعالیت‌های شهرسازی با کانونهای بسیج در نظر گرفته نشده بلکه از معافیت مالیاتی اقدامات مرتبط با گسترش بسیج و همچنین معافیت واحدهای جدید بسیج، از پرداخت عوارض قانونی ناظر بر صرف هزینه های مربوط به توسعه بسیج در دستگاههای دولتی و وابسته به دولت خبری نیست و به هنگام تبیین بسط فرهنگ و معرفت دینی توسط نهادهای دولتی، از تصریح به نقش بسیج خودداری شده و در تدوین آیین نامه های اجرایی ناظر بر این اهداف و اقدامات نیز از عباراتی مبهم استفاده شده که قرار گرفتن بسیج به عنوان مصداق نهاد مسئول چنین اموری را دشوار ساخته است.

در قانون برنامه چهارم، اهداف اساسی نظام در ارتباط با بسیج، با وجود تصریح قانون برنامه سوم توسعه؛ یعنی پنج سال بودن در دستور کار مجموعه بسیج و نهادهای دیگر، مورد بی توجهی کامل قرار گرفته است. تحقق آرمانهای حضرت امام(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی، ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی، دفاعی، اشاعه تفکر بسیجی، مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق کمی و کیفی بسیج مستضعفین، به صراحت در مواد ۱۵۹ و ۱۷۵ قانون برنامه سوم پیش بینی و مورد تأکید قرار گرفته بود، ولی قانون جدید، فاقد چنین نگرش جامع و دقیق است. با اینکه اهداف مذکور، حالت مقطعی و موقت نداشته و در پایان برنامه سوم نیز اقدام در راستای تحقق آنها ضروری بوده است، در برنامه چهارم استمرار مقررات آن مواد مورد تأکید واقع نشده است. علاوه بر آن، قانونگذار متأسفانه مسأله مذکور در بند ب ماده ۱۶۳ در خصوص توسعه بسیج همگام با برنامه ریزیهای توسعه شهری را نیز از نظر دور داشته است.



در هر حال، در نظام برنامه ریزی شده ای که تدوین کنندگان برنامه های توسعه پنج ساله در نظر داشته و دارند، مأموریتها و اهداف بسیج باید در پرتو راهبردهای ملی مرتبط با این نیرو تعقیب و پیگیری شود. همان طور که در بالا اشاره شد، با توجه به قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، بسیج از دو منظر مورد توجه بوده است: راهبردهای عام ناظر بر نیروهای مسلح (که بسیج به عنوان بخشی از سپاه تابع آنها خواهد بود) و راهبردهای خاص بسیج (به ویژه فرهنگی با تأکید بر قابلیت‌های نسل جوان) که قانونگذار به صورت صریح آن را در خصوص این نهاد مورد توجه قرار داده است.

ملاحظهٔ هنجارها و مقررات حقوقی راجع به نقش آفرینی بسیج و انتظارات عمومی از این نیرو نشان می‌دهد که خلأها و کاستیهای قانونی متعددی در مسیر تحقق کارویژه های بسیج وجود دارد. به نظر می‌رسد که در فضای کنونی، مسیر رفع این کاستیها و ارتقای اثربخشی کارکرد بسیج و تسهیل انجام مأموریت‌های آن فراهم شده و بهتر است در این رابطه ابتکار و اقدام مناسب به عمل آید.

### **پیشنهاد‌های نهایی پژوهش**

با توجه به آنچه در بالا به صورت تحلیلی ارائه شد، موارد زیر جهت ارتقای راهبردها و استراتژی ارتقای کارآمدی بسیج در تحقق اهداف و مأموریت‌های محوله پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد که با در نظر داشتن محورهای زیر، می‌توان برنامه چهارم را گامی دیگر در تقویت کارکردهای بسیج در ابعاد مختلف، به ویژه: تأمین امنیت و نظم عمومی، صیانت از امنیت و هویت فرهنگی، ارتقای توان دفاع ملی، گسترش ارزشها و تعمیق آنها در بستر جامعه، ترسیم آینده ای امیدبخش برای عموم و ارتقای رضایت از نظم سیاسی و اجتماعی تلقی کرد.

۱- توجه ویژه به کارکردها و پتانسیلهای بسیج در تحقق اهداف برنامه چهارم به ویژه در امور فرهنگی و تمهید لوازم ایفای مؤثر این کارکردها؛

در این خصوص لازم است که نیروی مقاومت بسیج در تدوین مقررات اجرایی این موارد نقش مؤثر داشته و تجارب خود را در این حوزه جهت تکمیل قانونگذاری و قانونمندی امور فرهنگی کشور ارائه کند. این در حالی است که تنها ظرفیتهای جوان ترکیبی بسیج، توجه قانونگذار را به خود جلب کرده و سایر فرصتهای نهفته در آن مورد استقبال خاص قرار نگرفته است. لازم است این امر در سایر موارد نیز تعمیم و بسط یابد. از طرف دیگر، ایفای مسئولیتهای گسترده، مستلزم پیش بینی شرایط و لوازم سازمانی و مالی است و بدین منظور ضروری است که امور برنامه و بودجه بسیج، با توجه به وضعیتهای متفاوت و جدید، گسترش یافته و اعتبارات قانونی در بودجه این نهاد، به صورتی متناسب پیش بینی شود.

۲- برجسته کردن نقش بسیج در جهت دادن به فعالیت جوانان در امر سازندگی کشور، به ویژه از طریق تعامل مؤثر این نیرو با سازمان ملی جوانان و تمهید راه حل مشترک پیرامون سازمانهای غیردولتی جوانان بسیجی، ساماندهی امور اشتغال و ازدواج جوانان و فعالیت آنها در جهت آشنایی با اولویتهای نظام و حمایت از آنها؛

از آنجا که مدیریت امور جوانان در جامعه، علاوه بر بسیج، بر عهده نهادهای خاصی نظیر سازمان ملی جوانان می باشد، لازم است با اتخاذ تدابیر و راهبردهای مشترک امور جوانان به نحوی مدیریت شود که با دورنمای توسعه همه جانبه کشور سازگاری داشته باشد. ایجاد کمیسیون مشترک امور جوانان با حضور نمایندگی نهادهای دولتی ذی ربط در این حوزه، نظیر بسیج، سازمان ملی جوانان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور و ... می تواند راهگشای سیاستگذاری نهادهای مختلف دولتی عضو در جهت ساماندهی امور جوانان باشد.

۳- دعوت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از بسیج در تدوین آیین نامه های اجرایی راجع به نحوه تأمین امنیت ملی و ارتقای اقتدار دفاعی کشور؛

هرچند وزارت دفاع، نماینده قانونی نیروهای مسلح در مجموعه دولت (قوه مجریه) بوده و مسئول پشتیبانی و ارائه لوایح قانونی و آیین نامه های اجرایی قوانین مرتبط با نیروهای مسلح است، اما در این خصوص استفاده از دیدگاهها و نظرات نیروهای مختلف نظامی و دستگاههای ستادی مرتبط با آنها به ویژه از این جهت که آنها مجرای بعدی این تصمیمات و مقررات خواهند بود، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

از این جهت، به نظر می رسد که معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع در ترسیم خطوط کلی آیین نامه های اجرایی راجع به قانون برنامه چهارم توسعه تا حدودی که به کارکردها و مأموریت‌های ذاتی بسیج مربوط می شوند، لازم است با تشکیل کمیسیونهای مشترک و بین نهادی (با حضور کلیه نهادهای نظامی ذی ربط و نمایندگان سطوح عالی فرماندهی نیروهای مسلح) در این خصوص رایزنی، مشورت و تصمیم گیری کرده و بر اساس تصمیم جمعی این نیروها اقدام کند.

۴- همکاری فعال بسیج با نهادهای غیرنظامی، به ویژه در جهت تدوین و اجرای امنیت ملی و حضور فعالانه آن در شناسایی مؤلفه های قدرت ملی و درج توان مشارکت و سازماندهی بسیج مردم در صیانت از امنیت و منافع ملی؛

۵- تمرین و آموزش دفاع از حقوق اساسی مردم و تلاش به منظور فرهنگ سازی به ویژه تعمیق فرهنگ قانون مداری و نظم و امنیت در سطوح و میان اقشار مختلف جامعه؛

۶- ارتقای توان نظامی بسیج و پتانسیلها و ظرفیتهای نرم افزاری و سخت افزاری دفاع از تمامیت ارضی و پاسخگویی به تهدیدها (به عنوان مهمترین و اصلیتترین کارویژه بسیج در پرتو اصل یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی و غایت تشکیل ارتش بیست میلیونی).

## منابع فارسی

۱- ترابی، سیدمصطفی و روحی، نبی الله (۱۳۷۹)؛ بسیج در پرتو قانون، تهران، نشر فرهنگی آیه.

۲- تیلا، پروانه (مهر ۱۳۸۳)؛ حقوق سازمانهای غیردولتی در نگاهی ایرانی، ماهنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۵.

- ۳- داوید، رنه (۱۳۷۵)؛ درآمدی بر حقوق تطبیقی، ترجمه حسین صفایی، تهران، دادگستر.
- ۴- دورکین، رونالد (۱۳۸۱)؛ حق و مصلحت، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۵- دوورژه، موریس (۱۳۷۰)؛ جامعه‌شناسی حقوقی، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۶- راسخ، محمد (۱۳۸۱)؛ حق و مصلحت، تهران، طرح نو.
- ۷- ساعد، نادر و تیلا، پروانه (۱۳۸۳)؛ بازشناسی سازمانهای غیردولتی در پرتو نظم حقوقی: فرصتها و ظرفیتهای فراروی بسیج، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۳.
- ۸- ساعد، نادر (بهار ۱۳۸۳)؛ دفاع غیرنظامی و ارزیابی کارویژه بسیج در پرتو آموزه‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۲.
- ۹- سیموندرز، نیل (۱۳۸۱)؛ فلسفه حقوق، حق و مصلحت، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۱۰- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵)؛ حقوق اداری، تهران، سمت.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، نشر یلدا.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)؛ اهمیت ذاتی قانون و فنون قانونگذاری، معمای حاکمیت قانون در ایران، اسماعیل خلیلی (تدوین)، تهران، طرح نو.
- ۱۳- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۹)؛ هفت ستون سیاست، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- نورث وایتهد، آلفرد (۱۳۷۶)؛ سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، دفتر نشر اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۵- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۷)؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- اساسنامه کمیته‌های انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۴.
- ۱۷- قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸، روزنامه رسمی ۱۳۵۹.
- ۱۸- قانون اصلاح موادی از قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور (۱۳۵۶/۱/۳۰).
- ۱۹- قانون تشکیل سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی (۱۳۵۳/۱۲/۱۹) و آیین‌نامه اجرایی آن (۱۳۵۵/۱۱/۲).
- ۲۰- قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲۱- قانون مقررات استخدامی سپاه.
- ۲۲- قانون نحوه حمایت قضایی از بسیج، مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱.

۲۳- لایحه ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی در سازمان بسیج ملی، مصوب ۱۳۵۹/۴/۴، مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۵۹.

۲۴- لایحه تشکیل سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۲/۱۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴.

۲۵- لایحه تشکیل سازمان بسیج ملی، مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۹، روزنامه رسمی، شماره ۱۵۱۶۴-۱۳۵۹/۴/۲۵.

۲۶- لایحه قانون تشکیل سازمان بسیج ملی، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹.

۲۷- مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور سال ۱۳۵۹.

۲۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹.

#### English References

۱. Marmor, Andrei (۲۰۰۱). Positive Law and Objective Values, Oxford: Clarendon Press.

۲. Starck, Christian (۲۰۰۳). Legitimacy of Constitutional Adjudication and Democracy, University of Gttingen.

## نقش بسیج در اقتصاد مقاومتی، موانع و راهکارها

عصمت صبوری فر

### چکیده:

تبیین نقش و جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است که در آن، نقاط ضعف و تهدیدزای اقتصاد تحلیل می‌شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی استخراج می‌گردد توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است اصطلاح اقتصاد مقاومتی در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری مطرح و سپس به مفهوم رایج مباحث اقتصاد سیاسی تبدیل شد. صاحب‌نظرانی با رویکردهای گوناگون در این حوزه اظهار نظر کرده‌اند؛ برخی با ادبیات علم اقتصاد، برخی با ادبیات اقتصاد اسلامی و برخی نیز نقش مؤلفه‌های حوزه‌های فرهنگ و سیاست را در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار داده‌اند با توجه به شرایط طرح اقتصاد مقاومتی، به نظر می‌رسد که یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است. در واقع برای اینکه راهکارهای مناسبی جهت توسعه‌ی اقتصاد مقاومتی داده شود، ضروری است که پس از تعریف مفهومی اقتصاد مقاومتی، نقاط ضعف و تهدیدزای آن مورد تحلیل واقع شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی استخراج گردد و در مرحله‌ی بعد، راهبرد خاصی جهت تبدیل این نقاط ضعف به قوت و تبدیل تهدیدها به فرصت تبیین شود.

**کلید واژه:** الزامات اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد ریاضتی، اقتصاد تدافعی، مدیریت

مصرف:

### مقدمه

علم اقتصاد، دانش چگونگی انتخاب مردم و جامعه است برای به کارگیری و استخدام منابع کمیاب جهت تولید کالاها و خدمات گوناگون و توزیع آنها میان افراد و گروه های مختلف جامعه برای مصرف است. مسایل اقتصاد جهانی و چالش های متعدد اقتصادی کشور باعث شد رهبر معظم انقلاب شخصاً وارد این موضوع شده تا به عنوان عالی ترین مقام کشور، راهنمایی ها و تدابیر لازم را با طرح «اقتصاد مقاومتی» ارائه نماید.

اقتصاد مقاومتی، دارای ویژگیهای خاصی است که در شرایط کنونی جهت رویارویی با دشمنان نظام و شرایط استراتژیک کشور قابل طرح است. «اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آنها و در شرایط آرمانی تلاش برای تبدیل این فشارها به فرصت است. اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش بر خوداتکایی است». از دیدگاه مقام معظم رهبری، «اقتصاد مقاومتی»، الزاماتی دارد که ایشان به «مردمی کردن اقتصاد»، «اجرائی کردن سیاست های اصل ۴۴»، «توانمندسازی بخش خصوصی»، «تشویق فعالیت اقتصادی، و سیستم بانکی کشور» اشاره دارد. ایشان در این نوع اقتصاد به چند محور اشاره می کند که شامل «کاهش وابستگی به صنعت نفت»، «توجه به صنایع دانش بنیان» و ظرفیتهای گوناگون دیگر در کشور به مسایل دیگر از قبیل «مدیریت مصرف - هم در دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی - می باشد.

پرداخت صداوسیما به این موضوع مستلزم تعیین مأموریت، هدف گذاری صحیح، مشخص کردن استراتژیها، سیاستگذاری متناسب با اهداف، برنامه ریزی جامع محتوایی، برنامه سازی مطلوب و مدیریت هوشمندانه و کارآمد است. براین اساس، بخش اساسی محورها با بهره گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری و نگرش نخبگان و دانشگاهیان در این زمینه استخراج می شود که در شرایط کنونی کشور که بحران های جهانی به مرحله حاد رسیده است و توجه به آن در چشم انداز توسعه کشور و سایر سیاست های برنامه سازی رسانه ملی ضروری است.

"سیاست ها، ضوابط تولید و پخش، متناسب با سیاست های قبلی و نحوه پرداختن به مسایل مهم کشور" تهیه گردید.

### اقتصاد مقاومتی چیست ؟

در ادبیات علمی، مفهوم اقتصاد مقاومتی، تاکنون به کار گرفته نشده اما می توان آن را از فرمایشات مقام معظم رهبری و دیدگاههای کارشناسان اقتصادی که به تازه گی مطرح کرده اند، استخراج کرد.

اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه داری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر- بخصوص کشورهای متخاصم - در شرایط بحرانی می پردازد؛ به گونه ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل به تولید انبوه محصول مورد نظر پردازد. تامین کالاهای اساسی مردم در جهت مقاومت در مقابل دشمنانی که سعی دارند بسیاری از کالاهای مورد نیاز آن کشور را تحریم نمایند.

در این زمینه، مقام معظم رهبری، به واقعیت هایی اشاره دارند که راهگشاست که مسئولین کشور، درافق بلندمدت می بایست در برنامه ریزی اقتصادی آنها را لحاظ کنند که می توان به «مردمی کردن اقتصاد»، «توجه به سیاست های اصل ۴۴» که در گذشته مطرح نمودند و «توانمندسازی بخش خصوصی»، «تشویق فعالیت بنگاههای اقتصادی»، «تقویت سیستم بانکی کشور» و دستگاه های دولتی



اشاره دارند که می بایست با کمک قوهی مقننه وقوهی قضائیه همراه باشد. همچنین از نظر ایشان، کاهش «وابستگی به صنعت نفت، توجه به صنایع دانش بنیان» و «ظرفیتهای گوناگون دیگر» در کشور بخش اساسی اقتصاد مقاومتی است که طرح فرمودند و مسایل دیگر از قبیل «مدیریت مصرف - هم در دستگاههای دولتی، هم دستگاههای غیر دولتی» بر رشد اقتصاد مقاومتی موثر است. اقتصاد مقاومتی می تواند گفتمان غالبی باشد که در جامعه امروز ما مطرح است و در عصری که بحران های اقتصادی بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا را در سراسی سقوت قرار داده است و اقتصاد مبتنی بر سرمایه داری لیبرال نیز نتوانسته است پاسخگوی نیازهای اساسی مردم باشد و تولید کالاها به شکل بیمارگونه ای به سمت مصرف گرایی محض رفته است که زمینه اتلاف سرمایه های بشری را فراهم آورده است ، این نوع اقتصاد و توجه به آن از ضروریات جامعه اسلامی است که بتوان از منابع محدود کنونی کشور به نحو مطلوبی استفاده کرد.

در مواجهه با اقتصاد بازار آزاد که تمامی تلاش خود را به تولید هر نوع کالایی اختصاص می دهد و هدف آن کسب سود از حداکثر کالاهاست ، اقتصاد مقاومتی یکنوع الگوی اقتصادی است که به استقلال اقتصادی یک کشور توجه دارد.

محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی برای اقتصاد مقاومتی ، کارشناسان اهل فن محورهای مختلفی ذکر کرده اند که ماحصل آن چه در جراید و رسانه ها مطرح شده است را می توان در چند بند ذکر کرد:

اتخاذ سیاست پولی مناسب جهت اجرایی کردن آن تبدیل منابع ارزی به سرمایه های مولد در جهت رشد اقتصاد اقدامات هوشمندانه در بازارهای جهان یاستفاده های اقتصادی از ظرفیت همسایگان توجه به ذخایر اقتصادی و پشتوانه های ملی مردمی کردن اقتصاد و بکارگیری نیروهای فعال جامعه در این حوزه اجرایی شدن سیاست های اصل ۴۴ توانمندسازی بخش خصوصی با همراهی دولت کاهش وابستگی به صنعت نفت و بکارگیری درآمد آن برای سرمایه گذاری اساسی توجه به صنایع دانش بنیان و ظرفیتهای گوناگون دیگر در کشور توجه به فرهنگ اقتصادی و کار و تلاش در کشور بها

دادن به سرمایه ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی کاهش وابستگی به محصولات دیگر کشورها و تلاش برای خوداتکایی اتخاذ سیاست انقباضی در تولید محصولات غیرضروری کنترل واردات بی رویه به کشور و واردات کالاهایی که مشابه ایرانی آن تولید می شود همراهی با مردم و آگاهی دادن به جامعه در جهت اتخاذ یک الگوی مشخص توجه به کارآفرینی و نوآوری در راستای شعار سال ۱۳۸۹ توجه به همت و تلاش مضاعف در راستای شعار سال ۱۳۹۰ تاکید بر مزیت های تولید و تلاش در راستای عنوان سال ۱۳۹۱ چه مأموریتی می توان برای رسانه تعریف کرد؟

فرهنگ سازی و اعتلای اقتصاد کشور به سمت اقتصاد مقاومتی هدایت متخصصان و کارآفرینان اقتصادی به سمت تولید محصولات استراتژیک تنویر افکار عمومی جهت افزایش مشارکت موثر در همکاری با دولت راهبردها در رسانه چه باید باشد؟

۱- ترویج اقتصاد مقاومتی و تنوع بخشی به الگوهای مناسب اقتصادی متناسب با نیاز کشور و شرایط خاص حریم

۲- تبیین و تحکیم حوزه های راهبردی اقتصادی در سطوح سرمایه گذاری، منابع انسانی، فرصت های تولیدی

۳- اطلاع رسانی و آگاهی بخشی مناسب و متعادل در جهت رشد سرمایه گذاری در کشور

۴- گسترش و تعمیق فرهنگ کار و تبیین نقش آثار آن بر استقلال اقتصادی کشور

تعریف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری و تفاوت آن با اقتصاد ریاضتی و چگونگی محقق شدن آن «اقتصاد مقاومتی» اصطلاحی است که این روزها نقل محافل خبری و اقتصادی کشور شده و اولین بار توسط مقام معظم رهبری در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور و ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور نمود. بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم های بی سابقه ای که به کشورمان تحمیل شده می دانند.

ابتدا اینکه بین ریاضت اقتصادی (Austerity plan) و اقتصاد ریاضتی تفاوت است ، کمتر کسی به تشریح مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی غرب پرداخته است که منجر به بروز ابهاماتی در این خصوص شده و برخی از مردم این دو مفهوم را مکمل و یا مترادف یکدیگر دانسته اند.

## مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقبا تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت ، که قطعا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود.

بنابراین مسئولان اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند. در تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه های اقتصادی به کار گرفته می شود.

تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی عبارتست از: سیاستگذاری و اجرای برنامه های اقتصادی معطوف به پایداری همه سطوح با فرض فشار همه جانبه نظام سلطه. دکتر رهبری رئیس دانشگاه علوم اقتصادی در تعریف اقتصاد مقاومتی میگوید: «اقتصاد» مقاومتی یعنی اینکه مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

## اقتصاد مقاومتی، موانع و راهکارها

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیلی محکمی به آمریکا، غرب و همه طرفداران لیبرال دموکراسی غربی و نظام سلطه گری به وجود آورد. این سیلی چنان تکان دهنده بود که دنیای استکبار پس از این واقعه به خوبی دریافت که ملت اسلام خواه ایران و نظام اسلامی در راه رسیدن به خواسته هایش و در مسیر استکبار ستیزی و عدالت و اقتدار، قدرتی عظیم و الهی دارد. از این رو دشمنان اسلام برای ضربه زدن و از میان برداشتن این قدرت، به شدیدترین و سخت ترین اقدامات مزدورانه متوسل شدند تا شاید بتوانند مثل سابق به زور گویی ها و ستمگری های خود ادامه دهند. به این ترتیب ظالمانه به ترور بزرگان و شخصیت های ارزشمندمان پرداختند، به بهانه خاک اما در واقع برای دفن کردن ایمان، حیا، غیرت، استقلال طلبی و... هشت سال جنگ را به این ملت

بزرگ تحمیل کردند. اما غافل بودند از اینکه سرشت انسانی و وجدان بیدار این ملت مسلمان، در راه اسلام و اعتقاد و ارزش هایش از جان گذشته است. و مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم، در خونشان جاری است.

### **اقتصاد مقاومتی و راهکارهای تحقق آن**

همچنین خودداری از خام فروشی نفت و حرکت به سمت اقتصاد غیرنفتی، استفاده حداکثری از کالاهای داخلی و نهراسیدن از تحریم های اقتصادی از دیگر نکاتی است که سال ها پیش از آغاز تحریم های نفتی و غیرنفتی مقام رهبری بر آن تاکید کردند، معظم له اقتصاد مقاومتی را راهکار عبور از تحریم ها عنوان کردند و در جای دیگر اقتصاد مقاومتی را حفظ روند پیشرفت کشور و کاهش آسیب پذیری نظام است را بیان فرمودند. در ابتدا باید به تعریف اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی پردازیم. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است فعال و پویا مبنی بر دانش و سرمایه بومی، فرهنگ دینی و اسلامی که برای مصرف سیاست گذاری کرده و به وسیله آن می توان بر تحریم ها پیروز شد. فرق اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی؛ برخی اقتصاد مقاومتی را همان ریاضت اقتصادی می دانند؛ ولی این دو با هم متفاوت است. در اقتصاد مقاومتی محدودیت منابع وجود ندارد، اما استفاده بهینه از منابع وجود باید طی یک برنامه زمان بندی شده صورت گیرد این در صورتی است که در ریاضت اقتصادی با

محدودیت منابع و سرمایه روبه‌رو هستیم و به ناچار باید سهمیه‌بندی کنیم و با کم مصرف کردن با محدودیت‌های موجود مقابله کنیم.

ریاضت اقتصادی که توسط برخی از دولت‌ها انجام می‌گیرد، گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد، چیزی که کشورهای غربی گریبان‌گیر آن هستند. هدف از طرح ریاضت اقتصادی بازپس گرفتن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازیابی طولانی مدت است.

در این صورت این دو با هم تفاوت زیادی است چون اقتصاد مقاومتی تبلور اقتصاد در مقابل تحریم‌ها و فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصاد ملی است که در نتیجه آن رشد تولید داخلی اقتصاد بومی را به ارمغان می‌آورد و برعکس ریاضت اقتصادی با خود کفایی و استقلال اقتصادی همراه است.

نکاتی درباره تحقق اقتصاد مقاومتی:

۱- تحقق اقتصاد مردمی؛ ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقامتی را نمی‌توان نادیده گرفت. اقتصاد مقاومتی ماهیت اقتصاد مردمی است. اگر قرار باشد ما اقدام در نهاد سازی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم، هیچ لزوم ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد بلکه لزوم دارد مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. نهادهای اقتصادی مردمی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند، اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولی مثبت در این عرصه شاهد خواهیم بود.

۲- حمایت از فعالان اقتصادی؛ لزوم توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی است؛ اگر دولت در حالت عادی از فعالان اقتصادی و کارگران و کشاورزان و... حمایت کند آن وقت می‌توان انتظار داشت آنها هم در روز مبادا به کمک کشور بیایند.

۳- گفتمان سازی؛ لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است. در اینجا به اهمیت جوانان و دانشگاه‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌رسیم. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست و این یک واقعیت هست و آن را باید تبدیل به فرهنگ و گفتمان کرد.

بهترین الگو برای ایجاد رابطه بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، الگوبرداری از فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله ما در برابر همه دنیا است.

۴- کاهش وابستگی به نفت؛ کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از نکات برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌باشد..

این وابستگی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب "میراث شوم صد ساله ماست باید از بین برود". صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند تا میزان زیادی این خلأ را پر کند. حمایت از تولیدکنندگان داخلی، ترویج مصرف کالاهای ایرانی در بازار مصرف و همچنین حمایت از صادرات غیرنفتی یکی از مؤلفه‌هایی است که موجب کاهش وابستگی اقتصاد به نفت می‌شود.

۵- مدیریت مصرف؛ مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. همه باید به این مسئله توجه داشته باشیم یکی از جنبه‌های مصرف این است که از تولید داخلی حمایت کنیم باید سعی کنیم که از کالاهای داخلی استفاده کنیم و از مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند پرهیزیم. در آخر باید به این نکته توجه کنیم که در اقتصاد مقاومتی همه وظیفه دارند در نوبه خود به وظایفشان عمل کنند، از کودک ایرانی گرفته تا مسئولین کشور.

### **تعریف ریاضت اقتصادی**

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی، صرفه جویی در مخارج جاری کشور، کاهش هزینه‌های رفاهی و تعدیل کارمندا در بخش دولتی دست می‌زنند که یونان و ایتالیا به خصوص یونان در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم میکند. این طرح که به منظور مقابله با کسری

بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد.

اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلاً کار خوشایندی به نمی‌رسد، اما، می‌تواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند.

هدف از اجرای طرح‌های ریاضت اقتصادی بازگرداندن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازیابی طولانی مدت است.

### **ویژگی‌های اقتصاد ریاضتی:**

۱. شرایط رویش طرح ریاضت اقتصادی: در شرایط کسری بودجه، بحران اقتصادی و شیب تند سقوط شاخصهای اقتصادی.

۲. هدف طرح ریاضت اقتصادی: کاهش هزینه‌های خود و جبران کسری بودجه.

### **ریاضت چه عایدی برای اقتصاد دارد؟**

از جمله نتایجی که اجرای طرح‌های ریاضتی بر اقتصاد دارد، می‌توان موارد زیر را نام برد:

کاهش تقاضا، کاهش تورم، رقابت و مقابله با کسری بودجه اثر ریاضت اقتصادی خود را به صورت انعطاف‌پذیری بازارکار، هزینه‌هایی که کاهش می‌یابد، سیاست‌های پولی، نرخ ارز، رشد جهانی و مداخله بانک مرکزی خود را نشان می‌دهد یکی از روش‌های رسیدن به اقتصاد مقاوتی از راه صرفه‌جویی است نه ریاضت؛ در حال حاضر ما شاهد آن هستیم که برخی مدیران به اشتباه ریاضت را به جای مقاومت و صرفه‌جویی در دستور کار خود قرار داده که می‌توان به عدم آگاهی آنان از این دو مفهوم اشاره کرد.

بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروزیکی دیگر نخواهند شد. در اقتصاد مقاومتی محدودیتی در منابع وجود ندارد اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان بندی شده صورت گیرد و این در حالی است که در ریاضت اقتصادی ما با محدودیت در منابع و سرمایه ها روبه رو هستیم و به ناچار باید با سهمیه بندی و کم مصرف کردن با محدودیت های موجود مقابله کنیم. در اقتصاد مقاومتی قوای سه گانه باید با تعامل بیش از گذشته در یک مجموعه ای که وظیفه هدایت کار اقتصاد مقاومتی را بر عهده دارد، تصمیمات لازم در این ارتباط را اتخاذ کرده و برای اجرا به دستگاه های ذیربط ابلاغ کنند.

هر یک از قوا باید با مرور وظایف خود نسبت به رفع چالش ها و موانع در اقتصاد مقاومتی اقدام کرده و هر یک از آنها تعامل با قوای دیگر را در برنامه کاری خود قرار دهند.

ریاضت اقتصادی هم به معنای آن است که بار سختی مشکلات اقتصادی بر روی دوش مردم قرار بگیرد نه طراحان برنامه های اقتصادی و دستگاه اجرایی. اما اقتصاد مقاومتی آن است که بار سختی ها بر دوش طراحان، برنامه ریزان و مجریان طرح اقتصادی است و مسلماً تفاوت فاحشی بین این دو طرح است

اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری:

ایشان در شهریور ۸۹ برای اولین بار واژه اقتصاد مقاومتی را وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی ما کردند و روز به روز نکات جدید و تازه ای را برای ما آشکار میسازند.

رهبر انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام در ۳/۵/۹۱ در ماه مبارک رمضان می فرماید: ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم... اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود... من سال ۸۶ در سخن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة و



السلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله‌ی اقتصاد را پیگیری میکنند؛ بعد هم آدم میتواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هائی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهائی است که میتواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ میتواند ما را پیش برد. ما باید دنبال این راه باشیم. جدا که این نام‌گذاری‌ها حلقه‌هایی است که ایجاد یک منظومه میکند و ما را به سوی پیشرفت سوق میدهد. اگر مسئول و مردم جدیت بیشتری به خرج میدادند و این راهکارها را به معنای واقعی عملی میکردند اینک لازم به تلاش مضاعف در جهت اقتصاد مقاومتی نبودیم.

## اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم. این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگودر مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گذاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و نگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در

عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی - مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشده‌ی و غیرمعقول به حساب آورد.

## اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاوم‌تی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند.

در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند.

مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به‌طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یک‌صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

## اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

## اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد.

بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص من وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.

## نتیجه‌گیری:

در مجموع، با بررسی نقش و وظایف مردم و دولت، نقش مردم به عنوان محور برپا کردن اقتصاد مقاومتی بسیار پررنگ است. عزم مردم برای کارآفرینی، حمایت از تولید داخلی، گفتمان‌سازی و... که اصول اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهند، برای تحقق یافتن به ایجاد ملزومات و زیرساخت‌هایی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارد که دولت موظف به ایجاد این شرایط و ضوابط دارد. هیچ کدام از مردم و دولت به تنهایی نمی‌توانند به تحقق کامل اقتصاد مقاومتی نائل بیایند و از این رو، مکمل بودن نقش‌ها و پیش‌فرض بودن شرایط مناسب برای توسعه پایدار ناشی از اقتصاد مقاومتی، وظیفه‌ی سنگین و خطیر دولت را یادآوری می‌نماید.

در مجموع، با توجه به دوسویه بودن و مشروط بودن اقتصاد مقاومتی به ایفای نقش مردم و دولت، نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را اقتصاد دولتی نامید؛ زیرا در صورت عدم اراده و عزم و خواست مردم، سرمایه‌گذاری و تلاش مردم و اعتقاد مردم به گفتمان اقتصاد مقاومتی، نمی‌توان به تحقق اقتصاد مقاومتی امیدوار بود.

نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی برخی هر چند به سختی اقتصاد اسلامی را می‌پذیرند و این عنوان را معنادار می‌دانند و قید اسلامی بودن را مانع معناداری آن ندانسته و آن را جزو ترکیبات بی‌معنا نمی‌شمارند ولی اقتصاد مقاومتی را عنوان فاقد معنا دانسته و نظریه اقتصاد مقاومتی را که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ارایه شده، فاقد بنیادهای علمی و عملی دانسته و آن را به شدت رد و انکار می‌کنند. در پاسخ به این افراد و رویکرد انکاری و تخطئه‌آمیز آنان باید گفت که اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی با تاکید بر رویکرد خاص است. به این معنا که اقتصاد مقاومتی از درون اقتصاد اسلامی بیرون آمده است و تنها تفاوت میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی در شرایط زیستی و تحقق آن است. به این معنا که اقتصاد مقاومتی در زمانی خاص برای هدف خاص شکل می‌گیرد و برخی از عناصر و مولفه‌های اقتصاد اسلامی در آن بیش‌تر مورد توجه و تاکید است؛ بنابراین همان نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان در نظریه اقتصاد مقاومتی رهگیری و ردگیری کرد.

**منابع:**

- ۱- بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۹۱/۶/۲
- ۲- بیانات در دیدار دانشجویان ۹۱/۵/۱۶
- ۳- بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۹۱/۵/۸
- ۴- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳
- ۵- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۹۱/۵/۱۹
- ۶- بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۹۱/۶/۱۶
- ۷- یادداشت دکتر عادل پیغامی، استاد اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، ده نکته درباره‌ی تحقق اقتصاد مقاومتی
- ۸- ۹۱/۰۵/۰۷ رئیس دانشگاه علوم اقتصادی؛ اقتصاد مقاومتی تغییر در فرهنگ مصرف و سرمایه‌گذاری به گزارش ۵۹۸ به نقل از فارس رابطه‌ی «فرهنگ» و «اقتصاد» در مکتب اقتصادی اسلام، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالعلی رضایی، عضو کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگوی با سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) ۹۰/۱۰/۳۰
- ۹- اقتصاد مقاومتی تفاوت با ریاضت اقتصادی، شهرزاد کیا فر دوشنبه، ۲۰ شهریور ۱۳۹۱ سخنان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در مسجد المهدی شهر ری مرکز مطالعه تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۰- فرهاد دژپسند؛ عوامل موثر بر رشد اقتصادی ایران. پژوهشنامه اقتصادی.
- ۱۱- مریم آزادفر و دکتر زهرا حضرتی صومعه (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر توسعه‌ی فرهنگ پژوهشگری از دیدگاه استادان دانشگاه‌های استادان قزوین.
- ۱۲- فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دکتر مهرداد نوابخش و مرضیه زارع هرفته (۱۳۸۹)، بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر فرهنگ کارآفرینی. مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۷ بهار ۱۳۸۹.
- ۱۳- دکتر سید رضا صالحی امیری، دکتر اسمعیل کاوسی، پوران‌دخت تقدسی (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر در صادرات کالاهای فرهنگی در ایران و آرایه راهبردهای مدیریتی.
- ۱۴- پایگاه تحلیلی تبیینی برهان

## نقش بسیج در ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

برای حفظ هر جامعه از فساد و انحراف و سقوط، نظارت همگانی و در بعضی از موارد، نظارت گروهی اشخاص لازم و ضروری است تا افراد صالح بر آن چه بر جامعه می گذارد، نظارت داشته باشند و جامعه و فرد را از «رفتن به سوی فساد و انحرافات» محفوظ نگاه دارند. بر اساس همین استدلال، از مهمترین و عظیم ترین فرایض و واجبات اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است.

با استفاده از این مقدمه می توان به ضرورت ایجاد ابزارهای «مراقبت های اجتماعی غیر رسمی» اشاره داشت که در نظم بخشیدن به رفتارهای اجتماعی بسیار کارآمد و مؤثرند. این مراقبت ها صورت می گیرند تا افراد مطابق الگوهای رفتاری مطلوب جامعه عمل کنند و از الگوهای نامطلوب پرهیز کنند. اگر تأملی هر چند گذرا به این وظیفه خطیر داشته باشیم، به درستی در خواهیم یافت که نیروی توانمند بسیج نقش مهمی در ایجاد این مسئله دارد.

از آنجایی که بسیجی رهرو راه الهی است و پیام الهی را با مدد از سیره و بیان اهل بیت از قرآن دریافت می کند و همواره در تلاش است تا وظیفه‌ی حساس اصلاح جامعه اسلامی را بر

دوش بکشد و تمامی ملامت ها را با جان و دل پذیرا باشد. شاید اطالهی کلام باشد که باز از وظیفه شناسی، ایثار و از خودگذشتگی بسیج در راه حفظ خط مشی ها و تداوم انقلاب سخن بگوئیم ولی درک بسیج از ضرورت سالم سازی جامعه اسلامی با انجام فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر علیرغم برخی بی مهری ها، از چنان ارزش و جایگاهی برخوردار است که اگر نگوییم بالاتر از فریضه جهاد مستقیم و حضور در میدان رزم است، قطعاً همسنگ چنین جایگاهی خواهد بود.

بسیج مملو از رفتارهایی است که وظیفه شناسی آحاد اعضای آن نسبت به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، دستاوردهای درخشانی را برای جامعه انقلابی ایران رقم زده است.

### **ویژگیهای منحصر به فرد بسیج**

بسیج از بدو تشکیل خود یکسری آرمانهایی را جستجو می کرده است و بر طبق همین آرمانها و ارزشها یکسری ویژگی های خاص خود را دارد که می تواند در احیای فرهنگ نورانی امر به معروف و نهی از منکر راهگشا باشد، لذا برای شناخت بهتر این ویژگیها به بیانات حضرت آیت الله مصباح یزدی در همین رابطه اشاره می کنیم:

« بسیج حرکتی است فراگیر در جامعه ، به سوی هدفی والا. مقصود از عبارت فوق ، بیان تعریفی جامع ، مانع و منطقی نیست. از این روی ، بهتر است ویژگیهای این مفهوم بازشناسی شود.

اولین ویژگی بسیج ، « حرکت » است. تفکر بسیجی با رکود و بی تحرکی تناسب ندارد. دومین ویژگی اینکه حرکتی « سریع و توفنده » است. کسانی که در جامعه حرکتی کند دارند، هرچند ساکن نیستند بسیجی نیز به شمار نمی آیند.

ویژگی سوم حرکت بسیج ، « فراگیر و جمعی بودن » آن است. اگر فرد یا گروهی کوچک ، حرکتی سریع انجام دهند ، این حرکت بسیج نیست. بلکه بسیج یک حرکت سریع فراگیر در جامعه است.

ویژگی چهارمی که می توان در این مفهوم شناسایی کرد ، « هدفمندی و انگیزه داشتن » این حرکت است. حرکت بسیجی یک حرکت کور به سوی هدفی نامعین نیست بلکه حرکتی بانگیزه به سوی یک هدف مشخص و شناخته شده است. آخرین ویژگی ، « فداکاری » است. از بیانات آیت الله مصباح یزدی «

این ویژگی ها مطمئنا در نهادی مانند بسیج تنها جمع گشته است ولی قابل ذکر است که اگر بخواهیم از این نیروی ارزشمند استفاده کنیم باید در خود بسیج نیز یک بازنگری دیگری صورت پذیرد و آفات موجود که اهداف عالی این نهاد مقدس را تحت الشعاع قرار می دهد را باید شناسایی نمود تا بتواند وظیفه های خود، از جمله احیای فرهنگ ارزشهای انقلاب مانند امر به معروف و نهی از منکر را ایفا نماید.

#### **نقش بسیج در اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر**

سومین مرحله از مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر را که اشاره می کنند، مرحله عمل و برخورد فیزیکی می باشد که خود دارای مراتبی است از جمله جدائی انداختن میان شخص و عمل ناروا ، ضرر زدن مالی و جانی ، این مرحله به جهت ظرافت و دقت خاصی که می طلبد ، باید با اذن فقیه جامع الشرائط و در زمان استقرار حکومت دینی با اجازه ولی فقیه و بازوان اجرایی وی صورت پذیرد. در این مرحله مهمترین مساله آن است که نخست مشخص گردد که چه نهادهایی متکلف این برخورد فیزیکی می باشند و ثانياً برای عدم تداخل وظایف هر یک از این نهادها و اساس ، چارچوب قانون مشخص گردد.

آنچه که بصورت یک واقعیت در جامعه قابل لمس است این مسئله می باشد که بسیاری از نهادها ( دولتی و دینی ) وجود دارند که به نحوی در باب امر به معروف و نهی از منکر مدعی



و دخیل اند این مسئله تنها به برخورد فیزیکی اختصاص ندارد بلکه در دو مرحله دیگر یعنی ( مرحله قلب و مرحله زبان ) نیز قابل مشاهده تر و عامه تر است. مانند بسیج ، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر ، وزارت کشور ، وزارت اطلاعات ، نیروی انتظامی و هیئتهای مذهبی ، باید برای مشخص کردن منشاء جایگاه کارکردها و کارکردهای غالب هر یک از این نهادها ، تعیین نقاط اصطکاک ، همپوشانی ، تماس و نسبت آنها با یکدیگر ( مشروعیت ، اقتدار ، نفوذ ) و روشن سازی بحران ها و مشکلات آنها تحقیقی جامع صورت پذیرفته و نحوه دخالت و حد و حدود آن در باب امر به معروف و نهی از منکر خصوصا در باب برخورد فیزیکی مشخص گشته و بصورت قانون در آمده و این قانون یا قوانین در جامعه نهادینه شود.

#### **اقدامات بسیج در احیای امر به معروف و نهی از منکر**

« بسیج در راستای تحقق این فریضه مهم مبادرت به راه اندازی قرارگاه سیدالشهداء نموده است. البته این فعالیت در جهت اصلاح ارزشهاست و نباید خدای ناکرده عاملی در جهت رعب و دوری مردم مخصوصا جوانان نسبت به دین و ارزشهای اسلامی و طرد از پایگاه های بسیج و از اصل فرهنگ بسیج گردد.»

بر درک بهتر جایگاه بسیج به سخنان ارزشمند رئیس قوه قضائیه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی در جایگاه ویژه و کارآمدی بسیج اشاره می کنیم: « ... هیچ تشکیلات و ساختار اجتماعی به این گستردگی و عظمت نداریم و هیچ تشکیلاتی هم به جز بسیج نمی تواند این میزان فراگیر باشد، بسیج برای حفظ ارزش ها و احیای ارزش های اسلامی است. بسیج می تواند نقش امر به معروف و نهی از منکر را به خوبی ایفا کند. امر به معروف و نهی از منکر هم به معنای امر و نهی کردن نیست زیرا ممکن است در شرایط و فضای جامعه برداشتهای نادرستی از این مساله صورت گیرد و تصور شود که منظور از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی کردن

است، منظور از امر به معروف و نهی از منکر احیای معروف و سالم سازی جامعه از منکرات است، لذا بسیج باید این هدف را دنبال کند. ساختار بسیج باید کم آسیب تر و مردمی تر باشد و مرز بندی نداشته باشد زیرا در حالی که مانند احزاب مرز بندی داشته باشد آسیب های بیشتری متوجه این نهاد خواهد شد. هر چه نوع عملکرد و رویکرد این ساختار منطبق با نیازهای جوامع مختلف باشد موفق تر و موثر تر خواهد بود ...»

«... تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف خداوند تعالی بود که بر ملت ایرانی ارزانی شد. بسیج یک نهاد انقلابی است که از توده مردم و آحاد جامعه تشکیل و بوجود می آید. برخی از جامعه شناسان معتقدند بسیج برای انقلاب بوجود می آید یعنی توده مردم بسیج می شوند تا انقلابی را به نتیجه برسانند به همین دلیل حرکت توده های مردم برای برپایی نظام حکومتی جدید را بسیج می گویند. بسیج پیش از آنکه یک تشکل باشد، تفکر است و خدمات صادقانه، بی منت و داوطلبانه با اعتقاد به مبانی اندیشه ناب دینی از ویژگی های تفکر بسیجی است. عظمت اهداف انقلاب و گستردگی توطئه های دشمنان ایجاب می کند که برای حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی و ارزشها و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان، نیروی مقاومت بسیج با پرسنل فداکار و ایثارگر در مقابل همه تهدیدات بایستند تا دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران حفظ و حراست شود.» (کیوان محمدی / مقاله بسیج در نگاه آماری / نشریه راه مردم)

## منابع

- ۱- سردار عصمتی، محمد حسین، آشنایی با بسیج (ویژه دوره آموزش عمومی مقدماتی بسیج)، تهران، نیروی مقاومت بسیج، معاونت آموزش، پائیز ۱۳۷۳.
- ۲- مقاله "بررسی عملکرد نیروی مقاومت بسیج در رابطه با جوانان"، تهیه و تنظیم: محمد مهدی حکیمی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، انتشارات سازمان ملی جوانان، پائیز ۱۳۸۷.
- ۳- نشریه ابرار، مورخ ۸۴ / ۹ / ۵، سخنرانی رئیس قوه قضائیه، با موضوع اگر بسیج به سمت نظامی شدن برود، ناکارآمد می شود.
- ۴- نشریه راه مردم، مورخ ۱۳۸۳ / ۶ / ۲۴، نوشته کیوان محمدی، مقاله بسیج در نگاه آماری.

## جایگاه و ظرفیت بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی

سید محسن هاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

اقتصاد مقاومتی واژه پر مفهومی که چند سالی است، از جانب مقام معظم رهبری برای حل مشکلات اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران و مقابله با فشارها و تهدیداتی که از جانب دشمنان وارد می شود، ارائه گردیده است. این مفهوم دارای شاخصه هایی چون بومی گرایی، مردمی بودن و جهاد نگری است که در پی تحقق یک پیشرفت و رونق اقتصادی می باشد. از اینرو باید با استفاده از ظرفیتهای بومی و اصیل درون کشور به تحقق این نوع سیاست اقتصادی کمک نمود. بر این اساس است که بر حسب نظریه نهادگرایی هنجاری و روش توصیفی کارکردی، می توان نیروی مقاومت بسیج را به عنوان یک نهاد دارای ظرفیت و کارکرد متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی معرفی داشت، نهادی مقدس که باید مهمترین وظیفه خویش را گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و عمل گرایی در نظر گیرد.

<sup>۱</sup> مدرس دانشگاه و هادی سیاسی سپاه فجر استان فارس - ۰۹۱۷۷۱۳۶۳۱۴ - [sayedmohsenhashemy@chmail.com](mailto:sayedmohsenhashemy@chmail.com)

توسعه در مفهوم عام و کلی خویش، همواره یکی از آمال و آرزوهای همه انسانها و جوامع بشری بوده است. آمالی که کشورهای زیادی به آن دسترسی پیدا کرده و دیگران آنها را الگویی برای خویش قرار داده اند، دریغ از اینکه هر کشوری را راهی خاص و یکتا با توجه به مبانی فکری و زیستی مردمان درون کشور لازمست. این مبحث در طول تاریخ معاصر جهان همواره مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و آثار زیادی را به خود اختصاص داده است. در ایران اسلامی نیز، حساسیت خاص خویش را دارا بوده که می توان آنرا در برنامه های دولتهای منتخب مختلف در طول حیات نظامی اسلامی ایران مشاهده نمود.

مقام عظمای ولایت نیز وارد قضیه شده و با بیان کلیدواژه هایی، در پی توجه به مبانی توسعه کشور می باشند، در مهمترین قدم واژه توسعه را دارای باری اومانستی دانسته و واژه پیشرفت را با مبانی دینی و بومی بجای آن می نشانند. اقتصاد مقاومتی یکی از واژگان مهمی است که در نظریه پیشرفت معنی یافته و دارای ابعاد، کارکرد و اهدافی بومی می باشد. در این اثر ضمن تعریف این واژه و مشخص کردن ابعاد و مختصات آن، بر اساس نگاهی بومی اقتصاد مقاومتی می شود، نیروی مقاومت بسیج به عنوان یکی از نیروهای بالقوه برآمده از انقلاب اسلامی را به عنوان ابزار تحقق اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می دهیم.

از اینرو در ادامه پس از بیان روش تحقیق و نظریه نهادگرایی هنجاری به عنوان چارچوب نظری، بر اساس سخنان مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی در ۲۰ بهمن و ابلاغیه اقتصاد مقاومتی ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۲ به بیان تعریف اقتصاد مقاومتی، مولفه ها، شاخصها آن می پردازیم و سپس با بیان چرایی بررسی جایگاه و ظرفیت بسیج، عرصه هایی را که این نیروی مردمی می تواند بر اساس ابلاغیه فوق الذکر نقش موثری در آن ایفا کند را بیان داشته و در نهایت در راستای این موارد به ارائه پیشنهاداتی کاربردی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی می پردازیم. تا به این سوال پاسخ دهیم که جایگاه و ظرفیت بسیج در تحقق اقتصادی مقاومتی چیست؟ پاسخی که بالتبع باید ضمن کامل بودن آن، دارای راهکارهایی نیز باشد، که در این زمینه ما مهمترین ظرفیت بسیج را در تحقق اقتصاد مقاومتی در گفتمان سازی، مردمی کردن و بومی سازی منطقه ای می دانیم که به صورت مفصل شاخصهای آن را نیز بیان می داریم.

## ۲- روش تحقیق: توصیفی - کارکردی

در یک تحقیق علمی باید بیان گردد که اطلاعات بر چه اساس گردآوری پردازش می گردد. پیرامون گردآوری داده ها باید بیان داشت که در این پژوهش گردآوری بوسیله روش کتابخانه ای و مطالعه سخنرانی ها و بیانیه های مقام معظم رهبری بر روی وبگاه رسمی ایشان در اینترنت است و اطلاعات از کتب، مقالات بدست آمده است. همچنین از روش مشاهده و حضور مستقیم در تهیه پاره ای از مطالب همچون، ظرفیت سنجی بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکار بهره گرفته شده است.

از آنجا که قسم اعظمی از مطالب این مقاله شرح، توصیف و تفسیر سخنان و بیانیه های آیت الله خامنه ای است، از روش توصیفی برای تحلیل و پژوهشی بهره می بریم. این توصیف سبب می گردد، که در مرحله بعد یعنی ارائه پیشنهاد، روش کاربردی را در پیش گیریم که بر اساس آن تحقیق فوق یک تحقیق کاربردی نیز محسوب می گردد، که قابلیت اجرا و پیاده سازی در سطح کشور را در جهت افزایش کارآمدی بسیج در وهله نخست و بالاتر از آن نظام مقدس اسلامی، را از طریق رفع مشکلات اقتصادی دارد.

## ۳- مبانی نظری: نهادگرایی هنجاری

نظریه کارویژه های ارزشمندی را در تلاش برای فهم شیوه ای که جهان بر اساس کار می کند، فراهم می سازد. اول اینکه نظریه برخی جنبه های جهان را نزدیک نمایی می نماید و در مورد اینکه چه چیزی باید جستجو شود، راهنمایی می کند. نظریه ما را متعهد می سازد تا جهان را ببینیم و بر جنبه های ویژه ای از واقعیت تمرکز نماییم. دوم اینکه نظریه بعنوان یک نظام فهرست سازی عمل می کند، یعنی چارچوبی که در آن می توان مشاهدات از واقعیت را جای داد. سوم اینکه نظریه می تواند الگوهای فکری را توسعه دهد. (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۴۴) و ما را به یکره منتهی به آینده نیک رهنمون دارد.

از اینرو جهت فهم چستی سازمان بسیج و کارکردهای مثبت در اینجا و ارائه راهکار در این راستا، به یک چارچوب نظری برای بحث نیاز دارد که ما با یک کار تلفیقی اصلاحگرایانه، نهاد گرایی هنجاری را مطرح می داریم. بر این اساس در ادامه ابتدا این نظریه را شرح داده و از آن شاخصهایی که متناسب با کوشش اصلی تحقیق است، را استخراج می نماییم.

### ۱-۳- نهادگرایی چیست؟

نهادگرایی یکی از رهیافتهای موجود در علوم سیاسی است که به قواعد، رویه ها و سازمان نظام سیاسی و تأثیر آنها بر عمل سیاسی توجه می کند. یک تحول در آغاز دهه ۱۹۸۰ بازگشتی در توجه به نهادهای رسمی و غیر رسمی بخش عمومی و نقش مهم آنها را ایجاد کرد. توضیحات نهادی در خط مشی مطالعات حکومتی باقی ماند، اما نهادگرایان کاربردشان برای تشریح سطح فردی رفتار را، احیاء کردند. نهادگرایی جدید ویژگی های زیادی از قرائت قدیمی تر این رهیافت را برای فهم سیاست منعکس کرد، اما پیشرفتی هم در مطالعه سیاست در تعدادی از جهت گیری های تجربی و نظری جدید به وجود آمد؛ از این رو بسیاری از فرضیات، تفکر نهادی قدیمی تر را ثمر بخش ساخت؛ برای مثال نهادگرایی قدیمی بحث می کند که سیستم ریاستی به طور قابل توجهی از سیستم های پارلمانی مبتنی بر ساختارها و قوانین رسمی متفاوت است. نهادگرایی جدید البته فراتر از این می رود و معتقد است در چگونگی دو شیوه سازماندهی زندگی سیاسی تفاوت وجود دارد و از تفاوت ترجیحات سیستم بحث می کند. (لک زایی، ۱۳۸۳: ۳۱۷)

رهیافت نهادگرایی را باید یک نقطه مقابلی برای فردگرایی دانست، که معتقد است این نهادها هستند که در ایجاد رویه های جامعه به نقش آفرینی می پردازند. بالتبع این رویکرد نهادی در مطالعات سیاسی خود را بیشتر نشان می دهد، اگر بتوان موضوعی را تصور کرد که دانشمندان علوم سیاسی بتوانند ادعا نمایند که موضوع مطالعه انحصاری آنان است، البته این موضوع همان ساختار سیاسی رسمی - قانونی است. (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۸۵)

این انحصار با تعریف گسترده ای که از سیاست به عنوان یک علم و حتی ابزار اداره جامعه و مدیریت خرد و کلان می شود، می تواند قابل تعمیم در دیگر حوزه های پژوهشی و نظری باشد. خصوصاً اینکه موضوع مورد بررسی ما، نهادی بوده است که فلسفه وجودی آن بر اساس مبانی قرآن کریم و آموزه های دفاعی اسلام بوده که این تعمیم را جدی تر و لازمتر می دارد. همچنین نوع وظایف و اهمیت مأموریت های سازمان بسیج در طول تاریخ انقلاب اسلامی ایران، خصوصاً در مقطع جنگ با صدام یعنی نشان از یک کار بزرگ سازمانی دارد که هر چه از نظر تاریخی از آن رشادتها دور می شویم، نهادگرایی این سازمان بیشتر شده و اعضای آن به یک همبستگی حقوقی بر اساس یک سلسله مراتب سازمانی و وظایف خاص دست میابند، بطوریکه امروزه سازمان بسیج مستضعفین یک نهاد بزرگ، کارا، مورد اهمیت و سرنوشت ساز برای نظام اسلامی ایران و حتی نهضت جهانی مقاومت است.

در اوایل قرن بیستم تا حدوداً اواسط آن، نظریه های تجربی با رویکردهای ضد فلسفی جای خود را در جهان گسترش داده و به ارائه تحلیلهایی در مورد آنچه قابل مشاهده می باشد، پرداختند. نظریات اثباتگرایانه پوزیتیویستی خصوصاً شکل منطقی آن، به عنوان مهمترین نحله نظری، که با استفاده از ابزار تجربه و حس به فهم آنچه که هست، در مقابل آنچه که باید باشد، پرداختند و به رد آنچه باید باشد و یا هست ولی دیده نمی شود، توجهی نکرده و حتی آنرا غیر علمی و شبه گزاره می دانند، از اینروست که کمتر کتاب و نوشته ای از آنها پیدا می شود که حمله ای علیه یک نظام مابعدالطبیعه یا یک فیلسوف مابعدالطبیعه صورت نداده باشد. (خادمی، ۱۳۸۸: ۳۴۶)

بعد از افول این جریان به دلایلی از جمله نداشتن پایه های منطقی و استدلالات صحیح، نظریه هایی جدید به صحنه آمده و یا دوباره عزم بازگشتند پیدا کردند که مهمترین آنها نظریه هنجاری می باشد. این نظریه به عنوان یک نظریه ارزشمدار و دخیل کننده اصول اخلاقی در روابط سیاسی دارای ریشه های کهنی می باشد که می توان آنرا دست کم در غرب به یونان قدیم و در شرق به فلسفه کنفوسیوسی و هندو برگرداند. (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۵۰) کنفوسیوس سعی نمود تا اصول و قواعد منسجم و کاربردی را برای بسط اخلاقیات و ارزش های اخلاقی در سیاست و جامعه بیان سازد و از این طریق مشکلات موجود در جامعه را حل نماید. همچنین اندیشه ایران باستان با دارا بودن اصلی بنام اشه یا ارته در دین زردشتی، که محور آن، نبرد خیر و شر است و انسانها از لحاظ اخلاقی وظیفه دارند که برای دستیابی به خیر به مبارزه بپردازند؛ می تواند یکی دیگر از همسانیهای تاریخی این نظریه باشد. در نهایت باید دین مبین اسلام را یکی از دیگر همراهان و منادیان اخلاق و هنجارگرایی دانست که از سوی خداوند تا ابد برای بشر راهنماست.

### ۳-۵- ظرفیتهای نظریه هنجاری در بسیج پژوهی

(۱) از مهمترین نکات مثبت و کاربردی نظریه هنجاری در شکل کلی آن، توجه به هنجارها و ارزشهای مشترک انسانها همچون عدالت است، امری که در جهان پر از خودخواهی و جنگ یک روزنه ای از امید برای ایجاد صلح و همگرایی بین اعضای جامعه ملی و بین المللی را فراهم می آورده و در مقیاس با دیگر نظریات تا حدودی زیاد به آرمانهای دینی نزدیک می گردد.

۲) دومین جنبه مثبت این نظریه تلاش برای عدم وقوع جنگ در قدم نخست و در صورت رویداد آن، عادلانه کردن جنگ می باشد. امری که با تاکید بر بسیج عمومی بر آن تأکیدی ساختاری شده و از لحاظ درونی و معنوی نیز با پرهیز دادن مسلمین از خودخواهی و توجه به حقوق دیگران، آنانرا از جنگ برحذر داشته و در صورت دفاعی بودن آن یک حالت آرمانی و عادلانه را به آن می دهد. چنانچه همین نگاه دفاعی و غیر تهاجمی در قانون آمده است: « هدف از تشکیل واحد بسیج مستضعفین ایجاد توانایی های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور دفاع از کشور و نظام جمهوری اسلامی و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلایا و حوادث غیرمترقبه با هماهنگی مراجع ذی ربط می باشد» (ترابی و روحی، ۱۳۷۹: ۴۴)

۳) هنجاریان با نقد اثباتگرایی و تکیه بر گزاره های ارزشی، هنجاری و حتی غیر مادی، به نوعی به احیاء فلسفه کمک کردند و آنرا از مرگی که پوزیتیویست برای آن در نظر گرفته بود، رهانید و کمک زیادی به احیاء گفتمانهای وحی محورانه دینی نمود، گفتمانی که نیروی مقاومت بسیج در قالب آن شکل گرفته است و به هیچ وجه ایثارگری ها و جان فشانی هایی بسیجیان بدون در نظر گرفتن تقدس و مشروعیتی که دین به فعالیت های جهادی بسیجیان می دهد، قابل درک و معنا نمی باشد،

۴) در جهان معاصر نگاه به حوزه سیاست و اجتماع نگاهی واقعگرایانه، سود محورانه شخصی و قدرت طلبانه است، که نظریه هنجاری با داشتن نگاهی ارزشمدار و آرمانخواه از جامعه، خصوصاً در رهیافت وظیفه اخلاقی و با نظریات کانت و راولز، جای بسی امیدواری را در ایجاد شکلی جدید و آرمانی از اجتماع و سیاست فراهم می آورد که نوع همکاری و فعالیتهای بسیجیان و سنجش نسبت میزان کارکرد آنان با دیگر ارگانها و نهادهای برون و حتی درون کشور، نشان از یک انگیزش ارزشمدارانه و حتی گذشتن از جان در افراد جامعه اسلامی برای حرکت به سوی آرمانهایی والایی دارد که انقلاب اسلامی ایران بر اساس آموزه های قرآن و سنت برای خویش در نظر گرفته است.

۵) در نهایت باید گفت که نظریه هنجاری بواسطه تأکیدش بر ارزشها و هنجارهای فردی و جمعی به فهم مسائلی جدید در جهان انجامیده است که دین اسلام سالها قبل بر آن تأکید داشته است، مسائلی چون محیط زیست گرابی، دفاع مقدس، فقر و جنگ عادلانه مشاهده نمود که در کتاب و سنت و سیره ائمه اطهار(ع) نمونه های زیادی از این موارد وجود دارد و امروزه بسیج یک نمایشگاهی از این دست اقدامات است که تعداد زیاد شهدای اعضای غیر شیعی و حتی غیر مسلمان بسیجی گواهی بر این مدعاست.



## ۴- مهار انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) دارای مبانی و مفروضاتی است که آنرا نقطه مقابل اندیشه های رایج در عصر خویش قرار می دهد. این تفاوت مبانی خصوصاً در حوزه هستی و انسان شناسی آنچنان زیاد و مهم است که بدون آن نمی توان تصویری صحیح از ماهیت و آغاز دشمنی های غرب نسبت به انقلاب اسلامی داشت، میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در اینباره چنین بیان می دارد: نظام حقیقت آنان با نظام حقیقت ما یکی نیست. نظام ما حتی اگر تقریباً جهانی شده باشد، همچنان خاص است. در واقع مردم چیزی را می گویند که در سطح داده ها حقیقت ندارد، اما به معنای عمیق تری باز می گردد که در قالب درستی و مشاهده غیر قابل هضم است. (نصری، ۱۳۹۰: ۳۸) این اعتراف فوکو نشان از یک هراس در جبهه غرب دارد، هراسی که می تواند پایه های ظلم غریبان را فرو ریخته و حقیقت ناب را مشخص دارد، از اینرو انواع دشمنی های آنان شروع گردید که عبارت است از:

۱- توطئه های امنیتی (لانه جاسوسی، ترور ایده ثولوگ ها و عناصر فکری و سیاسی نظام)

۲- حمله نظامی (حمله طبس، کودتای نوژه، حمله مستقیم، جنگ تحمیلی)

۳- تحریم علمی (دارو، موشک دوربرد، هسته ای، عدم چاپ مقالات، عدم پذیرش دانشجو)

۴- مهار و انزوای سیاسی (ایران هراسی، حقوق بشر، ناکارآمدی)

۵- تهاجم فرهنگی (ماهوره، اینترنت، مد گرایی، بی حجابی)

۶- تحریم های اقتصادی (کشتیرانی، بانکداری، بانک مرکزی، نفت)

دشمنان اینچنین وارد معرکه شده تا با همدستی یکدیگر از ادامه حیات انقلاب اسلامی جلوگیری بعمل آورند، یکی یکی توطئه ها را بکار بسته و به پیش آمدند تا اینکه بصورت گسترده تحریمهایی را بر علیه جمهوری اسلامی تحمیل دارند. علت انتخاب این ابزار برای مهار انقلاب اسلامی ایران، همانا عدم کارائی دیگر ابزارهای فشار و کم کاریهای داخلی بود که هر چند مقام معظم رهبری هشدار آنها داده بودند، تا دشمن از این طریق نتواند، تهدیدی وارد سازد، اما هشدارها کارگشا نشد و دشمن از همین طریق به مقابله جدید پرداخت. آیت الله خامنه ای در اینباره چنین بیان می دارند: "ما در زمینه ی تصمیم گیری های اقتصادی و برنامه ریزی های اقتصادی

نقاط ضعفی داشته‌ایم؛ این نقاط ضعف موجب شده است که دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن می‌تواند رخنه ایجاد کند؛ این فرصتی است برای ما تا این نقاط ضعفمان را بشناسیم، آنها را برطرف کنیم و ان‌شاءالله برطرف خواهیم کرد." (۲۹ آبان‌ماه ۹۲)

## ۵- اقتصاد مقاومتی، کلیدواژه پیشرفت اقتصاد

حال که دشمنان انقلاب اسلامی با توجه به نقاط آسیب موجود، راه حل اقتصادی را سرلوحه کار خود برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی قرار داده‌اند؛ لازمست که راهکاری برای این نقشه شوم در نظر گرفته شود، راهکاری که مقام معظم رهبری آنرا اقتصاد مقاومتی نامیده‌اند. شیوه‌ای از مدیریت اقتصاد که می‌توان ضمن نقش بر آب کردن توطئه‌های دشمنان، رفاه و رونق را به اقتصاد کشور برگرداند: اگر سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، بطور جدی پیگیری و اجرا شوند، امید زیادی وجود دارد که رونق اقتصادی و اصلاح پایه‌های اقتصادی کشور در میان مدت محقق و بخشی از مشکلات مردم حل شود. (۱۳۹۲/۱۲/۰۶)

اما اقتصاد مقاومتی چیست؟ که اینچنین می‌توان راهکاری برای خنثی نمودن طرح‌های مهار انقلاب اسلامی از بعد اقتصادی باشد. جهت پاسخ به این سوال با تعریف اقتصاد مقاومتی، چرایی انتخاب آنرا بیان کرده و سپس از میان سخنان و ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری، مولفه‌ها و شاخص‌های آنرا مورد اشاره قرار داده تا به بحث اصلی یعنی نقش و جایگاه بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی، ورود بهتری داشت.

### ۱-۵- اقتصاد مقاومتی چیست؟

اقتصاد مقاومتی عبارتست از: تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط تحریم و کنترل، بی‌اثر کردن آنها و تبدیل فشارها به فرصت، مشارکت همگانی و اعمال مدیریت عقلانی و مدبرانه برای کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکائی؛ از اینرو در اقتصاد مقاومتی، مدیریت متعالی مالی، پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی، مبارزه با اخلال‌گران اقتصادی، پرهیز از کسب درآمدهای حرام و مبارزه با ربا، رشوه، احتکار و مال‌اندوزی مورد توجه جدی قرار گیرد. (طهماسبی بلداجی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

با این وجود اقتصاد مقاومتی بر اساس مختصات و ویژگیهایی که مقام معظم رهبری بیان می دارند، نوعی بازسازی داخلی اقتصاد و توجه به منابع بومی و قدرت شخصی هر فرد جامعه برای ایجاد یک ظرفیت عظیم در عرصه بین المللی برای مواجهه با هرگونه تهدید دشمنان به منظور پیشرفت پایدار اقتصادی می باشد: "ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباث دشمن؛ دشمنانی که ما داریم." (۱۳۹۱/۰۵/۰۸)

## ۲-۵- چرا اقتصاد مقاومتی؟

با توجه به تعاریفی که از اقتصاد مقاومتی و بیان سه شاخصه بومی، عمومی بودن و همچنین تدافعی بودن آن شد، باید پرسید که چه دلایلی برای توجه و پیاده سازی این نوع اقتصاد در ایران وجود دارد؟ به عبارتی دیگر چه عوامل و خصوصیات در اقتصاد نظام جمهوری اسلامی ایران، لزوم اقتصاد مقاومتی را مطرح می دارد؟ در پاسخ به این سوال می توان ۴ دلیل عمده را تیتروار بیان داشت:

۱- وجود منابع عظیم گازی، نفتی، معدنی و خصوصاً انسانی

۲- وجود مشکلات عظیم اقتصادی (دولت رانتیر، واردات بی رویه، مصرف گرایی، تورم)

۳- بحرانهای اقتصادی جهانی (خصوصاً برای کشورهای وابسته)

۴- تهدیدات و تحریم اقتصادی

## ۳-۵- مولفه ها و شاخصه های اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در کنار بیان تعریف و ظرفیتهای و نیازهای کشور برای ایجاد اقتصاد مقاومتی به بحث مهم دیگری اشاره می دارند، که بر اساس آن روشن می گردد، اقتصاد مقاومتی در صورت محقق شدن، چه مزیتهایی را برای کشور به ارمغان می آورد. این مزیتها نتیجه در نظر گرفتن مولفه ها و شاخص هایی می باشد که در زیر آنها را بیان می داریم.

۱- ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان است؛ (رشد اقتصادی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی)

۲- توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (بحران اقتصادی، تحریم، بلایای طبیعی و کاهش قیمت نفت)

۳- تکیه بر ظرفیت داخلی و منابع مختلف بومی

۴- رویکرد جهادی و از خودگذشتگی و خستگی ناپذیری

۵- مردم محوری (در اجرا، مصرف و سرمایه گذاری)

۶- امنیت اقلام راهبردی و اساسی (غذا و دارو)

۷- کاهش وابستگی به نفت

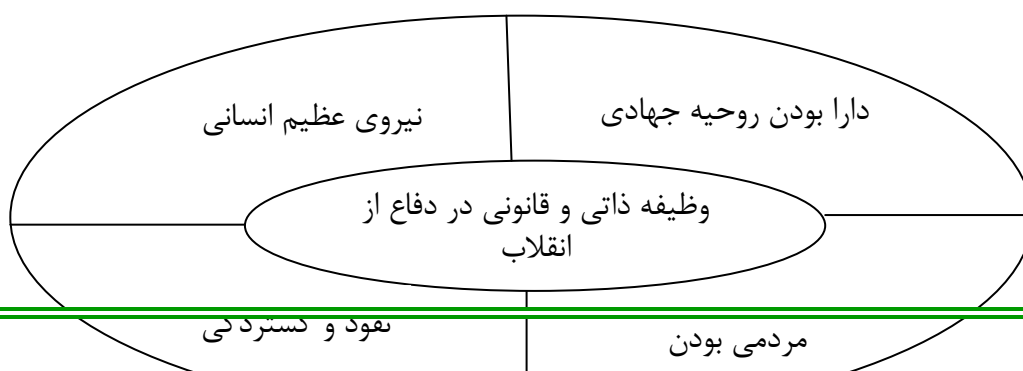
۸- اصلاح الگوی مصرف

۹- فساد ستیزی (با پیش شرط شفافیت سازی، ایجاد فضای رقابتی و نظارت صحیح)

۱۰- دانش محوری و ایجاد اقتصاد دانش بنیاد

## ۶- بسیج، بازوی قدرتمند نظام اسلامی

نهاد بسیج به عنوان میراث امام خمینی (ره) که عمق تیزبینی و ژرف نگری ایشان را به شکل رسایی بیان می کند، در دوران مختلف انقلاب، عملکردی نه تنها قابل قبول، بلکه تحسین برانگیز داشته است. این نهاد عظیم، برخوایسته از خواست و اراده ملتی بزرگ است که با تکیه بر ایمان خود تلاش دارد در مقابل زورگویان عالم بایستد و تاکنون نیز در این راه موفق بوده است. ( مروی و سیدی، ۱۳۸۹: ۵۳) این کارآمدی بسیج می تواند در میدان تازه جهاد نیز بکار آید و ثمرات مبارکی را نصیب کشورمان دارد. ثمراتی که نتیجه دارا بودن ویژگی هایی خاصی بر اساس نمودار زیر است.



## ۱-۶- عرصه های پیشروی بسیج در اقتصاد مقاومتی بر اساس ابلاغیه مقام معظم رهبری

حال وقت بررسی مسئله اصلی تحقیق است، باید به این موضوع پرداخت که چه عرصه هایی پیش روی نیروی مقاومت بسیج برای تحقق اقتصاد مقاومتی وجود دارد. از اینرو به تجزیه و تحلیلی ابلاغیه صادر شده از سوی مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ پرداخته و بندها و سیاستهای مرتبط با وظایف و ظرفیتهای بیان شده نیروی مقاومت بسیج را از آن استخراج می نمایم که عبارتند از:

۱- تأمین شرایط و فعالسازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاریهای جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کمدرآمد و متوسط.

۲- ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۳- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۴- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)

۵- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۶- صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۷- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۸- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی

۹- شناسایی و بکارگیری ظرفیتهای علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

۱۰- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

۱۱- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی

۱۲- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۱۳- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

## ۷- پیشنهادات کاربردی در اجرای سیاستها

بر اساس آنچه که در روش و مبانی این اثر بیان شد، ما یک رویکرد کارکردگرایانه هنجاری را پیش رو داریم که بالتبع باید بر اساس آن به ارائه راهکارهایی اجرایی اشاره کرده و تحقیق را بر اساس آن به پایان ببریم. از اینرو به بیان مطالبی مثال وار در زیر سر عنوانهایی کلی می پردازیم. این راهکارها که به نوعی جمع‌بندی و ماحصل کار ماست، بر اساس مولفه‌ها و شاخصهای بیان شده برای اقتصاد مقاومتی و ظرفیتهایی است که برای بسیج بر شمردیم.

۱- **گفتمان سازی:** گفتمان سازی به معنای باور سازی عمومی؛ به عبارتی دیگر، چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی گردد، مردم به آن توجه نمایند؛ این با گفتن حاصل میشود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل میشود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد. بر این اساس بسیج باید به یک گفتمان سازی پیرامون اقتصاد مقاومتی در

جامعه دست بزند که این وظیفه در خود بسیج بر دوش مدیران، سخنرانان، مربیان و سرحلقه های صالحین می باشد.

**۲- نیاز سنجی:** باید با پرسش و کار میدانی به شناسایی نیازهای اقتصادی گروههای مختلف جامعه پرداخت. باید نگرینست که هر جمع و منطقه ای، چه نیازهایی دارد که دغدغه آنان بوده و باید بر طرف شود. برای مثال در بسیج بانوان، نیازهایی مانند تزئین منزل، دستورات آشپزی، کاهش هزینه های درون منزل و . . . از امهاتی است که در اقتصادی مقاومتی مورد بحث بوده و نیاز بانوان می باشد و یا در مناطق روستایی، بهره وری بیشتر در دامداری و کشاورزی از نیازهای بارز روستاییان می باشد.

**۳- عمل گرایی:** یکی از آفات اصلی و اساسی مسئولین بسیج از نظر مخاطبانشان عدم عمل به آنچه بیان می کنند می باشد. پیشنهاد می شود که در موقع سخنرانی ها و اجرای برنامه ها مطالبی بیان گردد که به آن عمل می گردد، برای مثال از اطلاع سخن پرهیز نموده و یا نسبت وسایل پذیرایی، انرژی مصرفی در سالن و امثال آن حساس بود.

**۴- خانواده محوری:** خانواده مهمترین محمل و محفل انس، الفت، تربیت و پرورش نسلها می باشد. خانواده رکن اصلی و پایه تمامی برنامه های خرد و کلان ملی که باید عمده تلاشها برای سعادت خانواده و برآوردن نیازهای آن باشد. خانواده می تواند مهمترین و پر تأثیرترین محل شروع اصلاح جامعه و ایجاد سبک زندگی اسلامی باشد. هر چیز که به استحکام خانواده و گرم شدن کانون آن بینجامد، سبب تحقق اقتصاد مقاومتی و ایجاد تمدن اسلامی خواهد شد. از اینرو برگزاری کارگاههای مشاوره، اقتصاد خانواده، اردوهای خانوادگی برای بسیجیان و خانواده های آنان می تواند در اصلاح سبک زندگی افراد جامعه و ایجاد اقتصاد مقاومتی مفید باشد.

**۵- ایجاد تشکل:** نبود فرهنگ کار جمعی یکی از معضلات سبک زندگی ما ایرانیان است که باید برای اصلاح این مصداق به تشکل سازی پرداخت، تا ضمن اصلاح آن به تحقق اقتصاد مقاومتی که کار جمعی را می طلبد یاری جست. در تشکلهای باید سرمایه های اقتصادی، فکری و جسمی خرد همسو را به کلان تبدیل نمود. باید برای تشکلهای هدف و تقویم اجرایی رسیدن به آنها را معین داشت و به صورت دوره ای مرور نمود. در مناطق روستایی و یا حاشیه ای می توان تشکلهای تولیدی و یا تعاونی های توزیعی را ایجاد نمود، تا به اهدافی مانند اصلاح شیوه توزیع بازار در اقتصاد مقاومتی کمک نمود.

۶- کاهش مصرف: مصرف گرایی مهمترین نقطه اشتراک در سبک زندگی ایرانیان و اقتصاد آنان می باشد. از اینرو لازمست که یکی از برنامه های هر مراسم بیان آمار میزان مصرف در کشورمان در مقایسه با دیگر کشورها و میزان بازدهی آن باشد. از سوی دیگر سعی شود مسئول هر قسمت در هر دوره دو ماهه ده درصد از هزینه های قبوض سازمان را کاهش دهد. در انتخاب وسایل انرژی بر نیز به میزان مصرف آنها توجه شود. در هر اردو و برنامه ای نیز از قبل فکر جمع آوری زباله و مواد بازیافتی را نمود، که می تواند درآمدی نیز برای سازمان داشته باشد.

۷- تجربه گرایی و آموزش: استفاده از تجربه دیگران و آموزش کارکنان و بسیجیان توسط افراد پیشکسوت، می تواند یکی از گره گشایی های اصلی در اقتصاد مقاومتی باشد. بهتر است که در مناطق روستایی حلقه های صالحین را در بین افراد هم شغل ایجاد کرده و با ایجاد گفتگوی متقابل از تجربیات همه در بهبود وضعیت شغلی استفاده گردد. پیشنهاد می شود که لیستی از موفق ترین های در هر محدوده تهیه شود و به صورت دوره ای از آنان برای برگزاری کارگاه های آموزشی در تشکلهای بسیج استفاده شود. از سوی دیگر می توان با تهیه بروشور و کتابچه های آموزشی هر صنف و شغل و توزیع آن، ضمن بهبود عملکرد آنها، با درج برنامه های اجرایی بسیج مانند حلقه های صالحین بر میزان جذب بسیجیان نیز افزود.

## ۱۰- نتیجه گیری:

در تلاشی توصیفی و کارکردگرایانه تلاش شد، تا با در نظر گرفتن چارچوب نهادگرایی هنجاری که در پی توجه به نقش نهادها در اصلاح و ارزشمداری جامعه است. ابتدا اقتصاد مقاومتی به عنوان شکلی از اقتصاد که در پی مردمی کردن، دادن نگاه جهادی، کاهش هزینه ها، افزایش بهره وری و استفاده از ظرفیتهای بومی است، را تعریف نمودیم که در پی خنثی سازی نقشه های مهار دشمنان انقلاب اسلامی ایران می باشد. این اقتصاد برای تحقق شاخصهایی که بیان شد، نیازمند ابزار و امکاناتی است که بالتبع باید بومی کشور و از مزیتهایی باشد که اجرای سیاست اقتصادی را لازمتر می دارد.

بر این اساس نهاد ارزشی و انقلابی نیروی مقاومت بسیج به عللی چون وظیفه ذاتی دفاع از انقلاب، روحیه جهادی، نیروی عظیم و مخلص انسانی، مردمی بودن و در نهایت گستردگی این نیرو در تمامی کشور، می تواند به عنوان یک نهاد مهم در راه تامین نیازهای اقتصاد مقاومتی و شاخص هایی که رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان داشته اند، موفق باشند. از جمله این شاخصها که خود بیان ظرفیتهای و پیشنهادات کاربردی است، عبارتند از: تأمین



شرایط و فعال سازی امکانات و منابع ملی، ایجاد رقابت ملی در تولید و صنعت، تقویت فرهنگ و روحیه جهادی، افزایش تولید و گفتمان سازی.

آنچه لازمست که به آن توجه شود، تدوین یک سیاست و راهبرد مشخص اقتصادی بصورت کلان و ملی و در زیر دست آن سیاستهای استانی و شهرستانی با توجه به ظرفیتهای بومی سپاه های استانی و نواحی شهرستانی است. سیاستهایی که گزارش عملکرد آن باید از حوزه آماری خارج شده و واقعیت عمل و رفع نیاز کشور را تداعی نماید.

## منابع

- ۱- ترابی، مصطفی و روحی، نبی الله (۱۳۷۹) بسیج در پرتو قانون، سازمان تحقیقات خودکفایی نیروی مقاومت بسیج، موسسه فرهنگی انتشاراتی آیه
- ۲- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷): *تقابل رفتارگرایی و نهادگرایی در علوم سیاسی*، نشریه روش شناسی علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۵۵، صص ۱۳۹ تا ۱۵۴
- ۳- خادمی، عین الله، (۱۳۸۸): *علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و تجربه گرا*، نشر بوستان
- ۴- سایت اینترنتی مقام معظم رهبری
- ۵- طهماسبی بلداجی، اصغر؛ طهماسبی بلداجین، آذر، (۱۳۹۲): *جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت*، نشریه کوثر :: نیمه دوم تابستان و نیمه اول پاییز ۱۳۹۲، سال ۱۳ - شماره ۴۷ از ۱۴۱ تا ۱۵۸
- ۶- لک زایی، شریف (۱۳۸۳): *نظریه نهادی در علوم سیاسی؛ نهادگرایی جدید*، نشریه علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۲۸، صص ۳۱۵ تا ۳۳۶
- ۷- مارش، دیوید و استوکر، جری، (۱۳۹۰): *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، چاپ ششم، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی

- ۸- میرمعزی، سید حسن، (۱۳۹۱) اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، نشریه اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۹۱ - شماره ۴۷، از ۴۹ تا ۷۶
- ۹- مروی، علی؛ سیدی، محمدرضا، (۱۳۸۹) راهبردهای بسیج در توسعه کارآفرینی، نشریه مطالعات راهبردی بسیج: زمستان (۱۳۸۹)، شماره ۴۹ از ۵۱ تا ۷۶
- ۱۰- نصری، محسن، (۱۳۹۰): ایران، دیروز، امروز، فردا، نشر معارف

### نقش بسیج در اقتصاد مقاومتی موانع و راهکارها

چکیده

باتامل درسیاستهای چندی نساله استکبار جهانی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران میتوان دریافت، استحکام، نفوذ ناپذیری و غیرقابل تاثیر بودن کشور و حفظ آن در برابر دشمن ضروری است و یکی از اقتضائات آن اقتصاد مقاومتی می باشد، البته فرهنگ نیز مهمترین بعد آن است چون در مقابل آن تهاجم فرهنگی یعنی مهاجمان به فرهنگ دینی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... جود دارد. ضرورت کارنیز با نگاه به کلام مقام عظمای ولایت پررنگ تر میگردد که می فرمایند: «روحیه جهادی لازم است.»<sup>۱</sup>

و از آنجایی که در مقابل مکلف به جهاد هستیم؛ در این مقاله پی آنیم که مجاهدت بسیج و بسیجیان به عنوان مخاطبان خاص با توجه به مبانی اسلامی نقششان در اقتصاد مقاومتی چیست و چه موانع و راهکارهایی برای آن وجود دارد؟

این مقاله به روش کتابخانه ای انجام گرفته و در آن با ویژگی و لوازم اقتصاد مقاومتی، و اینکه فرهنگ چه تاثیری میتواند بر اقتصاد داشته باشد، مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام و فرهنگ اقتصادی اسلام آشنا میشویم و پیشنهاداتی با توجه به یافته های به دست آمده در پایان مقاله اشاره میگردد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، اقتصاد، مقاومت، فرهنگ، بسیج، اسلام.

دشمن در طول چند دهه ی اخیر، تمام راه های مختلف را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران امتحان کرده است، مبارزه اقتصادی به عنوان ابزاری که همیشه در کنار ابزارهای دیگری بوده، امروز تبدیل به عملی ترین ابزار دشمن شده است. و اینجاست که جای خالی اقتصاد مقاومت یا حساس میشود، اقتصادی که به دنبال پیش بینی مشکلات و ارائه ی راه حل لازم میباشد.

در زمینه پیشرفت امور اقتصادی باید جامعه را مقاوم سازی کرد و به وسیله مردمی سازی اقتصاد، مساله اقتصاد مقاومتی را سامان داد. که اهداف و فواید این مقاله با موارد ذیل است:

۱- توجه در ارائه الگو و تئوریهای اقتصادی مبنی بر فرهنگ اقتصادی اسلام.

۲- توجه در شناسایی موانع و ارائه راهکارهایی برای ایجاد بستر مناسب برای بسط عدالت و کاهش فاصله بین طبقات مختلف جامعه.

لازم به ذکر است الگو و پیشینه ی نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمیتوان یافت که برای مشکلات اقتصادی، در آن نسخه ی شفابخشی ارائه شده است؛ که با توجه به ارتباط و همبستگی اقتصاد اسلامی با عبادت و سیاست و اصول اعتقادی اسلام میتوان به «مسائل اقتصادی» از حضرت امام خمینی «ره»<sup>۲</sup> و «نظری بر نظام اقتصادی اسلام» از شهید مطهری «ره»<sup>۳</sup> اشاره کرد.

در آموزه های دینی مصرف بهینه، درست و به اندازه با پرهیز از اسراف و تبذیر و... نقش اساسی در اقتصاد مقاومتی دارد؛ البته اقتصاد ارزش و جهت خود را از فرهنگ متبوع خود می گیرد و از آنجایی که اسلام به عنوان دینی کامل و جامع برای همه عرصه های زندگی (از جمله اقتصاد) برنامه دارد. به مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام که توجه میکنیم میتوان آن را در سه محور خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی بیان کرد و فرهنگ اقتصادی آن شامل: پرهیز از اسراف و تبذیر، تفریط، ربا، احتکار، رشوه و... دعوت به اعتدال، انفاق میشود.

لازم به اشاره می باشد که روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و اسنادی بوده است، بطوری که محقق برای جمع آوری مطالب خویش به کتابخانه های مختلف مراجعه کرده و با جمع آوری کتب در رابطه با عنوان مقاله از طریق فیش برداری استفاده نموده است.

## ۱- مفاهیم و اصطلاحات

۱-۱- تعریف اقتصاد مقاومتی: اقتصاد مقاومتی یک واژه جدید است که حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی را به چهار صورت میتوان تعریف نمود:

۱. اقتصاد موازی: تاسیس نهادهای اقتصادی با روحیه ی انقلابی و جهادی.

۲. اقتصاد ترمیمی: مقاوم سازی و ترمیم نهادهای موجود اقتصادی.

۳. اقتصاد دفاعی: شناخت پدافند و آفند هجمه اقتصادی.

۴. اقتصاد الگو: چشم انداز کلان و بلند مدت به اقتصاد با رویکرد ایجابی جهت رسیدن به اقتصاد اسلامی. ۴

۱-۱-۱- اقتصاد: لفظ اقتصاد در لغت به معنی «میانه نگهداشتن»<sup>۶</sup> و در اصطلاح، «اقتصاد بهره گیری از روشها و ابزارهایی است که با صرف کمترین هزینه، بیشترین بازدهی در تولید، توزیع و مصرف به دست می آید.»<sup>۷</sup> در کلام امیرالمومنین (ع) هم لفظ اقتصاد به «اَقْتَصَدَ» تعبیر شده است. ۸

۱-۱-۲- مقاومت: کلمه «مقاومت» در لغت به معنی «ایستادگی»<sup>۸</sup> و از باب «مفاعله» به معنای «قیام در مقابل قیام» است. به طور کلی باید گفت دشمن قیام کرده تا مارا ریشه کن و مستأصل کند و در مقابل نیز قیامی به قلب دشمن می‌زند که او را وادار به عقب نشینی سازد. همچنین در کلام الهی مقاومت با واژه «اسْتَقَمَّ» و مشتقات آن آمده است، مانند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس (در میدان عمل بر این حقیقت) استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (احقاف: ۱۳).

۱-۱-۳- فرهنگ: «فرهنگ» در زبان فارسی به معنای دانش و مجموعه آداب و رسوم است. ۱۰ در اصطلاح عبارت است از: «در جهان بینی اسلامی، فرهنگ به معنای اخصّ آن مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها بوده و منبعث از وحی و جهت‌دهنده و محتوا بخش نظام‌ها و بخش‌های جامعه است.»<sup>۱۱</sup>

۱-۱-۴- بسیج: واژه «بسیج» در لغت آمادگی، اراده و عزم معنا شده است<sup>۱۲</sup>، و در کلام الهی بسیج با واژه «ثَقَالًا»، «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...؛ با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین (و سواره

، پیاده ، به سوی میدان نبرد) بیرون روید ، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا (ی) به حقایق) باشید این برای شما بهتر است» (توبه: ۴۱)، آمده و معنای مصطلح آن از نگاه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) چنین است که فرمودند: «بسیج یعنی آمادگی، احساس تکلیف در همه لحظات، حضور در همه میدان‌هایی که از انسان در آن میدان یک کاری می‌طلبند، فرق هم بین زن و مرد نیست». ۱۳

۲-۱- تاریخچه: دشمن برای شکست مقاومت امت ایران در دستیابی به استقلال، از هرگونه دسیسه و توطئه ای که از او

برمی آمد فروگذار نکرد، بویژه در حوزه اقتصاد، که به تحریم و فشار روی آورده است. البته شاید زمانی که سیاستمداران غربی تصمیم گرفتند محاصره اقتصادی علیه ایران را بنا نهند، گمان میکردند کارایران به این سادگی تمام میشود. اما با مروری بر تقویم تحریم‌های آمریکا ناتوانی دشمن مبین

می‌گردد. ۱۴

امام امت اسلامی بادرک صحیح از تهاجم و تخاصم اقتصادی، راهکار مقابله با تحریم‌های اقتصادی غرب و امریکارا اقتصاد مقاومتی دانسته و اولین بار این واژه مطرح شد و در طی چندسال گذشته، با نامگذاری این سال ها در حوزه اقتصاد این موضوع را انعکاس داده اند. باید همواره به خاطر داشت تا زمانی که دشمن داریم، اقتصاد مقاومتی هم لازم داریم؛ به این معنا، این راهبرد همیشگی است. ۱۵، ۱۶

۳-۱- ماهیت و لوازم اقتصاد مقاومتی

۱-۳-۱- قحطی نظریه اقتصاد مقاومتی در جهان : در هیچ یک از نظریه های متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه ی نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمیتوان یافت که برای مشکلات اقتصادی، در آن نسخه ی شفابخشی ارائه شده باشد در شرایطی که انبوه الگوهای اقتصادی از حل مسائل اقتصادی امروز ایران عاجز هستند و تحریم های گسترده غرب علیه کشورمان روبه گسترش است، رهبر معظم انقلاب الگوی الهام بخش اقتصاد مقاومتی را ارائه کردند که تبیین آن میتواند انقلاب عظیمی را در عرصه اقتصاد ایران ایجاد کند .

۲-۳-۱- ویژگی اقتصاد مقاومتی: اقتصاد مقاومتی را نمیتوان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست، بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی ، جهش در خودکفایی، اقتصاد از بُعد داخلی مبنی

بر به کارگیری همه ی توان نیروهای داخلی کشور، بر مبنای دانش و تحقیقات و از بُعد بیرونی، تقویت دیپلماسی اقتصادی و تجاری، و همچنین توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه ی داخلی، کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، تقویت تعامل بین پنج حلقه تحقیق، آموزش، ترویج، اجرا و بهره برداران، از مهمترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی اند. ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰

۳-۳-۱- لوازم اقتصاد مقاومتی: در این قسمت به الزامات اقتصاد مقاومتی از منظر حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) شامل سیاستهای بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت

می پردازیم:

۳-۳-۱-۱- سیاستهای بلند مدت و میان مدت، مربوط به اصلاح نظام اقتصادی کشور: تکیه بر مردم ۲۱، مقاوم بودن اقتصاد ۲۲، اقتصاد دانش بنیان ۲۳، کاهش وابستگی به نفت ۲۴، تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی. ۲۵

۳-۳-۲-۱- سیاستهای کوتاه مدت، برنامه ها و امورات اجرایی کشور: حمایت از تولید ملی ۲۶، مدیریت منابع ارزی ۲۷، مدیریت مصرف ۲۸، استفاده ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات ۲۹، حرکت بر اساس برنامه. ۳۰

۴-۱- اقتصاد مقاومتی شعار یا واقعیت: قبل از پرداختن به واقعیت اقتصاد مقاومتی و وجه تمایز آن بایک شعار، لازم تفاوت شعار با واقعیت گفته شود. هر چه وقوع خارجی دارد، واقعیت است، در صورتی که شعار خلاصه و فشرده ی خواسته ها و آرمان های یک گروه یا یک ملت است که به زبان آورده میشود. مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی آن رایک واقعیت میداندومی فرماید: «اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست بلکه یک واقعیتی است که میبایست محقق شود». ۳۱، ۳۲

۲- جایگاه اقتصاد در فرهنگ و اسلام

۱-۲- رابطه فرهنگ و اقتصاد (چون شماره یک تا پنج زیر مجموعه آن است - جمله دیگری برای تغییر تیر به ذهنم نمیرسد)

۱-۱-۲- رابطه فرهنگ و اقتصاد: زمانی حضرت امام خامنه ای

مد ظله العالی) درباره اقتصاد مقاومتی سخن گفتند که از مدتها قبل از شیخون و تهاجم فرهنگی و آسیبهایی که ممکن است دشمن در این مسیر وارد کند صحبت کرده بودند. و اگر «اقتصاد و فرهنگ» دو حوزه اصلی چالش امروز نظام اسلامی از سوی دشمن است، در هدف گذاری راهبردهای مقام معظم رهبری این دو حوزه در اولویت نقشه راه دولت و جامعه اسلامی است. ۳۳

## ۲-۱-۲- پیش شرطها و پیش نیازهای فرهنگی

یکی از پیشنیازهای فرهنگی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، این است که استراتژی اقتصادی را حول محور استراتژی «جنگ فرهنگی» تعریف کنیم. در این صورت عرصه ی اقتصادی هماهنگ با عرصه ی فرهنگ عمل خواهد کرد. حضرت امام خمینی (ره) هم از مفهوم جهاد نیز استفاده کرده اند. ۳۴

## ۳-۱-۲- راه تحقق پیشنیازهای فرهنگی

هر کاری در جهان امروز نیازمند به فرهنگ سازی است و برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید نخست زیرساخت آن یعنی فرهنگ مقاومتی ایجاد گردد، و فرهنگ و اقتصاد همواره بر یکدیگر تاثیر گذارند. و پیش نیازها را باید در سه سطح بنیادی، تخصصی و عمومی دنبال کرد.

۴-۱-۲- رابطه و نسبت بین «فرهنگ اقتصاد» و «اقتصاد فرهنگ»: یکی از محورهای مهم در عرصه ی اقتصاد اسلامی، اقتصاد فرهنگ است و آن تابع فرهنگ اقتصاد است و که به آن «مکتب اقتصادی» گویند. و اقتصاد مقاومتی نیز یکی از ارکان «مکتب اقتصاد اسلامی» به شمار می آید، که دیگر ارکان آن شامل «عدالت اقتصادی»، «تدبیر معیشت» و «عقلانیت اقتصادی» است. پس قوام اسلامی بودن اقتصاد به وجود معنویت، عدالت و عقلانیت برخاسته از فرهنگ اسلامی در همه ی عرصه های تولید، توزیع و مصرف ثروت است.

آنگاه حضور و جریان این فرهنگ در دیگر ابعاد جامعه، از جمله در نظام های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی موجب سلامت آنان خواهد شد. پس ابتدا به وسیله ی فرهنگ دینی باید تمامی نظام جامعه را مهندسی کرد و زمانی که تحقق یافت آن اقتصاد مقاوم و بالنده خواهد بود و میتواند تعالی بخش و انسان ساز باشد. ۳۵

## ۵-۱-۲- بسیج الگوی مناسب برای رابطه فرهنگ و اقتصاد

اصولا «تکلیف» در قالب یک منظومه سه گانه که اسلام دارد، یعنی اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها، معنا دار میشود؛ یعنی زمانی تکلیف تحقق می یابد و مکلف تکلیف خود را انجام داده که سه مرحله صورت گرفته باشد: شناسایی تکلیف، عمل به تکلیف، و برای خدا عمل کنیم. ۳۶

و اگر گفته شود که بسیجیان عالم ترین افراد واقشار به این سه مرحله هستند، هیچ اغراقی صورت نگرفته است. چرا که در جنگ تحمیلی باتکیه بر فرهنگ عاشورا، بزرگترین جبهه ی مقاومت در مقیاس عمومی و در تمامی سطوح جامعه شکل گرفت به تبع این فرهنگ مقاومتی، سیاست مقاومتی و جنگ مقاومتی و اقتصاد مقاومتی جدیدی در دنیا مطرح شد.

پس با شناخت نسبت به تکلیف می توان به رسالت خود عمل نمود و الگوی بسیج مقاومت در ایجاد اقتصاد مقاومتی هم میتواند کارساز و کارآمد باشد. یعنی با هدایت انگیزه های معنوی مردم مسلمان و انقلابی میتوان یک جبهه ی مقاومت اقتصادی در مقابل هجوم و تهدیدات اقتصادی نظام استکباری ایجاد نماید، که این جبهه حتی میتواند به ایجاد موازنه با قدرت اقتصادی استکباری اقدام کند. ۳۷

## ۲-۲- رابطه اسلام و اقتصاد

۲-۲-۱- مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام: با توجه به تعریفی که از اقتصاد ذکر شد، جهان بینی های گوناگون موجب تفاوت نظامهای رفتاری در اهداف، ارزشها، رفتارها و روابط اقتصادی میشود. بر این اساس مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام در سه محور خدا شناسی، جهان شناسی و انسان شناسی قابل بیان است. ۳۸

۱-۲-۲- خدا شناسی: در جهان بینی اسلام، خداوند متعال، علاوه بر خالق جهان آفرینش، مالک «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛ و آنچه در آسمان و در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و همه امور به سوی او بازمی گردد» (آل عمران: ۱۰۹) آن هم میباشد. خداوند متعال، محیط بر این جهان هم هست «...وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا؛ ... و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد» (نسا: ۱۲۶)، و با اراده و قدرت او پرورش یافته و مسیر کمال خود را می پیماید «... وَ لَأَ تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا؛ ... هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی دهد...» (انعام: ۱۶۴) حضرت امام خمینی (ره) در تبیین آموزه های اسلامی از اصل توحید دواصل آزادی و عدالت را منتج می دانند. این دو اصل می تواند به منزله مبانی مکتب و ارزشی نظام اقتصادی اسلام محسوب گردد. ۳۹ مطلب دیگری که جز مبانی قرار میگیرد



زراقت موجودات به مشیت الهی است «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد یا محدود می سازد؛ او به همه چیز داناست» (شوری: ۱۲)، اعتقاد به این مبانی در نوع عملکرد انسان موثر خواهد بود. ۴۰

۲-۲-۱-۲- جهان شناسی: در اسلام دنیا با آخرت لحاظ می شود. دنیا نه تنها ارزش منفی ندارد بلکه وسیله و فرصتی برای رسیدن به سعادت اخروی میباشد. این دید در قرآن کریم هم ترسیم شده است «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ...»؛ در آنچه خدایت ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن ...» (قصص: ۷۷).

۳-۲-۱-۲- انسان شناسی: از آنجایی که موضوع نظام و علم اقتصاد، رفتارهای اقتصادی انسان است. مبحث انسان شناسی در اقتصاد، مورد توجه قرار میگیرد. و از آنجایی که مکتب اسلام، یک مکتب مادی-معنوی است با تنظیم آن، راه را برای اعتلای معنوی انسان می گشاید. ۴۱ بنابراین اقتصاد اسلامی با توجه به اهداف و مقاصد مادی و معنوی، رفتارهای اقتصادی را تنظیم میکند. و همچنین خداوند در قرآن هم فرد را به رسمیت شناخته و او را مسئول اعمال خود می داند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ»؛ بگو: ای مردم، پیام راستین از جانب پروردگارتان برایتان فرا رسید پس هر کس که به راه راست هدایت یابد، هدایت به سود اوست و هر که گمراه گردد، به زیان خویش به گمراهی افتاده است و من عهده دار شما نیستم» (یونس: ۱۰۸).

## ۲-۲-۲- فرهنگ اقتصادی اسلام

شیوه تدوین مکتب اقتصادی اسلام با توجه به مبانی که پرداخته شد، مبتنی بر آیات، روایات، احکام، مفاهیم، و ادله عقلی بوده جهت نیل به کرامت انسانی که در زمره ی باید ها قرار می گیرند و اموری که منجر به محرومیت و تحت فشار قرار گرفتن برخی از افراد جامعه شوند در زمره ی نباید ها جای دارند. که در اینجا به برخی از باید ها و نباید ها اشاره میشود:

۱-۲-۲-۲- باید ها: میانه روی و اعتدال، ۴۲ مقدار کافی، ۴۳ کسب و درآمد، ۴۴ تلاش کردن و کار کردن، ۴۵ قناعت، ۴۶ سپاسگزاری، ۴۷ سختگیری و صرفه جویی زیاد، ۴۸ پس انداز و اندوخته، ۴۹ انفاق کردن و هزینه کردن، ۵۰ صدقه. ۵۱.

۲-۲-۲-۲- نباید ها: تبلی و سستی، ۵۲ بیهوده مصرف کردن، ۵۳ بخل، آزمندی، ۵۴ اسراف، ۵۵ بخل و بخل ورزیدن، ۵۶ احتکار، ۵۷ خیانت و دغلكاری و كلاهبرداری، ۵۸ دلالی، ۵۹ بهره و سود، ۶۰ رشوه، ۶۱ بهره برداری، سرمایه گذاری. ۶۲.

### ۳-۲-۲- راهکارها و موانع

۱-۲-۲-۳- راهکارها: برای تحقق اقتصاد مقاومتی میتوان محورهای ذیل را بعنوان اهم راهکارها و موانع آن نام برد:

« تحول نظام اداری متناسب با اولویتهای حرکت جهادی؛ توجه به تجارب گذشته کشور و یافته ها و تجارب سایر کشورها»، ۶۳ «روحیه جهادی؛ استحکام و ایمان و تدبیر در جامعه»، ۶۴ «توسعه دانش منابع انسانی بطور مستمر»، ۶۵ «نظارت مطلوب بر فرآیندها»، ۶۶ «انجام درست کارها از بدو امر»، ۶۷ «طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم؛ لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به مقاومتی به گفتمان رایج»، ۶۸ «فعال ساختن ذهنها جهت ارائه آراء و دیدگاهها»، ۶۹ «ارائه قابلیت و توانمندی تفکر نظام دینی در حل مسائل اقتصادی کشور و تکمیل جلوه های نظام الگو»، ۷۰ «زمینه سازی برای تحقق انضباط اقتصادی در جامعه». ۷۱.

۲-۲-۳-۲- موانع: «تحریمهای غرب و کارشکنیهای آنها در روند فعالیتهای اقتصادی؛ زندگی مصرفی و غیر تولیدی و غلبه روحیات مصرف گرایی در آحاد جامعه؛ ضعف فرهنگ کار و تلاش و وجود فرهنگ پشت میز نشینی؛ وجود آسیبهای فرهنگی و اجتماعی و تاثیر آن در انگیزه های جوانان برای تلاش و فعالیت موثر اقتصادی»، ۷۲ «الگوی نامناسب مصرف؛ عدم ارائه الگوی توسعه کارآمد دینی»، ۷۳ «مقاومت افراد در مقابل تغییرات و عدم تمایل به ترک برخی عادات»، ۷۴ «عدم تشخیص مقیاس اندازه گیری کارها، اهداف و آرمانها». ۷۵.

### نتیجه گیری

استکبار برای به زانو در آوردن ملتی ابتداری آن خواهد بود که فرهنگ مردم و ارزشهای دینی و ملی و قومی آنان را تغییر دهد؛ و سپس ذائقه فرهنگ و ارزشهایشان را تغییر و با مصادیق فرهنگ خود اشباع کند؛ وقتی در این کار موفق شد، خود به خود بقیه ی مسیر را خود ملت طی می نماید.

دشمن در طول چند دهه ی اخیر، تمام راه های مختلف را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران امتحان کرده است، مبارزه اقتصادی به عنوان ابزاری که همیشه در کنار ابزارهای دیگر بوده است، امروز تبدیل به عملی ترین ابزار دشمن شده است. در این هنگام امام امت اسلامی هم با درک صحیح از تهاجم و تخصص اقتصادی، راهکار مقابله با تحریمهای اقتصادی غرب و امریکارا اقتصاد مقاومتی دانسته و اولین بار این واژه مطرح شد. و تقویت تعامل بین پنج حلقه تحقیق، آموزش، ترویج، اجرا و بهره برداران، از مهمترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی اند و جهت تحقق آن ملزم به سیاستهای بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت میباشد. و از آنجایی که اقتصاد مقاومتی یکی از ارکان «مکتب اقتصاد اسلامی» به شمار می آید پس ابتدا با تاسی از مبانی و شاخص های آموزه های دینی باید تمامی نظام جامعه را مهندسی کرد. آنگاه می بینیم که در حوزه اندیشه، درک و فهم عمیق موضوع، فرهنگ سازی و بسترسازی و آماده نمودن نرم افزارهای لازم رسالت سنگینی را بر عهده آحاد بسیجیان قرار می دهد. اما زمانی که تحقق یابد آن اقتصاد مقاوم و بالنده خواهد بود و میتواند تعالی بخش و انسان ساز باشد.

### پی نوشتها

۱- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۷/۶/۷۶، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir)

۲- روح الله موسوی الخمينی «ره»، مسائل اقتصادی (ترجمه بخشی از تحریر الوسیله)، مترجم عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۷۰-۱۹.

۳- مرتضی مطهری، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، قم، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸، صص ۲۴۰-۱.

۴- عادل پیغامی، «اقتصاد مقاومتی، دفاعی یا ترمیمی؟»،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۵- محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، صص ۳۲۲.

۶- محمد مهدی کرمی و...، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۰، صص ۷.

- ۷- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۸، کلمات قصار. ۱۴۰
- ۸- محمدمعین، فرهنگ فارسی، ج ۴، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۴۲۸۶
- ۹- محمدمعین، فرهنگ فارس، ج ۲، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۲۵۳۸
- ۱۰- محمدرضا مخبر، مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲ / ۳ / ۸ <http://rc.majlis.ir>
- ۱۱- محمدمعین، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۵۳۸
- ۱۲- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۶/۵، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۱۳- مهدی احمدی، روز شمار تحریم های اقتصادی غرب علیه ایران، ماهنامه سراج بسیجی، تیر ۱۳۹۰، شماره ۹۴، تهران، معاونت سیاسی سازمان بسیج مستضعفین، صص ۷۲-۶۸.
- ۱۴- عبدالکریم نعاکار، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۵/۳، [www.nanakar.ir](http://www.nanakar.ir)
- ۱۵- صالح اسکندری، اقتصادمقاومتی، پدافندیااستراتژی؟، [www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)
- ۱۶- ریحانه حمیدی فر، راهکاری به نام اقتصاد مقاومتی، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir)
- ۱۷- ریحانه حمیدی فر، هدف از اقتصاد مقاومتی چیست، [www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)
- ۱۸- علی آقامحمدی، اقتصادمقاومتی راهی برای تحقق چشم انداز [www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)
- ۱۹- جعفرقادری، ازکجا شروع کنیم، [www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)
- ۲۰- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۶/۲، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۲۱- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۱/۱، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۲۲- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۸، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۲۳- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۳، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۲۴- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۱، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).
- ۲۵- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۶/۲، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۲۶- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۶/۲، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۲۷- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۳، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۲۸- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۳.

[www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۲۹- سید علی خامنه ای، بیانات معظم له، ۹۱/۵/۳، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۳۰- عبدالکریم نعاکار، بیانات مقام معظم رهبری، فروردین ۱۳۹۲، [www.nanakar.ir](http://www.nanakar.ir).

۳۱- عبدالکریم نعاکار، بیانات مقام معظم رهبری، فروردین ۱۳۹۲، [www.nanakar.ir](http://www.nanakar.ir).

۳۲- رمضان شعبانی سارویی، عزم ملی و مدیریت جهادی راه برون رفت نظام جمهوری اسلامی از چالشهای اقتصادی و فرهنگی

نظام سلطه، ماهنامه هدایت، ۱۳۹۳، شماره ۱۴۷، تهران، ۲۳.

۳۳- روح الله، موسوی الخمینی «ره»، صحیفه نور، ج ۱۱، اصفهان، عروج، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷.

۳۴- عبدالعلی رضایی، اقتصادمقاومتی مسابقه است یا مقاومت؟،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۳۵- ابراهیم برزگر، نسبت مفاهیم تکلیف و نتیجه در عقلانیت معنوی امام و رهبری، فصلنامه مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۹۲، شماره

۴۹ و ۵۰، تهران، ص ۱۳.

۳۶- حسین عبداللهی، جهاد اقتصادی و رسالت هادیان، ماهنامه هدایت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۱۱۵-

۱۱۴، تهران، صص ۱۰-۷.

۳۷- عبدالله، جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، قم، مرکز نشر اسراء، فروردین ۱۳۸۶، ص ۲۲۶.

۳۸- روح الله، موسوی الخمینی «ره»، صحیفه نور، ج ۵، اصفهان، عروج، ۱۳۷۹، ص ۲۸۷.

۳۹- روح الله، موسوی الخمینی «ره»، خداشناسی، مجله حماسه اقتصادی، خرداد ۱۳۹۲، ویزنامه بیست و چهارمین سالگرد بزرگداشت

حضرت امام خمینی «ره»، تهران، صص ۸۵-۸۴.

۴۰- روح الله، موسوی الخمینی «ره»، صحیفه نور، ج ۴، اصفهان، عروج، ۱۳۷۹، ص ۳۶۰.

۴۱- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴، خطبه ۹۴.

- ۴۲- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۰، کلمات قصار. ۴۴
- ۴۳- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۷۶، کلمات قصار. ۱۹۲
- ۴۴- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۸، نامه. ۳۱
- ۴۵- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸۲، کلمات قصار. ۲۲۹.
- ۴۶- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۵۱۶، کلمات قصار. ۳۴۰
- ۴۷- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۸، کلمات قصار: ۳۲.
- ۴۸- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲، نامه. ۵۳
- ۴۹- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۴، کلمات قصار. ۱۲۳.
- ۵۰- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۸، نامه. ۳۱.
- ۵۱- محمدبن علی قمی (شیخ صدوق)، خصال صدوق، ج ۲، قم، دفتر نشرانتشارات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۶۲۰.
- ۵۲- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸، خطبه. ۱۲۶.
- ۵۳- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲، نامه. ۵۳
- ۵۴- علی شیرازی، فرهنگ مبلغان، قم، نشرجمال، ۱۳۸۴، ص ۶۳.
- ۵۵- علی شیرازی، فرهنگ مبلغان، قم، نشرجمال، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱.
- ۵۶- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲، نامه. ۵۳.
- ۵۷- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمددشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۰، نامه. ۲۶.
- ۵۸- محمدبن یعقوب کلینی رازی، اصول کافی (فروع)، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۱۶۲، ح. ۲.
- ۵۹- محمدبن یعقوب کلینی رازی، اصول کافی (فروع)، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۱۶۲، ح. ۲.
- ۶۰- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴، خطبه. ۱۳۱.
- ۶۱- محمدسیدرضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انصار المهدی، ۱۳۹۰، ص ۴۷۶، کلمات قصار. ۱۹۲

۶۲- رسول سنایی راد، جهاد برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ماهنامه سراج بسیجی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۹۱-۹۲، تهران، صص ۴۱-۴۲ .

۶۳- فردین عبداللهی، جهاد اقتصادی بستر تحقق الگوی ایرانی اسلامی، ماهنامه هدایت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۱۱۵-۱۱۴، تهران، صص ۸۴ .

۶۴- جواد محقق، ضرورت اصلاح نظام بانکی دومین قدم اجرای طرح تحول اقتصادی، ماهنامه هدایت، اسفند ۱۳۸۹، شماره ۱۱۳، صص ۸۳ .

۶۵- عباسعلی بیگدلی، بررسی وضعیت سرمایه گذاری خارجی در ایران، ماهنامه سراج بسیجی، خرداد ۱۳۹۱، شماره ۱۰۴، تهران، صص ۶۹-۶۵ .

۶۶- علی قاسمی، ارتقاء بهره وری یک ضرورت یا انتخاب، ماهنامه سراج بسیجی، خرداد ۱۳۹۰، شماره ۹۳، صص ۷۰-۶۹ .

۶۷- علی مرادزاده، اقتصاد مقاومتی کلید پیشرفت و توسعه، ماهنامه سراج بسیجی، آبان و آذر ۱۳۹۱، شماره ۱۱۰-۱۰۹، صص ۷۵-۷۲ .

۶۸- موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری، ۹۱/۱/۱، [www.farsi.khamene.ir](http://www.farsi.khamene.ir).

۶۹- حسین عبداللهی فر، جهاد اقتصادی و رسالت هادیان، ماهنامه هدایت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۱۱۵-۱۱۴، صص ۶ .

۷۰- علی قاسمی، «جهاد اقتصادی، ضرورتها، موانع و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۴۰، صص ۴۱ .

۷۱- علی قاسمی، «جهاد اقتصادی، ضرورتها، موانع و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۴۰، صص ۴۰-۳۹ .

۷۲- رسول سنایی راد، بررسی چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی از دیدگاه اقتصادی، فصلنامه میثاق، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴، تهران، صص ۶۳ .

۷۳- علی قاسمی، ارتقاء بهره وری یک ضرورت یا انتخاب، ماهنامه سراج بسیجی، خرداد ۱۳۹۰، شماره ۹۳، صص ۷۲-۷۱ .

۷۴- مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، قم، صدرا، تیر ۱۳۷۸، صص ۱۹۰ .

## فهرست منابع

۱- آقا محمدی، علی، اقتصاد مقاومتی راهی برای تحقق چشم انداز

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۲- اسحاقی، سید حسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم، مرکز نشر هاجر، تابستان ۱۳۹۰، چاپ اول.

۳- ابراهیمی، حمید رضا، اصلاح مصرف یا اصلاح الگوی مصرف، [www.daneshju.ir](http://www.daneshju.ir)

۴- اسکندری، صالح، اقتصاد مقاومتی، پدافند یا استراتژی برای پیشرفت؟، [www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۵- بیگدلی، عباسعلی، بررسی وضعیت سرمایه گذاری خارجی در ایران، ماهنامه سراج بسیجی، ۱۳۹۱، شماره ۱۰۴، خرداد، صص ۶۹-۶۵

۶- برزگر، ابراهیم، نسبت مفاهیم تکلیف و نتیجه در عقلانیت معنوی امام و رهبری، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳۹۲، شماره ۴۹ و ۵۰، زمستان، صص ۱۳

۷- پیغامی، عادل، اقتصاد مقاومتی دفاعی یا ترمیمی؟

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۸- جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، مرکز نشر اسراء، اسفند ۱۳۸۰، چاپ اول.

۹- جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم، مرکز نشر اسراء، فروردین ۱۳۸۶، چاپ چهارم.

۱۰- عبدالکریم نعاکار، بیانات مقام معظم رهبری، فروردین ۹۲، [www.nanakar.ir](http://www.nanakar.ir)

۱۱- حمیم، سلیمان، فرهنگ کوچک انگلیسی فارسی حمیم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰، چ ۳۳.

۱۲- حق شناس، محمد، فرهنگ لغت هزاره، تهران، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال نشر ۱۳۸۵، چاپ هفتم.

۱۳- حمیدی فر، ریحانه، هدف از اقتصاد مقاومتی چیست،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۱۴- حمیدی فر، ریحانه راهکاری به نام اقتصاد مقاومتی، [www.farsi.khamen.ir](http://www.farsi.khamen.ir)

۱۵- درخشان، مسعود، جزئیات ابعاد اقتصاد مقاومتی، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

۱۶- مخبر دزفولی، محمدرضا، مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲/۳/۸، <http://rc.majlis.ir>

۱۷- رضایی، عبدالعلی، اقتصاد مقاومتی مسابقه است یا مقاومت؟

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۱۸- زریباف، مهدی، مختصات اقتصاد مقاومتی، [www.basij.ir](http://www.basij.ir)

۱۹- موسوی الخیمینی «ره»، روح الله، بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی «ره»، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۹.



۲۰-سنایی راد، رسول، جهاد برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، فصلنامه میثاق، ۱۳۸۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۳.

۲۱-سلیمانی، محمد، شش ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی، [www.hamandishi.net](http://www.hamandishi.net).

۲۲-شعبانی سارویی، رمضان، عزم ملی و مدیریت جهادی راه برون رفت نظام جمهوری اسلامی چالشهای اقتصادی و فرهنگی نظام سلطه، ماهنامه هدایت، ۱۳۹۳، شماره ۱۴۷، ص ۲۳.

۲۳-صادقی، محسن، قحطی نظریه ی اقتصاد مقاومتی درجهان <http://karajrasa.ir>

۲۴-عبداللهی فر، حسین، جهاد اقتصادی و رسالت هادیان، ماهنامه هدایت، ۱۳۹۰، ش ۱۱۵-۱۱۴، فروردین و اردیبهشت، صص ۷-۱۰.

۲۵-عبداللهی، فردین، جهاد اقتصادی بستر تحقق الگوی ایرانی اسلامی، ماهنامه هدایت، ۱۳۹۰، شماره ۱۱۵-۱۱۴، فروردین و اردیبهشت، ص ۸۴.

۲۶-عسگری، علی، راهکار در اقتصاد مقاومتی،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com).

۲۷-فقیه، شاهپور بررسی رابطه ایمان و رفاه اقتصادی، قم، انتشارات طوبای محبت، تابستان ۱۳۸۴، چاپ اول.

۲۸-فراهانی، فاطمه، الگوی مصرف و هویت فرهنگی، [www.rciirb.ir](http://www.rciirb.ir).

۲۹-قمی (معروف به شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲، چاپ چهارم.

۳۰-قاسمی، علی، «جهاد اقتصادی، ضرورتها، موانع و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳۹۰، ش ۴۰، تابستان، صص ۳۹-۴۰.

۳۱-قاسمی، علی، ارتقاء بهره وری یک ضرورت یا انتخاب، سراج بسیجی، ۱۳۹۰، شماره ۹۳، خرداد، صص ۷۱-۷۲.

۳۲-قادری، جعفر، از کجا شروع کنیم،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۳۳-قاسمی، رستم، صنعت نفت و الگوی اقتصاد مقاومتی،

[www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com](http://www.eghtesad-moghavemati.blogfa.com)

۳۴-قصریان، مهدی، تقصیر فرهنگی در اصلاح الگوی مصرف، [www.abraar.blogfa.com](http://www.abraar.blogfa.com).

۳۵-کرمی، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۰، چاپ ۱.

۳۶-کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (فروع)، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ اول.

۳۷- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، چاپ مهدی، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم.

۳۸- موسوی الخمینی «ره»، روح الله، صحیفه نور، جلد ۴، اصفهان، عروج، زمستان ۱۳۷۹، چاپ سوم.

۳۹- موسوی الخمینی «ره»، روح الله، صحیفه نور، جلد ۵، اصفهان، عروج، زمستان ۱۳۷۹، چاپ سوم.

۴۰- موسوی الخمینی «ره»، روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۱، اصفهان، عروج، زمستان ۱۳۷۹، چاپ سوم.

۴۱- موسوی الخمینی «ره»، روح الله، مسائل اقتصادی (ترجمه بخشی از تحریر الوسیله امام خمینی «ره»)، مترجم عبد الکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، چاپ هفتم.

۴۲- موسوی الخمینی «ره»، روح الله، خداشناسی، مجله حماسه اقتصادی، ۱۳۹۲، خرداد، ویژه نامه بیست و چهارمین سالگرد بزرگداشت حضرت امام خمینی «ره»، صص ۸۴-۸۵.

۴۳- مطهری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، قم، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸، چاپ اول.

۴۴- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، قم، صدرا، تیر ۱۳۷۸، چاپ هفتم.

۴۵- مهری، سید مصطفی، بیت المال در سیره ابرار، تهران، نشر معروف، اردیبهشت ۱۳۷۷، چاپ اول.

۴۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، چاپ ۸.

۴۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، چاپ ۸.

۴۸- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۴، تهران، سپهر، ۱۳۷۱، چاپ ۸.

۴۹- موسویان، سید عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، انتشارات نصاب، بی تا، چاپ اول.

۵۰- مرادزاده، علی، اقتصاد مقاومتی کلید پیشرفت و توسعه، ماهنامه سراج بسیجی، ۱۳۹۱، شماره ۱۱۰-۱۰۹، آبان و آذر، صص ۷۲-۷۵.

۵۱- محقق، جواد، ضرورت اصلاح نظام بانکی دومین قدم اجرای طرح تحول اقتصادی، ماهنامه هدایت، ۱۳۸۹، شماره ۱۱۳، اسفند، صص ۷۵-۸۵.

۵۲- مظاهری، روح اله، اصلاح الگوی مصرف در فرهنگ اسلامی، [www.rciirib.ir](http://www.rciirib.ir)

۵۳- میر معزی، سید حسین، مبانی فلسفی نظام اقتصاد اسلام،

[www.wikipedia.ir](http://www.wikipedia.ir)

۵۴-مولایی، یاسر، اقتصاد مقاومتی چگونه در خدمت مقاومت ملی باشد، [www.dari.irib.ir](http://www.dari.irib.ir)

۵۵-هاشمی رفسنجانی، اکبر، عدالت اجتماعی (بخش اقتصاد)، تهران، شریعت، تابستان ۱۳۷۹، چاپ اول.

اللهم ارزقنا التوفيق الشهاده.. فی سبیلک